



The Sociology Of Internet

Mehdi Akhtar Mohagheghi

جامعه شناسی اینترنت

مهدي اختر محققي

ISBN:964-06-9506-8



9 789640 695067

جامعه شناسی اینترنت

نویسنده

مهدی اختر محقق

اطلاعات کتاب شناسی

اختر محققى ، مهدى ، ۱۳۵۸
جامعه شناسى اينترنت / نویسنده مهدى اختر محققى. - تهران : مهدى اختر محققى ، ۱۳۸۵ .

۱۰۰ ص .

ISBN: 964-06-9506-8

۱۰۰۰۰ ریال

فهرست نویسى بر اساس اطلاعات فیپا.

پشت جلد به انگلیسى:

The Sociology Of Internet
Mehdi Akhtar Mohagheghi

کتابنامه.ص ۹۴- ۱۰۰

۱. اينترنت . جنبه هاى اجتماعى .

۲ ج ۳ الف / ۸۵۱ HM

کتابخانه ملی ایران

۳۰۳/۴۸۳۳

۲۹۶۲۹ - ۸۵ م

ISBN :964-06-9506-8

شابک : ۹۶۴-۰۶-۹۵۰۶-۸

عنوان : جامعه شناسى اينترنت

تالیف : مهدى اختر محققى

ناشر : مولف

تاریخ انتشار : ۱۳۸۵

نوبت چاپ : اول

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه

قیمت : ۱۰۰۰۰ ریال

info@akhtar.ir

ارتباط با مولف :

کلیه حقوق چاپ و نشر محفوظ می باشد.

فهرست مطالب

۷

فصل اول : مبانی اینترنت

۹	شبکه
۱۰	فضای رایانه ای
۱۰	اینترنت
۱۳	اینترانت
۱۵	اکسترانت
۱۵	اشتراک گذاری در اینترنت
۱۶	وبلاگ
۲۲	فضاهای مجازی
۲۲	تالارهای گفتگو
۲۳	پست الکترونیک
۲۳	تجارت الکترونیک
۲۵	آموزش مجازی
۲۶	روزنامه نگاری الکترونیک
۲۷	دولت الکترونیک

۲۹

فصل دوم : اینترنت و جامعه

۳۱	جامعه مجازی
۳۲	جامعه اطلاعاتی
۳۵	ویژگی های جامعه اطلاعاتی
۳۷	اینترنت و مدیریت
۳۹	اینترنت و ارتباط انسانی
۴۲	اینترنت و فرهنگ و هویت

۴۴	اینترنت و جنبش‌های نوین اجتماعی
۴۷	اینترنت و حوزه عمومی جامعه
۵۳	اینترنت و حوزه غیررسمی جامعه
۵۶	اینترنت و جوامع
۵۷	اینترنت و جامعه مجازی
۵۹	اینترنت و جامعه مدنی
۶۱	ارتباطات اینترنتی و جامعه مدنی
۶۲	اینترنت و کنش‌های سیاسی
۶۳	اینترنت و فرهنگ
۶۸	اینترنت و گفتگوی فرهنگها
۷۵	اینترنت و افراط گرایی
۸۰	اینترنت و شکاف دیجیتالی
۸۹	اینترنت و سلطه
۹۱	منابع

پیشگفتار

در دنیای امروز اینترنت به سرعت در حال گسترش است هیچ وسیله ارتباطی تا به حال گسترش سریعی به مانند اینترنت نداشته است. اینترنت امروزه مرزها را در نوردیده و انسانها را به هم متصل نموده است.

با گسترش اینترنت تغییراتی در جوامع روی داده که سبب تغییرات فرهنگی و اجتماعی در زمینه های مختلف شده است. دامنه کارکرد اینترنت به قدری وسیع است که از سرگرمی گرفته تا پزشکی و فلسفه و خدمات شهری را شامل می گردد.

در سال ۲۰۰۴ در حدود ۵۰ میلیون وب سایت به ثبت رسیده بود در حالی که این مقدار به ۱۰۰ میلیون در سال ۲۰۰۶ افزایش یافت.

اینترنت گرچه با گسترش روز افزون خود تاثیری مثبتی بر زندگی مردمان گذاشته است لیکن باید در نظر داشت که پیشرفت تکنولوژی همیشه در جهت مثبت نیست و گاهی جنبه منفی نیز پیدا می کند. و در این میان می توان سردرگمی مراجعان به وب را نام برد که وقتی فردی در جستجوی یافتن مطلبی می باشد موتورهای جستجو او را به هزاران سایت راهنمایی می کنند که مطالب آن سایتها چه بسا با یکدیگر متضاد باشد و فرد نتواند بدرستی به موضوع دلخواه خود برسد اما باید در نظر داشت که جنبه مثبت اینترنت بسیار بیشتر از اثرات منفی آن می باشد.

گرچه تاثیر اینترنت در جامعه ایران بسیار زیاد بوده است اما تاکنون هیچ کتابی در مورد جامعه شناسی اینترنت نگاشته نشده است. در این کتاب سعی شده است که به نگاهی جامعه شناسان به مقوله اینترنت پرداخته شود.

فصل اول

مبانی اینترنت

فصل دوم
اینترنت و جامعه

The Sociology of
Internet

Mehdi Akhtar Mohagheghi

شبکه^۱

به مجموعه‌ای از اتصالات بین دو یا چند کامپیوتر که باعث شود این کامپیوترها به کمک آن با یکدیگر تبادل اطلاعات کنند شبکه می‌گویند. وقتی دو یا چند کامپیوتر را به یکدیگر متصل شوند به گونه‌ای که این دو بتوانند با هم تبادل اطلاعات کنند در واقع یک شبکه بوجود آمده است.

اهداف شبکه :

۱- استفاده از منابع مشترک (اطلاعات، نرم افزارها و سخت افزارها).

۲- به روز بودن اطلاعات.

۳- جلوگیری از افزونگی اطلاعات.

۴- تبادل سریعتر و دقیقتر اطلاعات.

تقسیم بندی شبکه‌ها از لحاظ مقیاس جغرافیایی:

LAN شبکه محلی: که مخفف Network Local Area می‌باشد، شبکه‌ای است با سرعت بالا که به منظور برقراری ارتباط و مبادله داده‌ها بین کامپیوترها در یک محدوده جغرافیایی کوچک مثل یک اداره، یک ساختمان و یا یک طبقه از یک برج طراحی شده است.

WAN شبکه بندی وسیع: که مخفف Wide Area Network می‌باشد، جهت مبادله اطلاعات بین فواصل بسیار دور بکار می‌رود. این شبکه ناحیه جغرافیایی وسیعی مانند کل یک کشور و یا کل یک قاره را در بر می‌گیرد. شبکه‌های WAN ممکن است از خطوط استیجاری شرکت مخابرات و یا ماهواره‌های مخابراتی جهت مبادله اطلاعات استفاده کنند.

MAN شبکه شهری: که مخفف Metropolitan Area Network می‌باشد شبکه‌های متعددی را که در نواحی مختلف یک شهر بزرگ واقع شده‌اند، به یکدیگر متصل و مرتبط می‌سازد.

¹ Network

فضای رایانه‌ای^۱

اصطلاح فضای رایانه‌ای برای اولین بار در سال ۱۸۹۲ در یک داستان علمی تخیلی به کار برده شد. در گفتار روزمره از فضای رایانه‌ای، به عنوان یک مکان فیزیکی یاد می‌شود اما در واقع این طور نیست. فضای رایانه‌ای اگرچه اصطلاحی نسبتاً جدید است اما مفهوم آن جدید نیست و پیدایش این مفهوم، همزمان با اختراع تلفن توسط الکساندر گراهام بل در سال ۱۸۷۶ بوده است. شرکت بل تعداد زیادی پسر نوجوان را که قبلاً در اداره تلگراف به عنوان تلگراف‌رسان کار می‌کردند، برای متصل کردن تماس‌های تلفنی و ارائه اطلاعات به مشتریان سرویس تلفن استخدام کرد. این شرکت به زودی با مشکلاتی از سوی کارکنان جوان خود مواجه شد. این بچه‌ها با مشتریان، بی‌ادبانه و با گستاخی برخورد می‌کردند، سربزه سر آنها می‌گذاشتند و معمولاً آنها را مسخره می‌کردند. بدتر از همه آن که از حقه‌هایی هوشمندانه در صفحه سوئیچ‌های اتصال استفاده می‌کردند و به این وسیله تماس‌ها را قطع می‌کردند و کارهایی از این قبیل انجام می‌دادند. توانایی، مهارت فنی و ناشناس بودن این پسران در انجام این شیطنت‌ها، مجموعه عواملی را تشکیل می‌داد که باعث بروز مزاحمت‌ها و مشکلات می‌شد. شرکت بل در نهایت با استخدام خانم‌ها خود را از شر این معضل خلاص کرد. فضای رایانه‌ای سابقه آن از آنچه اکثر مردم می‌پندارند بسیار بیشتر است.

اینترنت^۲

اینترنت نامی برای سیستمی گسترده و جهانی شامل مردم، اطلاعات و کامپیوترها می‌باشد. اینترنت آنقدر بزرگ و پیچیده هست که در محدوده درک یک شخص نمی‌گنجد. نه تنها کسی نیست که تمام اینترنت را درک کند، بلکه هیچ فردی پیدا نمی‌شود که حتی آن را بفهمد.

^۱Cyber space

^۲Internet

ریشه های اینترنت به پروژه ای به نام آرپانت که توسط "آزانس پروژه های تحقیقاتی پیشرفته دپارتمان دفاع ایالات متحده آمریکا" حمایت می شد، باز می گردد. دپارتمان دفاع می خواست شبکه ای بسازد که خودش را تحت شرایط سخت و ناسازگار نگهداری کند. ایده اصلی ساختن شبکه ای بود که قادر باشد اطلاعات نظامی و دولتی را در طی "حادثه ای هسته ای" منتقل کند.

پروژه در سال ۱۹۶۸ آغاز شد و به زودی به سمت هدف توسعه فونونی برای ساختن شبکه ای در مقیاس بزرگ رشد نمود.

آرپانت برای سالها ادامه داشت و بعد از این که به طور رسمی اعلام شد کامل شده است، با موفقیت متوقف شد. از آن موقع تکنولوژی متصل ساختن مطمئن و اقتصادی کامپیوترها توسعه یافته است و امروز روح آرپانت ستون فقرات اینترنت را شکل می دهد.

در ابتدا، هدف محققین آرپانت ساخت یک شبکه بزرگ برای متصل ساختن کامپیوتر در مسافتهای طولانی بود. اما در اواسط دهه ۱۹۷۰، روشن شد که هیچ شبکه منفردی قادر به تامین نیازهای همه افراد نیست. محققین دریافتند که توسعه تکنولوژی که بتواند انواع مختلفی از شبکه ها را در سیستمی بزرگ و منفرد متصل سازد، بسیار مفیدتر می باشد. این دید باعث مطرح شدن مفهوم "میان شبکه" یا "اینترنت" شد.

بنابراین اینترنت امروزی واقعا شبکه کامپیوتری بزرگ و منفردی نمی باشد. اینترنت عملا مجموعه ای از دهها هزار شبکه گسترده در سطح جهان می باشد. شاید بهترین راه برای درک سازمان و اهمیت اینترنت مقایسه آن با دو سیستم ارتباطی بزرگ جهانی می باشد: سیستم پستی و سیستم تلفن، هر دوی این سیستم ها شامل بخشهای بسیار بسیار کوچکتری می باشند که در سازمان بین المللی بزرگی به یکدیگر متصل می شوند. با این وجود، مزیت بزرگ اینترنت بسیار انعطاف پذیرتر و سریعتر بودن آن است.

اگرچه اینترنت از سیستمهای پستی و تلفن جدیدتر است، اما مکانی ثابت در جامعه و اقتصاد ما یافته است. در واقع، جهان هم اکنون بسیار وابسته به آن است و ما بدون اینترنت کمتر می توانیم کاری انجام دهیم.

با این وجود تفکر در مورد اینترنت به عنوان شبکه‌ای کامپیوتری، یا حتی گروهی از شبکه‌های کامپیوتری اشتباه خواهد بود. به عبارت دیگر، اینترنت شبکه‌های کامپیوتری رسانه‌هایی هستند که اطلاعات را حمل می‌کنند. زیبایی و فایده اینترنت در خود اطلاعات و مردمی که در آن شرکت دارند، است. نه به عنوان شبکه‌ای کامپیوتری، بلکه به عنوان منبع بزرگی از اطلاعات عملی و لذت بخش.

در فراگیری چگونگی استفاده از اینترنت، تجربه جدید و مهیجی را آغاز می‌کنید. مردم در حال وارد شدن به جهانی هستند که در آن مردمی خوش رفتار از کشورها و فرهنگ‌های متفاوت مشتاقانه با تمایل با یکدیگر همکاری و آزادانه مشارکت می‌کنند. آنها زمان، تلاش‌ها، دانش و تولیدات خود را به اشتراک می‌گذارند هر منبعی که در اینترنت است به این دلیل است که فرد یا گروهی وقت خود را داوطلبانه در اختیار دیگران قرار داده است. آنها ایده‌ای داشتند، آن را توسعه دادند، چیز با ارزشی را ایجاد کردند، و سپس آن را در دسترس تمام افراد جهان قرار دادند.

بنابراین اینترنت بسیار بیشتر از شبکه‌ای کامپیوتری یا سرویسی اطلاعاتی می‌باشد. هر فردی در هر زمانی می‌تواند شرکت کند. اینترنت هرگز بسته نمی‌شود. علاوه بر این، اهمیتی ندارد که چه کسی هستید، ورودتان همیشه خوش‌آمد گفته می‌شود. هرگز به خاطر نوع لباس، رنگ پوست، یا مذهب خود از چیزی محروم نمی‌شوید.

فرد عیب‌جویی احتمالاً بیان می‌دارد که دلیل کار اینترنت به این خوبی عدم وجود حکمران است. عملاً، این موضوع صحت نیز دارد. ممکن است غیر قابل قبول به نظر برسد، اما عملاً اینترنت را هیچ‌کسی کنترل نمی‌کند. کسی محتمل هزینه نمی‌شود و هیچ سازمان واحدی هزینه‌ها را نمی‌پردازد. اینترنت قانون و پلیس و ارتش ندارد. راه‌هایی واقعی برای صدمه زدن به شخص دیگری وجود ندارند، اما راه‌های بسیاری برای مهربان بودن وجود دارند. برای اولین بار در تاریخ، تعداد نامحدودی از مردم قادرند به آسانی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.

اینترنت را به خودی خود باید به عنوان یک موجودیت در نظر گرفت. ارگانیک‌سازی جهانی که شامل تعداد بیشماری از مردم، منابع اطلاعاتی و کامپیوترهایی است که با یکدیگر همزیستی دارند. در نگاه اول اصطلاح "ارگانیک" ممکن است اندکی عجیب به نظر برسد، اما هنگامی که استفاده از اینترنت را شروع شود، مشاهده می‌شود که فرای ماشینها و افراد مجزا، دارای زندگی می‌باشد.

اینترنت^۱

اینترنت شبکه‌ای خصوصی است که به منظور استفاده اختصاصی کاربران یک موسسه طراحی می‌شود. برای راه‌اندازی اینترنت عموماً از همان نرم‌افزارهایی استفاده می‌شود که در اینترنت استفاده می‌شود، تنها تفاوتی که در این بین وجود دارد، تنظیم روش‌های دسترسی و اجازه دسترسی کاربران به آن می‌باشد.

ممکن است یک شرکت فقط به مشتری‌ها یا کارمندان و یا کاربران شبکه محلی خود اجازه دسترسی به اینترنت را بدهد. یا ممکن است روش دسترسی به اینترنت فقط به خط تلفن یا شبکه محلی محدود شده باشد.

استفاده از اینترنت دارای فواید و مزایای زیادی است که می‌توان به چند نمونه از آن اشاره کرد:

به منظور راه‌اندازی آزمایشی یک وب‌سایت در این حالت برنامه‌نویسان و کاربران می‌توانند قبل از راه‌اندازی سایت در وب، عملیات رفع عیب و گسترش برنامه و ورود اطلاعات را با خیال راحت انجام دهند. سرعت بالا و عدم نیاز دسترسی به اینترنت (به منظور کاهش هزینه‌ها) از جمله مزایای آن است.

از آنجایی که شبکه اینترنتی مورد نظر به اینترنت متصل نیست عملاً راه دسترسی نفوذگران اینترنتی به آن مسدود شده می‌باشد، بنابراین راهی برای خروج غیر مجاز اطلاعات از شبکه

^۱ Intranet

شرکت وجود ندارد. البته ممکن است این شبکه به اینترنت متصل شده باشد ولی می‌توان با استفاده از نرم افزارهای کنترل‌کننده دسترسی کاربران غیر مجاز را مسدود کرد. در بعضی از موارد وب سایتها دارای بانک اطلاعاتی مخصوص به خود هستند، استفاده از اینترنت این امکان را می‌دهد که پس از به روز رسانی و تأیید صحت اطلاعات ثبت شده آن را در وب در اختیار همگان قرار داد.

اشتراک دانش یکی از مهمترین دستاوردهای فن آوری اطلاعات و ارتباطات می باشد. بدین منظور می توان از روش های متفاوتی نظیر شرکت در همایش ها، مباحث علمی، کتاب، روزنامه ها و سایر موارد دیگر، استفاده نمود. هر یک از روش های فوق دارای مزایا و محدودیت های مختص به خود می باشند. محدودیت زمانی، مکانی و میزان تعامل اطلاعاتی با مخاطبان از جمله چالش های اساسی در ارتباط با هر یک از روش های فوق می باشد. نشر اطلاعات و دانش شخصی با استفاده از پتانسیل های وب (نظیر انتشار مقالات) و وبلاگ ها، ضمن غلبه بر محدودیت های زمانی و مکانی، حق انتخاب مخاطب را ارج نهاده و بستری مناسب برای تعاملات اطلاعاتی دوسویه را فراهم نماید. انتشار دانش و تجارب شخصی در قالب وبلاگ ها، گزینه ای پیشرفته و مناسب در ارتباط با امر تحقیقات و اطلاع رسانی صحیح و به موقع می باشد. توسعه پایدار در هر کشوری مستلزم ارج نهادن به امر تحقیق و پژوهش و اطلاع رسانی سریع و صحیح است. در صورتی که پدیده وبلاگ نویسی را از این زاویه مورد توجه قرار دهیم به جایگاه ارزشمند آنان در ایجاد شبکه های گسترده نشر دانش و ارتباطی بیشتر پی خواهیم برد دریافت سریع بازخوردها در ارتباط با ایده های ارائه شده، تسهیل در ارتباط بین محققین، طبقه بندی محتوی در زمینه های مختلف از مزایای آن است .

اکسترانت^۱

اکسترانت را می‌توان چیزی بین اینترنت و اینترانت به حساب آورد. اکسترانت یک اینترنت است که دسترسی افراد معدودی را مجاز می‌کند و برای این گروه جمع‌آوری و ارائه اطلاعات بر روی اینترانت سازمان را امکان‌پذیر می‌سازد که با تأیید اجازه دسترسی به وسیله کلمه عبور برای افراد یا گروه‌های ازپیش تعیین شده، امکان تغییر درجه دسترسی به اکسترانت امکان‌پذیر می‌شود و امکان کنترل دسترسی به مطالب حساس مثل قیمت‌های منطقه‌ای، شرایط انجام امور تجاری، انواع محصولات موجود و غیره فراهم می‌آورد.

اکسترانت‌ها از بعد امنیتی برای شبکه‌ها بسیار حیاتی می‌باشند. زیرا محلی هستند برای نفوذ به شبکه و ورود ویروس‌ها، معمولاً اطلاعات عمومی مربوط به اینترانت‌ها یا سازمانها در این قسمت‌ها قرار می‌گیرند.

اکسترانت‌ها را معمولاً سازمان‌هایی که دفاتر گوناگونی در نقاط مختلف دارند، ایجاد می‌کنند تا از این طریق ارتباط میان رایانه‌ها و شبکه‌های دفاتر خود را برقرار کنند. از آن جمله می‌توان به شبکه‌های بانکی اشاره کرد. موسسات با استفاده از اینترنت به عنوان بستری برای اتصال میان شبکه‌های خود، در هزینه‌ها صرفه جویی می‌کنند، چرا که اگر قرار باشد ارتباطی مجزا به صورت کابلی یا حتی بی‌سیم میان ۲ نقطه با فاصله زیاد برقرار شود، مخارج بالایی دارد. حال آن که دسترسی به اینترنت در بیشتر نواحی با قیمتی مناسب میسر است.

اشتراک‌گذاری در اینترنت

اینترنت امکانات و ابزارهای متعددی را به منظور ارائه خدمات و سرویس‌ها در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد. یکی از ویژگی‌های بسیار جذاب اینترنت ارائه سرویس‌ها و خدماتی است که شما را قادر می‌سازد با مخاطبان خود ارتباطی پویا و متقابل برقرار نموده و از نقطه نظرات آنان در رابطه با یک مطلب، آگاه شوید. در این راستا هر یک از کاربران

^۱Extranet

می‌توانند دانش و تجارب خود را در اختیار دیگران قرار داده و خود نیز به عنوان عضوی از یک جامعه شبکه‌ای مطرح کنند فرض کنید ابزاری ارزان قیمت برای انتشار مطلب در اختیار هر نویسنده و یا صاحب قلمی باشد که بتواند با استفاده از آن عقاید، اخبار، دیدگاهها و نقطه نظرات خود را در رابطه با موضوعات مورد علاقه، بدون محدودیت‌های مرسوم بیان نماید. بشریت در طی چند سال گذشته قدم در دنیای جدیدی گذاشته است که بدون شک یکی از مهمترین دستاوردهای آن تحول و دگرگونی اساسی در ارتباط با نحوه نشر اطلاعات است. وبلاگ و یا بلاگ نمونه‌ای در این زمینه بوده که با توجه به ماهیت اینترنت، ویژگی دو طرفه بودن وب و تنوع خواسته استفاده کنندگان، در کانون توجه علاقه‌مندان قرار گرفته و ما امروزه شاهد رشد و گسترش چشمگیر آن می‌باشیم.

وبلاگ^۱

وبلاگ، یک صفحه وب (مشابه یک روزنامه شخصی) و با قابلیت دستیابی عموم کاربران به آن است. وبلاگ‌ها، بر اساس یک نظم خاص بهنگام و محتوی بلاگ نشان دهنده شخصیت مؤلف و یا مؤلفان آن می‌باشد. اولویت استقرار و یا نشر مطلب بر اساس یک ساختار زمانی شکل می‌گیرد. در این حالت خوانندگان بلاگ‌ها همواره در ابتدا جدیدترین مطلب و یا مطالب منتشر شده را مشاهده و در صورت تمایل آن را مطالعه می‌نمایند.

اکثر وبلاگ‌ها دارای یک خط فکری خاص بوده و به نوعی آن را دنبال می‌نمایند. مثلاً" در صورتی که یک بلاگر علاقه مند به فن آوری باشد، با جمع آوری مطلب از منابع متفاوتی نظیر: نمایشگاه‌ها، سمینارها و یا سایت‌های دیگر، آنان را با فرمت مورد نظر در بلاگ خود ثبت و در اختیار مخاطبان خود قرار دهد. در صورتی که یک بلاگر علاقه مند به یک بیماری خاص بوده و مسائل علمی آن را به نوعی دنبال می‌نماید، می‌تواند مقالات و موضوعات جدید منتشر شده در رابطه با بیماری مورد نظر را بر روی بلاگ خود منتشر نماید. در صورتی که یک بلاگر، علاقه مند به مسائل اقتصادی می‌باشد، می‌تواند با جستجو و یافتن

^۱ Weblog

مقالات جدید در رابطه با اقتصاد، آنان را بر روی بلاگ خود منتشر نماید. برخی از وبلاگ نویسان از بلاگ خود به منزله یک آلبوم عکس و یا بریده روزنامه‌ها استفاده می‌نمایند. زمانی که بلاگر یک لینک مناسب را در این خصوص پیدا نماید و یا اطلاعاتی خاصی را که قصد دارد آنان را بخاطر بسپارد، آنان را بر روی بلاگ خود قرار می‌دهد. بلاگ یک محیط الکترونیکی قابل جستجو را فراهم که علاقه‌مندان می‌توانند با استفاده از یک مرورگر وب و در هر نقطه‌ای از جهان به محتویات آنان دسترسی داشته باشند. یکی از ویژگی‌های هائی که در تمامی بلاگ‌ها به نوعی رعایت می‌شود، ماهیت انتشار و استقرار اطلاعات بر روی بلاگ بر اساس یک نظم زمانی خاص است (تقویم اطلاعاتی). وبلاگ مشابه یک مجله و یا روزنامه اینترنتی می‌باشد که مؤلف آن می‌تواند در ارتباط با موضوعات متفاوت در زمان دلخواه، در آن اطلاعاتی را درج و منتشر نماید. تعداد زیادی از وبلاگ‌ها دارای مجموعه‌ای جالب و ارزشمند از لینک‌ها به سایر وبلاگ‌ها و یا سایت‌های هائی می‌باشند که مؤلف وبلاگ آنان را مثبت و مفید ارزیابی می‌نماید.

برخی از ویژگی‌های وبلاگ‌ها عبارتند از:

سبک و شیوه وبلاگ‌ها عموماً شخصی، غیررسمی و یا خودمانی است. با استفاده از ابزارهای رایگان موجود بر روی وب می‌توان به سادگی اقدام به ایجاد و نشر اطلاعات بر روی وبلاگ، نمود.

وبلاگ‌ها از لحاظ کیفیت، محتوی و اهداف دارای گونه‌های متعددی بوده و هر یک می‌توانند مخاطبان خاص خود را دارا باشند (نظیر تیراژ روزنامه).

وبلاگ‌ها در اواسط دهه ۹۰ مطرح و به سرعت و همزمان با ارائه ابزارهای ساده نشر و ایجاد وبلاگ، نظیر Blogger.com رشد و مورد استقبال قرار گرفتند. در این راستا وبلاگ‌های متعددی، ایجاد گردیده است. اکثر وبلاگ‌ها مبتنی بر متن می‌باشند. در این رابطه وبلاگ‌های نیز وجود دارد که علاوه بر استفاده متن از سایر اقلام اطلاعاتی نظیر صوت، تصاویر و کلیپ‌های

ویدئویی نیز استفاده می‌نمایند بلاگ تصویری^۱، بلاگ ویدئویی^۲، بلاگ های صوتی^۳. هر موجودیت در یک وبلاگ به نوعی به سایر اطلاعات، اشاره می‌نماید. مؤلفین وبلاگ‌ها به سایر وبلاگ‌ها لینک و به گونه‌ای آنان را بر اساس موضوعات متفاوتی تقسیم‌بندی نموده تا امکان استفاده مناسب و سریع از سایر وبلاگ‌ها با توجه به موضوعات مربوطه در اختیار کاربران قرارگیرد. خوانندگان یک وبلاگ می‌توانند از هر نقطه‌ای در وبلاگ که تمایل دارند مطالعه خود را شروع نمایند، در ابتدا مطالب و نوشته‌های جدید منتشر شده بر روی وبلاگ را مشاهده نمایند و یا با استفاده از امکان جستجو و یا لینک به سایر بلاگ‌ها، اطلاعات قدیمی منتشر شده را مطالعه نمایند.

وبلاگ‌ها بسرعت متداول و برخی از وبلاگ‌ها دارای صدها هزار خواننده در طی یک روز می‌باشند. خوانندگان متعددی اخبار مورد نظر خود را قبل از مطالعه روزنامه از طریق وبلاگ‌ها بدست می‌آورند. مثلاً^۴ می‌توان با مراجعه به یک وبلاگ از آخرین اخبار مربوط به چاپ کتب جدید و دنبال نمودن آخرین پیشرفت‌ها و اکتشافات ایجاد شده در زمینه‌های متفاوت علوم، آگاه گردید.

برخی وبلاگ‌ها صرفاً دارای یک مؤلف می‌باشند و برخی دیگر به صورت گروهی اداره می‌شوند. عملکرد برخی از وبلاگ‌ها هدایتگر بوده و خوانندگان را به سایر وبلاگ‌ها هدایت می‌نمایند. یک بلاگر خوب می‌بایست هم دارای مهارت در زمینه نوشتن و هم مهارت‌های خاصی در زمینه ویرایش باشد.

وبلاگ‌ها از مجلات و روزنامه‌ها دارای کارآئی به مراتب بیشتری بوده و تعداد زیادی از وبلاگ‌ها دارای یک بخش با نام نقطه نظرات بوده که خوانندگان می‌توانند نقطه نظرات ارائه شده توسط سایر خوانندگان را مطالعه و نظر خود در این رابطه بیان نمایند. با توجه به ویژگی فوق، نویسنده یک وبلاگ علاوه بر ارائه نظر و دیدگاه خود می‌تواند پس از گذشت

¹ Photoblog

² Videoblogs

³ Audioblog

چندین ساعت، بازخورد آن را داشته باشد و در صورت لزوم نقد و بررسی مجدد در ارتباط با یک مطلب را ارائه نماید.

وبلاگ‌ها، تبعیض‌ها و محدودیت‌های موجود در ارتباط با منابع رسانه‌ای دیگر را از میان برمی‌دارند. تعداد زیادی از خوانندگان روزنامه‌ها بر این اعتقاد هستند که روزنامه‌ها و ایستگاه‌های سخن‌پراکنی، دارای شرایط بهینه و مناسبی برای آزادهای مدنی نمی‌باشند. این موضوع در رابطه با وبلاگ‌ها صدق نمی‌نماید. وبلاگ‌ها در عرصه‌های متفاوتی و در ارتباط با مسائل متفاوت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اقدام به نشر اطلاعات نموده و مخاطبان با رویکردی کاملاً آزادانه قادر به مطالعه مطالب منتشر شده و در صورت تمایل بیان دیدگاه خود در ارتباط با آن می‌باشند.

برخی بر این عقیده هستند که اولین وبلاگ توسط " تیم . برنرزی " (مخترع وب) ایجاد که در آن وی به سایت‌های جدیدی (<http://info.cern.ch>) که در آن زمان ایجاد و بر روی اینترنت فعال می‌شدند، اشاره می‌نمود.

دومین وبلاگ توسط " Andreessen's Marc " در NCSA ایجاد که وی نیز در آن عملیاتی مشابه وبلاگ " برنرزی " را انجام می‌داد.

در فاصله بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۷ که از آن به عنوان انفجار وب، نام برده می‌شود، چندین وبلاگ جدید دیگر نیز ایجاد گردید. از وبلاگ‌های اولیه می‌توان به وبلاگ متعلق به Dave Winer (اخبار مربوط Scripting)، وبلاگ Barger و Cameron Barrett، اشاره نمود. محتویات وبلاگ‌های اولیه اغلب شامل مجموعه‌ای از لینک‌ها و توضیحاتی بود که متناسب با علاقه نویسنده، ایجاد می‌گردید. در ادامه وبلاگ نویسان، علاقه‌مند به ایجاد وبلاگ‌هایی شدند که در آن مطالبی را درج می‌نمودند که خود تمایل به خواندن آن را در آینده داشتند (نظیر دفترچه خاطرات شخصی). بدین ترتیب، وبلاگ‌ها دارای شخصیتی خاص برای خود شدند که این شخصیت را مستقیماً از مؤلف خود به ارث می‌بردند. با مطالعه دفترچه خاطرات شخصی هر فرد می‌توان با ابعاد متفاوت شخصیتی وی نیز تا اندازه‌ای که امکان دارد، آشنا شد.

یکی از مهمترین تحولات مهم در ارتباط با وبلاگ‌ها، تبدیل آن به یک رسانه محاوره‌ای بود. تعداد زیادی از مولفین و نویسندگان وبلاگ‌ها از وبلاگ خود برای بحث در ارتباط با موضوعات مورد علاقه و یا موضوعات گفته شده توسط سایر نویسندگان در وبلاگ‌های دیگر استفاده و با بکارگیری لینک‌های متعدد، امکان دنبال نمودن مباحث مورد نظر را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهند. بدین ترتیب، خوانندگان علاقه‌مند، می‌توانستند در مباحثه مورد نظر شرکت و علاوه بر آگاهی از سایر دیدگاه‌های موجود، نقطه نظرات خود را بیان و یا شخصا اقدام به ایجاد وبلاگ و دنبال نمودن مباحث مورد نظر در وبلاگ خود نمایند.

از لحاظ ظاهری، شاید وضعیت فوق را بتوان مشابه ارتباطات "چندین نفر با چندین نفر" در نظر گرفت که تاکنون به اشکال متفاوتی نظیر newsgroups (گروه‌های خبری) و یا mailing lists (لیست‌های نامه)، پیاده‌سازی شده است. در این رابطه یک تفاوت اساسی وجود دارد، با توجه به اینکه نظرات ارائه شده بر روی فضای متعلق به مؤلف وبلاگ ارسال می‌گردد، پاسخ به سایر افراد ضروری نبوده و آنان پاسخ خود را با مراجعه به وبلاگ، مشاهده خواهند کرد. یکی دیگر از تحولاتی که همزمان با رشد و گسترش وبلاگ‌ها محقق گردید، مطالعه وبلاگ‌ها توسط سایر وبلاگ‌نویسان بود که باعث ایجاد پدیده‌ای با نام blogrolling گردید. (بخشی از یک وبلاگ که لیست سایت‌هایی را که مؤلف وبلاگ، آنان را بطور منظم و همیشه مطالعه و اصطلاحاً به آنان سر می‌زند را مشخص می‌نماید. این بخش معمولاً در بخش سمت راست و یا چپ صفحه وبلاگ و یا در یک صفحه مجزا قرار می‌گیرد. یکی از خصایص جالب این لینک‌ها، ایجاد یک جامعه ارتباطی (شبکه‌ای) بین وبلاگ‌نویسان می‌باشد.

فن‌آوری‌ها و مهارت‌های لازم در خصوص وبلاگ‌ها به سرعت در حال تغییر و تحول می‌باشد. علت این همه سرعت را می‌توان در عوامل زیر جستجو نمود:

عدم وجود انحصار: عملیات یک وبلاگ به یک نرم‌افزار خاص و انحصاری و یا امکاناتی که صرفاً در اختیار یک سازمان خاص است، وابسته نمی‌باشد. وبلاگ‌نویسان در حوزه عملکرد وبلاگ خود دارای آزادی عمل مناسبی می‌باشند و در هر زمان می‌توانند شکل ظاهری و یا

محتویات آن را تغییر داده و یا ویژگی‌های جدیدی را بدون کسب اجازه یک مقام خاص به آن اضافه نمایند. وبلاگ‌ها بستر لازم برای خلاقیت انسان را در تمامی زمینه‌ها ارائه نموده و هر یک از ساکنین این کره خاکی قادر به شکوفائی خلاقیت خود و آفرینش محصولات متفاوت اطلاعاتی، خواهند بود.

تعداد و تنوع گسترده کاربران

تمامی افرادی که در یک جامعه مدرن اطلاعاتی زندگی می‌کنند، تمایل به انتشار تجارب خود، استفاده از تجارب دیگران، دریافت بازخورد سریع نسبت به موارد منتشر شده، ارزیابی نتایج و بهبود دانش و تجارب خود را دارند. وبلاگ‌ها یک شبکه ارتباطی قدرتمند را ایجاد نموده و پس از طرح یک ایده و یا موضوع جدید در وبلاگ، شاهد حرکت سریع آن در شبکه ارتباطی خواهیم بود. بدین ترتیب در صورت ارائه یک مطلب ارزشمند و صحیح، امکان استفاده از آن در سریع‌ترین زمان ممکن برای دیگران فراهم شده و در صورتی که مطلب منتشر شده نادرست باشد، نویسنده آن با دریافت سریع بازخوردهای مورد نظر و بررسی آنان، می‌تواند اشتباه خود را در اسرع وقت تصحیح نماید.

موسسه تحقیقاتی Jupiter در بررسی خود اعلام نموده است که صرفاً چهار درصد از کاربران اینترنت، اقدام به مطالعه و خواندن وبلاگ‌ها می‌نمایند. وبلاگ‌ها، عموماً توسط مردان خوانده می‌شوند (شصت درصد مردان و چهل درصد زنان). کاربران خانگی اینترنت که مجموع درآمد آنان بیش از شصت هزار دلار در سال می‌باشند، شصت و یک درصد از خوانندگان وبلاگ‌ها را تشکیل می‌دهند. بیش از پنجاه و چهار درصد از گزینه Dial-up و چهل و شش درصد از گزینه Broadband برای دستیابی به اینترنت استفاده می‌نمایند. هفتاد و سه درصد از خوانندگان وبلاگ‌ها بیش از پنج سال است که از اینترنت استفاده می‌نمایند.

فضاهای مجازی^۱

محیط Chat درهرسایت باعث می‌شود افرادی که وارد فضای اینترنت می‌شوند بسته به امکانات در دسترس بتوانند Chat، Voice chat، مثلاً در محیط Javo یا Chat نوشتاری را انتخاب کنند و با دیگر افراد همزمان در سراسر دنیا بحث و تبادل نظر نمایند. حذف فاصله‌ها و مباحثه همزمان با چندین نفر بر حسب موضوعات مورد علاقه و در صورت تمایل شنود صدا و دیدن تصویر مخاطبان (Voice chat) و (Vidio chat) از دیگر تسهیلاتی است که اینترنت برای افراد فراهم کرده است. به علاوه استفاده از اینترنت با هزینه بسیار کم به جای تلفن مزیت دیگر ارتباطی اینترنت می‌باشد. مردم می‌توانند با ورود به هر سایتی در صورتی که حداقل به یک زبان موجود در اینترنت مسلط باشند دوستان زیادی را که علاقه مند به بحث در موارد مختلف هستند برای خود یافته و ایمیل و اطلاعات رد و بدل کنند و بدین صورت فضایی مجازی که دوستانه است و حول اشتراک یک یا چند موضوع و بحث درباره آن است ایجاد نمایند.

تالارهای گفتگو^۲

این فرصت را به فرد می‌دهند حتی در صورت نبودن همزمان در محیط اینترنت به آرشیو موضوع مورد بحث مراجعه کند و یا تمام نامه‌هایی را که همزمان در محیط اینترنت به آرشیو موضوع مورد بحث مراجعه کند و یا تمام نامه‌هایی را که همزمان و در طول مدت اشتراک رد و بدل شده هر یک نسخه‌ای را دریافت کند. و در صورت تمایل با قرار قبلی در یک مکان افراد گرد هم بیایند.

در حدود ۲۳۰۰ گروه موضوعی و discussion grup فقط در ایران در سایت یاهو بر اساس موضوعات و جنس و موارد علاقه تشکیل شده‌اند که به آسانی می‌توان بدون شناخته شدن در آنها عضو شد و حتی بدون اینکه دیگر اعضا بفهمند از تمام مرادوات بین آنها با خبر شد.

^۱ Syber Spaces

^۲ Discusioan grup

پست الکترونیک^۱

منظور از پست الکترونیک یا ایمیل، یک نشانی پستی است که از طریق این نشانی می‌توان با هر شخصی یا ارگان و سازمانی به صورت الکترونیکی و از طریق شبکه جهانی اینترنت ارتباط پیدا کرد. مزیت جهانی بودن دسترسی به صندوق پست الکترونیک و عدم محدودیت زمانی دسترسی به منظور ارسال و دریافت نامه‌ها و همچنین آنی بودن همین ارسال‌ها و دریافت‌ها، پست الکترونیک را به یک ضرورت فوق‌مهم بدل کرده است. ایمیل را می‌توان به دو طریق ایجاد و استفاده نمود. از طریق سایتهایی که ایمیل رایگان می‌دهند مانند یاهو که مدیریت این ایمیل نیز از طریق خود سایت یاهو امکان پذیر است و دوم ایجاد ایمیل‌های اختصاصی از سایت‌های اختصاصی، که افراد می‌توانند از طریق کنترل پنل سایت خود این ایمیل‌ها را ایجاد و استفاده نمایند.

تجارت الکترونیک^۲

تجارت الکترونیک به شیوه امروزی در دهه ۱۹۶۰ بر مبنای (EDI2) شکل گرفت. در واقع مبادله الکترونیک داده‌ها را می‌توان پدر تجارت الکترونیک امروزی به حساب آورد. با گذشت زمان و پدید آمدن ابزارهای ذخیره و بازاریابی و پردازش داده‌ها و دسترسی عامه مردم و سازمانها و همچنین پیشرفت فناوریهای مخابراتی و شبکه‌های رایانه‌ای گسترده، فرصتی پدید آمد که بازیگران صحنه تجارت آن را بسیار سودمند یافتند.

تجارت الکترونیک نیم قرن پیش در (BERLIN AIRLIFT) ریشه گرفت. این فعالیت به مبادله الکترونیک داده‌ها بدل گردید یعنی تبادل اسناد استاندارد شده الکترونیکی مربوط به مبادلات از یک رایانه به رایانه دیگر. اگرچه، آنچه هم‌اکنون می‌توان نام تجارت الکترونیک سستی بر آن نهاد تنها به (EDI) محدود نمی‌شده است و دامنه گسترده‌ای از شکلهای گوناگون پیام، رمزینه و پرونده‌ها را در حاشیه ارسال رایانه‌ای اسناد، دربرمی‌گیرد.

¹ E-mail

² e-commerce

طی بیست سال گذشته یکی از روندهای عمده در گسترش تجارت الکترونیک، کاهش چشمگیر قیمت سخت‌افزارهای رایانه‌ای و مهم‌تر از آن ایجاد استانداردهای جهانی برای توسعه سخت‌افزارها بوده است. چنین فرآیندی را استانداردسازی یکپارچه سیستم‌های باز می‌نامند. در مورد نرم‌افزارها نیز چنین روندی وجود داشته است اما استانداردهای نرم‌افزاری هنوز به اندازه استانداردهای سخت‌افزاری یکپارچه و سازگار نیستند.

روند بعدی پس از یکپارچه‌سازی و استاندارد کردن، پدید آمدن امکانات شبکه‌ای و توانایی ارتباط میان سیستم‌های گوناگون رایانه‌ای بوده است. شبکه‌های ارتباطی به این ترتیب مهمترین نقش را در اطلاع‌رسانی و سهیم شدن در اطلاعات بازی کرده‌اند. انجام هر گونه امور تجاری و بازرگانی به صورت آن لاین و از طریق شبکه جهانی اینترنت را تجارت الکترونیک می‌گویند. این امور می‌تواند شامل خرید و فروش عمده یا خرده کالاهای فیزیکی و غیر فیزیکی، ارائه سرویس‌های مختلف به مشتریان و دیگر موارد تجاری باشد.

به طور کلی کمیسیون اروپایی ۹۷ تعریف زیر را از تجارت الکترونیک ارائه می‌دهد:

انجام معادلات تجاری در یک قالب الکترونیکی یا تجارت الکترونیکی برپرداش و انتقال الکترونیکی داده‌ها، شامل متن، صدا و تصویر مبتنی می‌باشد که فعالیت‌های گوناگون از قبیل مبادله الکترونیکی داده‌ها، کالا و خدمات، تحویل فوری مطالب دیجیتال، انتقال الکترونیکی وجوه، مبادله الکترونیکی سهام، برنامه الکترونیکی، طرح‌های تجاری، طراحی مهندسی مشترک منبع یابی، خریدهای دولتی، بازاریابی مستقیم و خدمات بعد از فروش را دربر می‌گیرد.

تجارت الکترونیک که تا چندی قبل به عده‌ای از شرکتهای بزرگ و معین محدود می‌شد اکنون دربرگیرنده بسیاری از شرکتهای و افراد گمنام است و فعالیت آن از حیطه عمومی سفارش دادن و سفارش گرفتن فراتر رفته و فعالیت‌های عمومی تجاری از قبیل، تبلیغات، آگهی، مذاکرات، قراردادهای تسویه حسابها را دربر گرفته است.

در گروه دول توسعه یافته (BECD) آمریکا بیشترین سهم را در تجارت الکترونیکی دارد. اروپا رقیب اوست. حجم تجارت الکترونیکی در سال ۱۹۹۹ در آمریکا ۷۰۰ میلیارد و در سایر کشورها ۳۳۰ میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۳ در آمریکا این حجم به ۲۸۰۰ میلیارد دلاری یعنی ۲۵ درصد کل مبادلات شرکت‌های آمریکایی بالغ شد. و در سال ۲۰۰۴ به ۱۶۰۰ میلیارد دلاری یعنی ۶/۳ درصد کل مبادلات اروپا می‌رسد.

آموزش مجازی

آموزش مجازی محتوای درسی است که بوسیله اینترنت ارائه می‌شود. آموزش راه‌دور را به این صورت می‌توان توضیح داد که آموزش مجازی تلفیقی از آموزش و یادگیری بوسیله اینترنت است. اینترنت، اکسترانت و اینترنت ابزارهای ارسال این برنامه درسی هستند. از آنجائیکه این رشته‌های درسی را میتوان بصورت متمرکز مدیریت کرد، راهنمایی و تشویق دانشجویان برای تکمیل رشته‌ها و کنترل محتوی بخاطر به روز کردنشان بسیار آسان و استفاده از آنها چندان گران نیست. دانشجویان می‌توانند از روی میز کار خود به این نوع آموزش دسترسی پیدا کنند.

دو نوع شیوه آموزش مجازی رایج است. آموزش همزمان و غیر همزمان. در آموزش غیر همزمان یادگیری بصورت انفرادی است و وسیله آموزشی تار جهان گستر، اینترنت و یا اکسترانت می‌باشد. ویژگی عمده این دوره‌ها این است که دانشجو هر زمان که بخواهد آموزش می‌بیند. برعکس آموزش مجازی همزمان در زمانها و تاریخهای معین اجرا می‌شود. برنامه‌های تدریس از طریق وب انجام می‌گیرد. در نتیجه استاد از فناوریهای نوین مانند ارائه مطالب به شیوه الکترونیکی، جلسات چت و تخته سیاه‌های الکترونیکی امکان‌پذیر می‌شود. مطالعات نشان داده‌اند که آموزش راه‌دور با معلم ۹۰٪ سریعتر از آموزش به تنهایی خواهد بود. آموزش همراه با معلم همان انگیزه‌ای را که در کلاس‌های سنتی وجود داشت فراهم می‌کند. زمانی که معلم مجازی بصورت انفرادی در اختیار دانشجویان قرار می‌گیرد ترکیبی از آموزش همزمان و غیرهمزمان ایجاد می‌شود.

نقش اینترنت در ایجاد ارتباط بین مدارس، دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و ارتقای سطح علمی آنان مسئله ای است که به عنوان یک اصل بدیهی در نهاد آموزش و پرورش از سطح والزام و پذیرش عبور کرده و در مقطع برنامه ریزی و طرح ریزی است.

با ورود اینترنت مقوله تعلیم و تربیت هم مفهومش تغییر یافته است. گسترش فن آوری پیشرفته به این معنا نیست که نقش معلم و استاد به عنوان یک انتقال دهنده دانش و علم به دانشجوی تغییر می کند. اینترنت در بعد آموزشی در دو مقطع مدارس و دانشگاهها می تواند به کمک آموزش و پرورش بیاید. مؤسسه فنی ماساچوست به عنوان بزرگترین مؤسسه آموزشی و سردمدار نسل جدید دانشگاههای باز چندی پیش اعلام نمود که قصد دارد بزرگترین مجموعه دانشگاه مجازی دنیا را احداث کند در ایران هم برای اولین بار در دانشگاه علم و صنعت توسط دکتر جلالی شیوه آموزش از راه دور وارد عرصه دانشگاه شد. عدم نیاز به حضور فیزیکی استاد و دانشجوی یک مکان مشخص، عدم نیاز به اختصاص یک مکان به ساختمان دانشگاه، کم کردن سفرهای رفت و برگشت به کلاس، امکان دستیابی سریع دانشجویان و اساتید به مراکز علمی دیگر دانشگاهها و کم کردن هزینه های جنبی سفر و خوابگاه از اثرات مثبت آموزش مجازی یا الکترونیکی می باشد. استاد در این شیوه تنها یک انتقال دهنده نیست بلکه نظارت و سمت و سوددهی دانشجویانش آموز را در استفاده صحیح از اطلاعات را برعهده می گیرد.

روزنامه نگاری الکترونیک

بشر از دیرباز برای برقراری ارتباط با همنوع خود، شکلها و علامتهایی را بر روی دیواره غارها و سنگها به وجود می آورد. بعدها که خط اختراع شد و نگارش پدید آمد، دیوارنویسی و کنده کاری بر روی سنگ مطرح شد. با اختراع پایپروس، کاغذ و ماشین چاپ، بتدریج بستر نگارش کوچکتر، سبکتر و قابل حمل و نقل گشت و اکنون مدت مدیدی است که انواع مختلفی از کاغذهای چاپ شده در قالب کتاب، مجله، روزنامه و... مورد استفاده مردم قرار می گیرد.

اما فن‌آوری پیشرفته ارتباطات، شرایط کاملاً جدیدی را در عرصه نگارش و توضیح پیامهای نوشتاری پدید آورده است. امروزه با استفاده از خدمات متنوع اینترنت، می‌توان پیام مکتوب را در پهنه‌ای به وسعت جهان، با قابلیت‌هایی متنوع و جدید و با کیفیت و سرعتی به مراتب بالاتر از آنچه تاکنون وجود داشته است، تهیه و تولید و توزیع کرد. صحبت از روزنامه‌نگاری الکترونیک است. روزنامه‌نگاری الکترونیک یعنی انتشار اطلاعات در دوره‌های زمانی مشخص، در قالب صفحات وب بر روی یک شبکه اطلاع‌رسانی داخلی (اینترانت) یا اینترنت.

گرایش به سوی روزنامه‌نگاری سایبر و رسانه‌های سایبرینگ گرایش و تمایل غیرقابل انکار است و دلایل خاص خود را نیز دارد. استقبال روزنامه‌های نوشتاری از اینترنت نیز حاکی از همین روند است. کسانی که با اینترنت کاری کنند با سه نوع روزنامه الکترونیک مواجه می‌شوند، نوع اول فقط یک نسخه فشرده اینترنتی است، یعنی نسخه‌ای که شامل همه مطالب روزنامه نوشتاری نیست. نوع دوم اگرچه فقط برخی از مطالب نسخه نوشتاری خود را دارد اما لحظه به لحظه تغییر می‌کند و بالاخره نوع سوم که کادر جداگانه‌ای دارد و علاوه بر مطالب نسخه نوشتاری، مطالب خاص خود و سرویس‌های مستقل را نیز عرضه می‌کند به این نوع روزنامه‌نگاری، روزنامه‌نگاری سایبرژورنالیسم می‌گویند. اولین روزنامه وب شده در دنیا روزنامه Mondiovision می‌باشد اولین روزنامه سایبردر ایران روزنامه جام جم بود.

دولت الکترونیک^۱

این مقوله عملاً به معنی تغییر ماهیت و کابینه قوه مجریه است با دخالت مستقیم اینترنت. دولت مجازی یا دولت الکترونیکی به معنی انجام وظایف و کارکردهای قوه مجریه است. بدون الزام حضور فیزیکی گردانندگان، سازمانها، ساختمانها و حتی نظام عریض و طویل بوروکراسی است و یا در صورت وجود اینها حجم فیزیکی آنها به حداقل برسد. حذف

^۱ syber goverment

سفرهای تشریفاتی، حضورهمه‌جایی و هیچ‌جایی اعضای مسئول قوه مجریه، نظارت کلی و اصولی رئیس قوه مجریه بر کابینه و ارزیابی لحظه به لحظه نهادها و وزیردستان و ادارات دولتی توسط رأس هرم این قوه کارکردهایی هستند که با دخالت اینترنت فراهم می‌شوند. دولت الکترونیکی عرضه خدمات قوه مجریه است در حداقل زمان و حداقل امکانات و بیشترین کارکرد و با دخالت کمترین افراد که سبب بهروری بیشتر می‌شود.

جامعه مجازی

انجمن به گروهی از افراد گفته می‌شود که دارای یک سری علائق مشابه هستند و بر همین اساس نوعی از گروه یا رابطه با افراد را برای به اشتراک گذاشتن این علائق تشکیل می‌دهند. مسأله مهمی که برای بوجود آوردن یک انجمن پویا مطرح است، توانایی برقراری ارتباط و همکاری میان اعضای آن است. همان‌طور که یافتن مکانی مناسب برای این امر نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مطمئناً با محدود بودن افراد، به اشتراک گذاشتن این علائق کار بسیار سختی خواهد بود. این مسأله نشان می‌دهد که چرا اینترنت از پتانسیل بسیار بالایی برای بوجود آوردن چنین فضای مجازی برخوردار است.

با گام برداشتن در این مسیر در نهایت هر کس به جامعه‌ای پر از گونه‌های مختلف برای جلب گروه‌های مختلف مردم، با سلیقه‌های متفاوت دست خواهید یافت که برای جلب اعضای بیشتر تلاش می‌کند. مسلماً این راه بهتری است تا این که فرد تلاش کند که فوراً یک مرکز علائق چندگانه بوجود آورد که می‌کوشد همه کارها را یکجا انجام دهد و در نهایت هیچ کاری نکند.

در زندگی واقعی موسسات، دولتها و جوامع برای اداره شدن به راهها و منابعی نیاز دارند. چنین چیزی در مورد جوامع مجازی در اینترنت نیز صادق است. در ابتدا ممکن است دریابند که بیشتر هزینه و زمانی که صرف بوجود آمدن انجمن شده از جیب خودشان بوده است، اما پس از مدتی درخواهند یافت که کاربرانشان علاقمندند سرویسهای تازه و امکاناتی را داشته باشند که معمولاً از توان مالی آنها خارج است. زمانی که صندوقشان خالی شود بوجود آوردن سازمانی جدید بسیار سخت و یا به عبارتی غیرممکن خواهد بود. نهایتاً آنها دو گزینه پیش رو خواهند داشت. یا منابع مالی مورد نیاز را از طریق کاربران خود، مثلاً به وسیله پرداخت حق عضویت تامین کنند یا این که راهی تجاری برای تامین درآمد سازمان پیدا کنند و با یک دید خوشبینانه مقداری مازاد درآمد داشته باشند تا انجمن آنها در طول زمان به یک انجمن سودآور تبدیل شود.

از آنجا که طبیعت اینترنت ثابت کرده که پرداخت حق عضویت راه حل مناسبی نیست، پیدا کردن گزینه‌ای برای بوجود آوردن نوعی تجارت که انجمن را همراهی کرده و به کاربران این اجازه را بدهد تا از سرویسهای مفید مربوط به زمینه مورد علاقه خود استفاده کنند، راه حل بهتری خواهد بود. این حیطة ایست که باید به آرامی در آن گام برداشت، زیرا مرزی نامرئی وجود دارد که اگر از آن عبور شود و اعتماد کاربران انجمن سلب خواهد شد. اگر این گونه به نظر بیاید که مهمترین هدف انجمن بهره برداری و سوء استفاده از کاربران باشد، مطمئناً انجمن عمری بسیار کوتاه خواهد داشت.

عمده ترین شیوه برای به دست آوردن سود از انجمنها، استفاده از تبلیغات در صفحات آن است که مسلماً راه ساده‌ای نخواهد بود. افراد برای عرضه محصولات خود به دنبال سایتهایی هستند که از موثر بودن دادن آگهی در آن مطمئن باشند و از طرفی برایشان اهمیت دارد که پولهای اضافیشان را در کجا خرج کنند.^۱

جامعه‌اطلاعاتی

اتکاء روزافزون بر فعالیت‌هایی که مستقیماً با تولید، توزیع، و کاربرد اطلاعات مرتبط است سبب گردیده‌است که بسیاری از کشورهای صنعتی جهان را جامعه‌های اطلاعاتی بخوانند و درحقیقت این مفهوم نیز در ابتدا برای توصیف مشخصات نوین کشورهای فراصنعتی به کار رفته‌است، کشورهایی که در آنها همه چیز وابسته به اطلاعات است. واژه جامعه‌اطلاعاتی و مفاهیم شبیه به آن یعنی عصر اطلاعات و اقتصاددانش جامعه‌ای را توصیف می‌کند که برای تولید انواع کالاها و خدمات، وابستگی زیادی به کاربرد تکنولوژی اطلاعات وجود دارد. جامعه‌صنعتی برای افزایش کاربندی انسان‌ها به نیروی درونی موتورهای نیازمند بود، اما جامعه‌اطلاعاتی برای افزایش کارذهنی نیازمند تکنولوژی کامپیوتر است.

^۱ جفری الن جامعه مجازی ترجمه: سحر اکبریان مجله سایبر اسپکت

در طول سال‌های ۱۹۷۰ و اوائل ۱۹۸۰ بیشتر پژوهشگران به تأثیرات کامپیوتر توجه داشتند. حدود سال ۱۹۹۰ همه نگاه‌ها به سوی سیستم‌های ارتباطات از راه دور منتقل شد. در این دوران اکثر کشورهای صنعتی قدم‌های لازم را برای تقویت زیرساخت‌های خود از نظر ارتباطات از راه دور برداشتند تا بتوانند از همه نظر با ضرورت‌های سیستم هماهنگ باشند. به عبارت دیگر همه نگاه‌ها متوجه کانال‌های مناسب مخابراتی بود تا از این طریق، انتقال سریع پرونده‌های (فایل‌ها) حجیم و اطلاعات تصویری امکان‌پذیر گردد.

ویلیام مارتین^۱ که در ردیف اولین افرادی قرار دارد که موضوع جامعه‌اطلاعاتی را مطرح کرده‌اند، در بحث اول یکی از کتب خود یادآور می‌شود که هرچند واژه «جامعه‌اطلاعاتی» از چند سال پیش متداول بوده است (حدود ۱۹۸۰) اما هنوز درباره مفهوم و محتوای آن تفاهم عمومی حاصل نشده است، و حتی گاهی مشروعیت کاربرد این واژه نیز مورد تردید قرار گرفته است. به اعتقاد او انکار چنین نمودی به این معنی می‌تواند باشد که جامعه‌اطلاعاتی بیش از آنچه که یک فاجعه و یا یک شعار باشد، و یا یک واقعیت تلقی شود، درحقیقت درحکم یک نیروی عظیم است. در این مفهوم همواره عنصری نمادین مطرح بوده است، که بر اساس آن اطلاعات، یک نقش جادویی را در جامعه جدید ایفا کرده است، جامعه‌ای که در آن استدلال و تفاهم بیش از آن که مبتنی بر قدرت و یا ماده‌گرایی باشد، بر محتوا و احساسات استقرار یافته است. با این حال از حدود سال‌های ۱۹۸۰ به بعد آشکار گردید که در برخی از جوامع پیشرفته غربی پاره‌ای تغییرات اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیک به وجود آمده است که نه تنها آن‌ها را از جوامع در حال توسعه متمایز می‌سازد بلکه سبب تفاوت آن‌ها از سایر کشورهای پیشرفته نیز شده است. در این شرایط بود که این مفهوم هم در رابطه با توسعه زیربنای اجتماعی-اقتصادی و هم در زمینه پیدایش اطلاعات مؤثر بر حیات اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی مطرح گردید. در حال حاضر سلطه انفورماتیک بر این اجتماعات تا به حدی رسیده است که ساخت‌ها و نهادها تحت تأثیر آن قرار گرفته است و آنچه که انقلاب اطلاعات نامیده شده است، از نظر گستردگی و نفوذ، واقعیتی جهانی است. با این حال این

^۱ W.J. Martin

بحث هم مطرح است که جامعه اطلاعاتی بیش از آن که تحت تأثیر تکنولوژیک و یا حتی گسترش تکنولوژی کامپیوتر باشد، آیا تحت تأثیر گسترش تکنولوژی مخابرات یا ارتباطات از راه دور^۱ نبوده است؟ ادعا شده است که در این جامعه هر کس می‌تواند به اطلاعات نامحدود مجازی دسترسی داشته باشد و سرویس جهانی تلفن، توسط سرویس‌های جهانی اطلاعات جایگزین خواهد شد.

مفهوم جامعه اطلاعاتی با مفهوم جامعه توده‌وار^۲ به کلی متفاوت است و از برخی جهات حتی با آن تضاد دارد. در حالی که جامعه توده‌وار بر ارتباطات یک‌سویه تأکید دارد، (تولید توده‌وار و درمقیاس وسیع محصولات و ایده‌ها، ایجاد یکسانی و یک دستی) جامعه اطلاعاتی به ارتباطات دوسویه اهمیت می‌دهد و متمایل به گسترش علایق چندگانه و متعدد است. شاید بتوان گفت که به تعبیر دانیل بل^۳ جامعه اطلاعاتی در حکم نوعی گسترش مفهوم جامعه فراصنعتی است با این تفاوت که در آن نقش تکنولوژی اطلاعات بسیار توسعه یافته است و عنصر اطلاعاتی مهمترین عامل متحول‌کننده سازمان اجتماعی است. وبستر^۴ بامرور در تعاریف موجود اینطور نتیجه‌گیری می‌کند که تعاریف ارائه شده برای جامعه اطلاعاتی رامی‌توان در رابطه با اینکه برچه بعدی از جامعه اطلاعاتی بیشتر تکیه می‌کنند به پنج دسته فرهنگی، اقتصادی، شغلی، تکنولوژیک و فضایی تقسیم کرد، که البته تعاریف تکنولوژیک بیشتر مورد توجه بوده است.

تردید نیست که یک محور مهم جامعه اطلاعاتی، بزرگراه‌های اطلاعاتی هستند و این بزرگراه‌ها که اینترنت یکی از نمونه‌های مهم در حال تکوین آن است، از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فضای تازه‌ای را برای انسان‌های معاصر ایجاد می‌کند، فضایی با عناصر تازه، فضایی بدون مرزهای جغرافیایی، سیاسی و بالاخره تصویری از انسان همه‌جا حاضر را به دست می‌دهد. تأثیر این بزرگراه‌های اطلاعاتی را مشابه با اختراع چاپ ذکر کرده‌اند. این بزرگراه‌ها

^۱ Telecommunication

^۲ Mass society

^۳ Mass society

^۴ F. Webster

برارتباطات، آموزش، تفریح، رفاه و... انسانی مؤثرند و در حوزه‌های بسیاری آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای بشری را تحت تأثیر قرار خواهند داد.

ویژگی‌های جامعه‌اطلاعاتی

با اینکه به دست دادن فهرست دقیق و کاملی از ضابطه‌های ملاک تشخیص جامعه‌اطلاعاتی، با در نظر گرفتن ابهام‌های کنونی حاکم بر این مفهوم عملاً دشوار و نامطمئن خواهد بود، با این حال می‌توان با الهام از نظریات پژوهشگرانی چون مارتین جامعه‌اطلاعاتی را از جنبه‌های اقتصادی، تکنولوژیک، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به اختصار مورد توجه قرارداد.

ویژگی‌های اقتصادی

بخش اطلاعات اقتصادی امروزه از مهمترین مباحث اطلاعات است، صرفنظر از اینکه تولید اطلاعات نیز هم‌اکنون از مهم‌ترین ابعاد اقتصاد در جهان امروز است، قلمرو اطلاعات در طول دهه‌ اخیر تخصص‌های خود را توسعه داده‌است و این تخصص‌ها در ساختار آموزش در تمام سطوح، اعم از آموزش‌های آکادمیک و شغلی و حرفه‌ای، نفوذی بسیار چشمگیر داشته‌است. امروزه برای بازارهای جهانی ادامه‌ فعالیت بدون مدد گرفتن از قدرت کامپیوترها و سیستم مخابرات امکان‌پذیر نیست. صنایع کارخانه‌ای مبتنی بر شبکه‌های جهانی گروه‌های مختلف مدیران، مهندسين و کارکنان خط تولید همانند سرویس‌های مالی شرکت‌های بزرگ که در مبادلات خارجی فعالیت دارند نمی‌توانند خارج از شبکه‌های نوین اطلاعات و ارتباطات به فعالیت بپردازند. ثروتمندترین کشورهای امروز جهان آنهایی هستند که بیش از دیگران از ساختار نوین اطلاعاتی جهان بهره‌مند می‌باشند.

روند ترکیب نیروی کار یکی از ضابطه‌های تعریف و درعین حال سنجش میزان تعلق یک کشور به جامعه‌اطلاعاتی است. به اعتقاد دیلمن^۱ در سال ۱۹۵۸ نزدیک به یک سوم نیروی کار در ایالات متحده آمریکا در صنایع اطلاعاتی مانند ارتباطات، کامپیوتر، آموزش و خدمات

^۱ D.Dillman

اطلاعاتی کار می‌کردند و براساس برآوردها ایجادکننده ۲۹٪ تولید ناخالص ملی (GNP) آن کشور بودند.

ویژگی‌های تکنولوژیک

تعجب‌آور نیست که جنبه تکنولوژیک از مهم‌ترین ابعاد جامعه‌اطلاعاتی به‌شمار آید. همگرایی و پیوند کامپیوتر و مخابرات امروزه از واقعیات معمولی زندگی در تمامی اجتماعات نوین است. پیوند این دو عنصر تکنولوژیک نه تنها در چارچوب صنایعی مانند بانکداری و اتومبیل‌سازی نفوذ کرده‌است، بلکه در همه ارکان زندگی مانند نظام مالیات، تأمین اجتماعی، اطلاعات پزشکی، امنیت داخلی و خارجی و بسیاری حوزه‌های دیگر وارد شده‌است و انواع گوناگونی از اطلاعات به حالت رقمی (دیجیتالی) درآمده‌است. واقعیت آن است که انقلاب اطلاعات فقط جنبه بین‌المللی ندارد، بلکه خصلتی جهانی دارد. نظام تصمیم‌گیری در بخش اعظمی از حوزه‌های واقع در جهان پیشرفته امروز به نظام‌های پیچیده تکنولوژی اطلاعات و نرم‌افزارهای توانمند وابسته‌است. البته می‌دانیم که پیچیدگی تکنولوژیک و صرف استفاده از آن شرط کافی برای دستیابی به پایگاه یک جامعه‌اطلاعاتی نیست، هرچند که یک پیش شرط، یا زمینه زیربنایی لازم است.

ویژگی‌های اجتماعی

ساختار جامعه شبکه‌ای و ارتباطات الکترونیک زندگی اجتماعی و به ویژه خانوادگی را در معرض تحولات فراوان قرار داده‌است. باتوجه به یک رابطه متقابل و تعاملی که در پرتو تکنولوژی اطلاعات در عرصه رفتارهای مصرف‌کنندگان به وجود آمده‌است، بسیاری از شیوه‌های زندگی و از جمله تقسیم جنسی کار در آستانه تحول قرار گرفته‌است و صور نوینی از تدارکات کالاها و خدمات را ایجاد کرده‌است که نقش دو جنس در آن مورد تعریف مجدد قرار می‌گیرد. کار که همواره فعالیتی خارج از خانه تلقی می‌شده‌است، به میزان بسیار بیشتر از قبل در کانون خانوادگی و با مشارکت اعضاء آن صورت می‌گیرد و بر همین اساس الگوهای نوینی از گذران اوقات فراغت در حال ظهور است.

ویژگی‌های سیاسی

از جمله نکاتی که همواره به عنوان زمینه‌های سنتی مورد اشاره قرار گرفته‌است رأی‌گیری الکترونیک است، هرچند که هنوز فقط در تعداد محدودی از کشورها به گونه‌ی کامل مورد توجه و استفاده قرار گرفته‌است. شبکه‌های جهانی تلویزیون جهان را در آستانه تحولاتی قرار داده است و پوشش خبری آتی را در کم و بیش تمام نقاط جهان تدارک دیده است و امر شفافیت خبری را مبدل به یک واقعیت معمولی کرده است.

ویژگی‌های فرهنگی

تحولاتی که در پرتو تکنولوژی اطلاعات به وقوع پیوسته است تحولاتی عمیق رانیز در ارزش‌های فرهنگی و آداب و رسوم ملت‌ها و اقوام به وجود آورده است و بازیابی و تشخیص هویت آنها را در عین حال با دشواری‌های تازه‌ای مواجه می‌سازد. در پرتو این واقعیت تازه هشیاری اطلاعاتی جهانیان همواره رو به افزایش بوده است. هرچند که جوامع مختلف به پیشرفت‌های تکنولوژی اطلاعات به گونه‌های متفاوتی پاسخ می‌دهند و عملاً شاهد ظهور فرهنگ‌های الکترونیکی متفاوتی در نقاط مختلف جهان بوده ایم (نفوذهای مختلف محلی و ملی) اما در کنار این پاسخ‌های متفاوت شاهد تشابه نگاه در حوزه‌های معینی هم هستیم و افکار عمومی جهان واقعیتی محسوس است. آنچه که در سطح جهان فرهنگ جوانان نامیده شده است، حداقل در سطح کشورهای صنعتی غرب دربرگیرنده انواع خاصی از غذا، موسیقی، مد، حقوق و تکالیف اجتماعی و به طور کلی یک شیوه خاص است و حضوری محسوس داشته است.

اینترنت و مدیریت

بحث مدیریت اینترنت در سطح خرد و کلان رقابت‌هایی را در عرصه این وسیله ارتباطی به وجود آورده است. به عنوان پدیده‌ای که بسیار سریع همه جهان را درنوردید. اینترنت در مقوله نیروی انسانی نیازمند مدیریت در سطح نظارت، هدایت و مدیریت می‌باشد. صرف نظر از مدیریت ملی در هر کشور که معمولاً یک یا چند ارگان با نظارت بر ASPها و ISPها متولی

امراینترن می باشند. به عنوان پدیده ای که مقوله مرزرا درهم شکسته و تعریف جدیدی از روابط بین الملل به وجود آورده چند کشور و در رأس آنها ایالت متحده به عنوان اشاعه دهندگان اطلاعاتی و سخت افزاری داعیه مدیریت و راهبری این پدیده را دارند. اما ماهیت مدیریت دراینترن با دیگر وسایل ارتباطی فرق می کند، اولاً که مدیریت واحدی ندارد. ثانیاً افراد و کاربران احساس می کنند که وقتی در عرصه اینترنت هستند کسی نمی تواند برای آنها تعیین تکلیف کند. ثالثاً ساختار فیزیکی اینترنت با دیگر رسانه های جمعی فرق می کند. اینترنت مجموعه ای از شبکه های به هم پیوسته در سراسر جهان است که از کارافتادن یک یا چند قسمت از این شبکه باعث از کارافتادن شبکه نمی شود. این تعریف درست است اما کامل نیست، در این تعریف مشخص نمی شود که این شبکه ها از طریق چه مراکزی به هم متصل هستند و آیا اگر این مراکز از دور خارج شوند وضعیت شبکه به چه صورت در می آید.

ICANN¹ سازمان کوچکی است که وظایف بزرگی بر عهده دارد. وظیفه اصلی این سازمان مدیریت آدرسها و نامها های اینترنتی است. این سازمان وظیفه دارد در درجه اول به هریک از سایتهای اینترنتی یک نام و یک شماره (IP) یا "Internet protocol" منحصر به فرد اختصاص دهد. برای این کار ICANN سیزده سرور انگلیسی از حروف A تا M نام گذاری شده اند. اگر روزی بر اثر حمله اینترنتی و حتی تصمیم سازمان ICANN این سیزده سرور اصلی با هم از شبکه خارج شوند اینترنت به سادگی از کار خواهد افتاد. از این سیزده سرور، سه سرور در ایالات متحده و بقیه در سراسر جهان پراکنده اند. مهمترین سرور، سرور F می باشد که در ایالت کالیفرنیا قرار دارد و روزانه به طور متوسط در حدود ۳۰۰ میلیون آدرس دهی مختلف انجام می دهد. "ICANN" زمانی تأسیس شد که دولت آمریکا تصمیم گرفت آن را از انحصار خود خارج کند. در آن زمان اداره نامهای اینترنتی توسط وزارت بازرگانی به دانشگاه کالیفرنیا سپرده شده بود. در اساس نامه آن ذکر شده که یک سازمان خصوصی است و قائم به هیچ دولت خاصی نیست. ولی آمریکا همیشه بر روی آن نفوذ داشته است. و هرگاه

¹ Internet Corporation for Assigned Name and Number

دچار مشکل و سوء مدیریت می‌شود خود را کنار می‌کشد و چون رفع اشکال شد بازمی‌گردد. آمریکائیه‌ها حاضر نیستند مدیریت کلان اینترنت را به کسی واگذار کنند. هیچ سازمانی بر کار ICANN نظارت ندارد. بعضی عقیده دارند سازمان جهانی ارتباطات^۱ می‌تواند بخشی از وظایف ICANN را برعهده بگیرد. اما این شرکت به هیچ وجه حاضر نیست به دیگر شرکت‌های رقیب مزایای خود را واگذار نماید و همچنان در عرصه مدیریت یکه تازاست هر چند که تلاشهایی از جانب اروپا و شرق دوردرد در شرکت اعضاء آن صورت گرفته ولی به نظرمی رسد یافتن رقیبی برای آن تا آینده‌ای کوتاه مدت دست نیافتنی باشد.

اینترنت و ارتباط انسانی

بسیاری از فیلسوفانی که درباره اینترنت نوشته‌اند این بحث را به میان کشیده‌اند که ارتباط افراد از طریق اینترنت به شیوه‌های مختلف نسبت به انواع معمول و روزمره ارتباط که با حضور جسمی افراد همراه است، حالتی تقلیل یافته دارد. برای مثال «هیوبرت دریفوس» در کتاب خود با نام (درباب اینترنت) استدلال می‌کند که درک ما از واقعیت، اشیاء، افراد و توانایی ما در برقراری ارتباط موثر با آنها به شیوه‌ای که بدن ما به نحوی بی‌سروصدا در پس زمینه عمل می‌کند ارتباط دارد. توانایی بدن ما در دستیابی به چیزها (اشیاء)، فراهم آورنده درک ما از واقعیت کاری است که انجام می‌دهیم و آماده ایم که انجام دهیم. همه این امور را بدن ما آنقدر بی‌دردسر، فراگیر و موفق انجام می‌دهد که ما ندرتاً متوجه آن می‌شویم و این بدان علت است که بدین سادگی به این نتیجه گیری می‌رسیم که در فضای مجازی می‌توان بدون حضور جسمی ارتباط برقرار نمود چراکه امکان ارتباطی کامل از این نوع [در فضای مجازی اینترنت] ناممکن است.

^۱ ITU

درک کردن اینکه چرا فیلسوفان این گونه مباحث را مطرح می‌کنند آسان است. به نظر می‌رسد که بسیاری از جنبه‌های ارتباط شخصی ما به تماس چهره به چهره و مستقیم نیاز داشته باشد.

برای مثال دریفوس استدلال می‌کند که اعتماد به اشخاص دیگر تا حدی براساس این تجربه است که آنها از آسیب‌پذیری ما در یک موقعیت رو در رو هنگامی که فرصت استفاده از آن وجود دارد بهره نمی‌برند.

حتی اگر این استدلال را نپذیریم، به نظر می‌آید که حقیقتی در این امر وجود دارد که ما می‌توانیم به حد معینی از اطمینان به افراد هنگام دیدار مستقیم و شخصی با آنها دست یابیم که در روابط آن لاین(بر روی شبکه) [حتی به صورت دیداری و شنیداری] در دسترس نیست. به خصوص امکان فریبکاری آشکار در یک موقعیت مستقیم و رودررو به حداقل می‌رسد.

همانطور که گوردون گراهام و بسیاری دیگر اشاره کرده‌اند بر روی اینترنت بسیار آسان است که افراد را با اختراع کردن شخصیت‌هایی کاملاً تخیلی فریب داد، امری که در دنیای غیرمجازی امکان آن بسیار مشکلتر است. بنابراین به این دلیل و دلایل مشابه عقیده بر اینست که روابط از اینترنتی در مقایسه با روابط «واقعی» همراه با حضور جسمی، روابطی ضعیف هستند.

اما پیش از نتیجه‌گیری نهایی باید اندکی دقت به خرج داد. یک دلیل برای احتیاط به خرج دادن در این نتیجه‌گیری نهایی این است که روابط غیرمجازی و واقعی در معرض انواعی از تحریف قرار دارند که عمدتاً در روابط اینترنتی وجود ندارد. یکی از این تحریف‌ها به مسئله جذابیت جسمی مربوط می‌شود. نکته مهم دیگر این است که ما براساس ادراکمان از جذابیت جسمی افراد استنباط‌های ناموجهی درباره افراد انجام می‌دهیم. برای مثال در پیامد آنچه روانشناسان «اثر مثبت هاله‌ای» می‌نامند، افراد جذابتر از لحاظ جسمی باهوشتر، اخلاقی‌تر، سازگارتر، بهتر و کارآمدتر شمرده می‌شوند و البته تنها جذابیت جسمی نیست که بر قضاوت‌های ما درباره افراد تاثیر می‌گذارد.

ما همچنین در قضاوت درباره دیگران بر نشانه‌هایی بسیار از جمله سن، جنس، خصوصیات نژادی، سبک لباس پوشیدن، لهجه و طبقه اجتماعی متکی هستیم.

دلیل اینکه این نوع نشانه‌ها اغلب باعث قضاوت‌های تحریف‌شده درباره افراد می‌شود اینست که ما از «نظریه‌های تلویحی شخصیت» استفاده می‌کنیم که بر کلیشه‌پردازی تکیه دارند. میراندا فریکر، فیلسوف معاصر به نمونه تخیلی جالب توجهی از این نوع فرآیند اشاره کرده است.

در رمان «کشتن مرغ مقلد» که ماجرای آن در آلابامای آمریکا در دهه ۱۹۳۰ رخ می‌دهد، محاکمه مرد سیاه‌پوستی را به تصویر می‌کشد. هیأت منصفه‌ای تماماً سفیدپوست، حتی با وجود آنکه روشنست که وی حقیقت را می‌گوید، با اعتقاد کامل شهادت او را قبول نمی‌کنند. نکته مهم اینست که در آن فرهنگ و در آن زمان سیاه‌پوست بودن به نحوی کاملاً اشتباه، بیانگر فقدان اعتبار بود. یافتن مثال‌های مشابه از زندگی واقعی در مورد کلیشه‌پردازی آسان است.

ام‌قابل توجه در ارتباط از طریق اینترنت این است که خصوصیتی که معیار قضاوت ما درباره افراد در دنیای غیرمجازی است، در دنیای مجازی اینترنت عمده‌تاً مشاهده‌ناپذیر هستند. طنز قضیه در اینست که مشخصه ارتباطات از طریق اینترنت یعنی فقدان رابطه چهره به چهره، نبود حضور جسمی - که فریبکاری و جعل هویت آشکار را ممکن می‌کند - در عین حال مانع گرایش به کلیشه‌پردازی و هویت‌سازی می‌شود. البته نباید در مورد این نتیجه‌گیری مبالغه کرد.

حتی در روابطی که کاملاً به واسطه کلمات نوشته شده است، مثلاً در گپ‌های اینترنتی، ما هنوز درباره افراد به داوری‌هایی دست می‌زنیم که فراتر از شواهد موجود است. اما به هر حال این احتمال وجود دارد که در این نوع ارتباط‌های اینترنتی عمده‌تاً بر اساس محتوای واقعی ارتباط با یک شخص داوری کنیم، که با احتمال بیشتری بیانگر جنبه‌هایی از شخصیت افراد است که خودشان آنها را مهم می‌شمرند.

پیامد این نکته این است که ما در ارتباط‌های اینترنتی نسبت به ارتباط‌های معمول روزمره کنترل بیشتری بر آن جنبه‌هایی از شخصیتمان که به دیگران عرضه می‌کنیم اعمال می‌داریم. از اینروست که در مورد فریبکاری در رابطه اینترنتی نگرانی وجود دارد. اگر با کنترل کردن جنبه‌هایی از شخصیت در ارتباط‌های آن لاین (بر روی شبکه) بتوانیم از اثرات بدتر گرایشمان به داوری کردن براساس کلیشه‌های توجیه‌ناپذیر و بی‌دلیل اجتناب کنیم، آنگاه امکان دارد ارتباط‌هایی از طریق اینترنت، دست کم در برخی جنبه‌ها، نسبت به اغلب ارتباط‌های روزمره همراه با حضور جسمی، کمتر تحریف شده و بیشتر «واقعی» باشد.^۱

اینترنت و فرهنگ و هویت

آنچه که مارکسیت‌های انتقادی را نگران کرده مسئله از بین رفتن مرزحوزه عمومی خصوصی در جوامع مدرن است. رسانه‌ها که سعی در شبیه‌سازی جوامع دارند فضای نقد و تحلیل را تحت الشعاع قرار می‌دهند و ارزشهایی را القا می‌کنند که صاحبان آن همان صاحبان خود رسانه‌ها هستند. واقعیت از شکل واقعی خود خارج می‌شود و به شکل یک انگاره درمی‌آید یعنی آنچه رسانه‌ها ارائه می‌دهند تصویری از واقعیت است نه خود واقعیت. سؤال این است که اینترنت هم به عنوان یک رسانه این نگرانیها را به همراه خود می‌آورد؟

با توجه به ماهیت ارتباطات در اینترنت که تعامل، دوسویه می‌باشد و از نظر ورود به آن شخص کاربر ضمن اینکه می‌تواند مخاطب باشد می‌تواند تولیدکننده و فرستنده هم باشد پس تئوری حمله از جانب فرستنده، نظریه کاشت و گلوله جادویی تا حدودی در مورد آن منتفی است. یعنی هرکس توانا تر باشد می‌تواند در آن با توجه به فضای نامحدودش تولید اطلاعات کند. و بنابراین مخاطبان اینترنت نمی‌توانند مخاطب منفعل صرف باشند.

زبان عنصر اول در اینترنت و اولین عامل فرهنگ‌سازی است. سند هویت یک ملت و شناسه فرهنگی آن زبان می‌باشد. در حیطه یک محدوده جغرافیایی یا یک کشور آنچه که باعث دوام یک زبان می‌شود نهادهای رسمی و سنتی آموزش و پرورش و اجتماعی شدن و پدران و مادران

^۱ Human Relationship By Internet (Jeremy Stangroom Ph.D) www.philosophers.co.uk/jeremy

یک جامعه می‌باشند. چنانچه یک پژوهشگرکانادایی علت دوام زبان فرانسه را وجود پدربزرگها و مادربزرگها درایالت کبک وکانادا درمقابل زبان انگلیسی می‌داند. ولی برای اشاعه یک زبان درسطح بین‌المللی چه؟ به نظرمی رسد پدیده‌ای بهتر وکاملترازاینترنت برای اشاعه یک زبان نباشد. اگراندکی دراین مورد تعلق کنیم برای سالها جا می‌مانیم.

سال ۲۰۰۲ پیش ۷۰درصد محتوای اینترنت انگلیسی بوده واکنون به ۴۷درصد رسیده است. این خودبیانگرمیزان دسترسی ملتها وزبانهای دیگر به "IT" می‌باشد.

ازهرصد نفردونفرمی گویند فردی را می‌شناسند که ازاطلاعات سلامتی آسیب دیده وازهرسه نفریک نفرمی گوید فردی را می‌شناسد که ازسلامتی‌ها استفاده مفید برده است.

به خاطر استیلای زبان انگلیسی که بیش ازنیمی ازمحتوای اینترنت را به خود اختصاص داده است درحالیکه پس ازچینی و اسپانیایی سومین زبان پرتکلم دنیاست. ازطرفی استیلای این زبان برسطوح علمی و تجاری دنیا به قدری است که تمام این محتوا دراینترنت به وسیله انگلیسی زبانها ایجاد نشده بلکه به واسطه الزام آن توسط دیگرملتها و افراد غیرانگلیسی تولید شده است.

زبان فارسی با توجه به پیشینه غنی خود می‌تواند یک گوشه این فرآیند را بگیرد. تربیت نیروی متخصص برای ایجاد اطلاعات درمحیط اینترنت و تولید محتوای غنی می‌تواند جهانیان را متوجه این زبان نماید. امروزه وب لاگ‌های شخصی و کوچک کار پدربزرگها و مادربزرگها را سطح فراملی ایفا می‌کنند.

توجه به آمارزیرگوشه‌ای ازجنبه‌های استفاده ازاینترنت و افراد استفاده‌کننده از آن را برای ما روشن می‌کند. تحقیقی که دریک ماه درآمریکا انجام شده است:

مردان بیشتر از زنان از موتورهای جستجو استفاده می‌کنند. دریک روز آمار ۳۳درصد مردان و ۲۰درصد زنانی که وارد اینترنت شده اند از موتورهای جستجو استفاده کرده اند. ۳۹درصد از استفاده‌کنندگان سابقه سه سال آشنایی با اینترنت و ۴۱درصد کم‌تر از شش ماه سابقه آشنایی داشته اند، بقیه در این بین بوده اند. دریک ماه سایت MSN "سایت شرکت مایکروسافت" ۴۳میلیون، google حدود ۳۶میلیون و yahoo ۳۸میلیون مخاطب داشته اند.

جستجو شامل افراد، سلامتی، دولتی و مذهبی بود. ۶۷ درصد جستجوها شخصی و ۳۳ درصد تخصصی بود. جوانان بین ۱۸ تا ۲۹ سال بیش از ۵۰ تا ۶۰ درصد و محصلین کالج بیش از محصلین دبیرستان از موتورهای جستجو استفاده کرده‌اند. ۷۳ میلیون آمریکائی در موتورهای جستجو به دنبال سایتها و مسائل سلامتی بوده که زنان بیشتر از مردان در این مقوله جستجو کرده‌اند. ۸۲ درصد استفاده کنندگان از جستجوی سلامتی از یافته‌های سلامتی شاد بوده‌اند.

بین توسعه فرهنگی، برنامه ریزی و سیاستگذاری فرهنگی و مدیریت فرهنگی و اطلاعات رابطه مستقیم وجود دارد. اینترنت می‌تواند در آموزش و پرورش، در مشارکت، در میراث فرهنگی، در برقراری ارتباط میان خرده فرهنگها و فرهنگها، در شناخت متقابل از فرهنگها شکل‌گیری روحیه مدارا و تأهل فرهنگی و تقویت آگاهی فرهنگی افراد و گروهها نقش داشته باشد.

اینترنت و جنبش‌های نوین اجتماعی

هابرماس تلاش کرده است تا چارچوب نظری گسترده خود را برای ارائه پیشنهادی در مورد دموکراسی مشروط به کار گیرد. برای این منظور، او کوشیده است تا درباره چگونگی سازماندهی جریان‌های تأثیرگذار و با نفوذ برای دستیابی به دموکراتیک سازی در گسترده‌ترین شکل ممکن بی‌آنکه دموکراسی به واسطه الزامات نظام محور از درون تخریب شود، توضیحاتی ارائه دهد. اینک مدت زمانی است که روشن به نظر می‌رسد لایه‌های غیررسمی جامعه سیاسی که مورد شناسایی هابرماس قرار گرفته‌اند و دچار نوعی کسری ارتباطی هستند، می‌توانند از طریق رسانه‌ای مانند اینترنت این کسری را جبران کنند. در مباحث گوناگون، از آثار هابرماس به عنوان پس زمینه نظری این ادعا استفاده شده است که آیا اینترنت حوزه‌ای عمومی در اختیار شهروندان قرار می‌دهد یا خیر. مطمئناً، توصیف‌های متعدد و متضادی از میزانی که اینترنت می‌تواند سازنده حوزه عمومی باشد، ارائه شده است. بسیاری از این مباحثات دچار یک یا دو اشکال اساسی هستند، یا این‌که از به‌کارگیری روش‌شناسی هرمنوتیک مناسب، قصور ورزیده‌اند، همانند روشی که دالگرن به کار گرفت.

یا خود را به آن مفهومی از حوزه عمومی محدود کرده‌اند که در «دگرگونی ساختاری حوزه عمومی» (دگرگونی ساختاری) هابرماس وجود دارد و به دیگر جنبه‌های آثار هابرماس یا تنها اشاره‌ای گذرا داشته‌اند و یا این‌که اصلاً به آنها نپرداخته‌اند. با این همه، مطمئناً در آثار هابرماس به میزان قابل توجهی بینش و تحلیل یافت می‌شود که بخش اعظم آن هنوز در تحلیل‌های مربوط به اینترنت به کار گرفته نشده است. در حالی که در فرهنگ‌ها از آن به عنوان «اسم» یاد شده است، اینترنت همچنین تابع توصیف‌ها و کاربردهای هنجاری است که به قول ویتگنشتاین معنای آن را تعیین می‌کنند. در واقع، هنگامی که نورتل نت ورکس از خوانندگان آگهی‌هایش می‌پرسد که می‌خواهید اینترنت چگونه باشد، دقیقاً بازگوکننده همین مسأله است. اساساً اینترنت شبکه‌ای از شبکه‌های رایانه‌ای است. با این حال، آگهی‌دهندگان شرکت‌ها، دولت‌ها و سازمان‌های جامعه مدنی سعی در پاسخ به پرسش‌هایی از این قبیل دارند که چه کسانی، برای چه مقاصدی و با چه محدودیت‌ها و حمایت‌هایی می‌توانند از اینترنت استفاده کنند. در واقع، پرسش بجایی که بورچرت مطرح می‌کنند این است که آیا می‌توان اینترنت را یک کالای اجتماعی تلقی کرد و بنابراین ارایه آن را تحت حمایت خدمات عمومی در زمینه پخش تشویق کرد. از اینرو، هنگامی که به اینترنت اشاره می‌شود، خود را تنها محدود به تعریف فنی یک شبکه رایانه‌ای نیست، بلکه بیشتر منظور ساخت اجتماعی آن است، تمایزی میان تکنولوژی‌های مختلف اینترنتی قائل می‌توان شد. اینترنت از طریق برنامه‌های کاربردی گوناگون نظیر «تل نت» و «سیستم تابلوی اعلانات»، «یوزنت» ، پست الکترونیک و «وب جهانی» قابل دسترسی است. وب در ابتدا تنها یک بخش از اینترنت را تشکیل می‌داد و مستندات متنی را از طریق ابر پیوندها به یکدیگر پیوند می‌داد. زبان نشانه‌گذاری ابرمتن و پروتکل انتقال ابرمتن مورد استفاده در وب جهانی به گونه‌ای تکامل پیدا کرده است که اینک می‌تواند برای دسترسی به بسیاری از دیگر برنامه‌های کاربردی اینترنتی مورد استفاده قرار گیرد. از اینرو، وب در مقایسه با سایر برنامه‌های کاربردی اینترنتی نه تنها این امکان را پدید آورده است که میلیون‌ها نفر بیشتر به اینترنت دسترسی پیدا کنند بلکه همچنین استفاده از اینترنت را در مفهوم فنی آن آسان‌تر ساخته است و تعداد

برنامه‌های کاربردی جداگانه لازم برای دسترسی به آن را کاهش داده است. افزون بر این، اکنون وب نقطه دسترسی اصلی به اینترنت است و برنامه‌های کاربردی است که مردم از همه بیشتر با آن آشنا هستند. به نظر می‌رسد بخش قابل توجهی از نوشتارهایی که بدیع هستند و بینش‌های مفید فراهم می‌آورند، در اواسط دهه ۱۹۹۰ به نگارش در آمده باشند یعنی در دوره پیش از گسترش وب. بنابراین، بنابراین نظرات کسانی مانند پاستر اساساً به سیستم تابلوی اعلانات، پست الکترونیک و انواع شبکه‌های محلی مانند شبکه الکترونیک عمومی، سانتا مونیکا که مورد مطالعه ویلیام راتن قرار گرفته می‌پردازند. از اینرو، برای مثال در مقایسه میان اظهارنظرهای پاستر درباره تبعات اینترنت در سال ۱۹۹۵ و تبعات وب در سال ۲۰۰۰ با دشواری‌های روش‌شناختی مواجه می‌شویم. یکی از تفاوت‌های موجود بین ۳۰ میلیون نفر کاربر اینترنت است که پاستر درباره آن نوشته که بخش عظیمی از آنها علاقه‌مندان پروپا قرص رایانه بودند و ۳۰۰ میلیون نفر کاربر وب که امروزه وجود دارند. این تفاوت صرفاً در مفهوم کمی آن مطرح نیست بلکه همچنین در اینجا تفاوت کیفی میان حوزه‌های گوناگون مطرح است. علاوه بر این، چنانچه گفته شد، وب سایر برنامه‌های کاربردی اینترنت را به هم متصل می‌سازد. امروزه در بیشتر تحلیلها این پرسش مطرح است که آیا به اینترنت به عنوان یک کل می‌پردازد و یا این که یک برنامه کاربردی خاص را در نظر دارد افزون بر این مسأله رابطه علت و معلولی بین اینترنت و جامعه مطرح است. نویسندگان مختلف مانند مارتین هایدگر، آلون تافلر، مارشال مک لوهان و مارک پاستر خود را در معرض اتهام جبرگرایی تکنولوژیک نسبت به تکنولوژی‌های اطلاعات دیده‌اند. حتی از دیدگاه هابرماس نوعی ارتباط ذاتی بین آن نوع تکنولوژی که بر ما شناخته شده است و ساختار کنش هدفمند عقلانی وجود دارد به گونه‌ای که اولی لزوماً پاسخگوی منافع دومی است. این اندیشه که یک تکنولوژی جدید دارای تأثیرات «ضروری» بر جامعه است، درست نیست. «استراتژی‌های» تفسیر و اجرا به این معنی است که تأثیر یک تکنولوژی خاص بر جوامع متمایز از یکدیگر اغلب چندگونه است. جامعه و گروه‌های موجود در آن با تکنولوژی هم قبل و هم بعد از فرآیند طراحی به تعامل می‌پردازند، آن را شکل می‌دهند و نیز آن را تعدیل می‌کنند تا با

اهداف اولویت‌دار و عملی‌شان سازگار شود. در واقع، گروه‌ها و طبقات مختلف در یک جامعه واحد در قبال یک تکنولوژی، دارای منافع غیرهمسو (و اغلب متضاد) هستند و تلاش خواهند کرد تا اجرای آن را براساس این منافع کنترل کنند. به منظور ارزیابی مناسب یک تکنولوژی، درک دامنه منافع و کسانی که تلاش می‌کنند بر گفتمان، سلطه پیدا کنند و همچنین شناسایی مبارزاتی که بین منافع در می‌گیرد، بسیار مهم است.

درجه «بسته بودن» تکنولوژی مزبور در کوتاه‌مدت و بلندمدت، نسبت به این منافع نیز باید در نظر گرفته شود. چنین رهیافتی به ما اجازه می‌دهد تا علاوه بر چندگانگی منافی که بر توسعه یک تکنولوژی تأثیر می‌نهند، این نکته را مورد توجه قرار دهیم که تأثیر این منافع بر یک تکنولوژی با گذشت زمان تغییر می‌پذیرد. توسعه تکنولوژیک فرآیندی جاری است. با توجه به آنچه گفته شد، ذکر این مطلب که یک تکنولوژی خاص دارای هیچ‌گونه کیفیت ذاتی نیست نیز به همین شکل غیردقیق است، صرف‌نظر از میزان و درجه شکل‌گیری تکنولوژی در نتیجه تأثیرات اجتماعی، نامعقول است، اگر بگوئیم از تلویزیون می‌توان برای شستشوی لباس استفاده کرد. بنابراین باید موازنه‌ای احتیاط‌آمیز میان ظرفیت‌های دگرگون‌ساز یک تکنولوژی از یک سو و ظرفیت عاملان اجتماعی برای استفاده از تکنولوژی‌ها و شکل دادن به آنها هنگام کاربردشان از سوی دیگر برقرار ساخت. این کنش متقابل، از اهمیت بسیار برخوردار است.

اینترنت و حوزه عمومی جامعه

نظر اصلی هابرماس در این حوزه عبارت از این است که در جریان تغییرات دوران‌ساز، مجامع مستقلی برای مباحث عقلانی - انتقادی ظهور پیدا می‌کنند. با توجه به روح انقلاب‌های بورژوازی که رابطه بین عنوان، منزلت و حق اظهارنظر در حوزه عمومی در قرون هجدهم و نوزدهم از میان رفت. این حوزه «به‌طور رسمی» بر روی همگان صرف‌نظر از طبقه باز شد. در حوزه عمومی بورژوازی، استدلال‌ها بنا بر قدرت استدلال پا بر جا می‌مانند و یا در هم فرو می‌ریختند و نه براساس قدرت اجبار. با این همه، هنگامی که بورژوازی موضع هژمونیک خود را استحکام بخشید، حوزه عمومی آن که از کاربرد خرد توسط عموم افراد

برای به چالش کشیدن نقادانه قدرت بهره‌می‌گرفت و بر مبنای آن استوار گردیده بود، به مفهومی تو خالی تبدیل شد. طرح مطالبات گوناگون طبقات کارگر و زنان در عرصه عمومی و نیز نفوذ محصولات فرهنگی ناهمگون دست به دست هم دادند تا اخلاقیات جهان‌شمول حوزه عمومی همگون را از میدان به در کنند. در جریان این فرآیند «باز فئودالی شدن»، از هم پاشیده شدن عمومیت گفت‌وگو محور و جایگزینی آن با نمایش‌های عمومی با هدف جلب رضایت مردم، آنچه زمانی از آن به عنوان «افکار عمومی» یاد می‌شد، تبدیل به چیزی شد که می‌توان آن را آلت دست قرار داد و یا در بهترین حالت آن را طرف مشورت قرار داد و نه چیزی که به‌طور مستقل توسط شهروندانی به وجود آمده است که به بحث عقلانی با یکدیگر می‌پردازند. با این همه، باید پذیرفت که به عنوان نقد هنجاری دموکراسی‌های سرمایه‌داری، درس‌های مهمی در آن وجود دارد که باید آنها را آموخت. کمترین آنها عبارت از این است که حکومت دموکراتیک حکومتی است که براساس اراده واقعی مردم عمل می‌کند، یعنی بر پایه اراده عموم افراد و نه منافع خاص‌گرایانه و تک‌افتاده. شماری از نویسندگانی که در مطالعه اینترنت تخصص دارند حوزه عمومی بورژوازی را کمابیش امری بدیهی فرض کرده‌اند و در پی آن برآمده‌اند تا آن را در مورد اینترنت نیز به کار ببرند. اشتباه چنین کاری نه تنها در این نکته نهفته است که حوزه عمومی بورژوازی در دوره خاص بحران، مشروعیت ظهور پیدا کرد بلکه همچنین ناشی از نادیده انگاشتن این واقعیت است که به نظر می‌رسد برخلاف چندگونگی کاربران اینترنت، مشارکت‌کنندگان در حوزه عمومی بورژوازی از اهداف و منافع همگونی برخوردارند. در واقع، فقط با مراجعه به کتاب «دگرگونی ساختاری»، به نظر می‌رسد که تنها نقطه اشتراک آنها در این است که هر دو به‌طور رسمی به روی همگان باز هستند (با در نظر گرفتن این واقعیت که در عمل «همگان» در حوزه عمومی بورژوازی به معنای کلیه افراد مذكر آریستوکرات و بورژوا بوده است). مطمئناً این امر واقعیت دارد که حوزه عمومی بورژوازی در پی شکل دادن به یک اراده عام بود، در حالی که به نظر می‌رسد اینترنت اندیشه جهان‌شمولی و یا منافع مشترک را از هم می‌گسلد و یا دست‌کم آن را زیر سؤال می‌برد و دقیقاً راه را برای مفهوم متضاد آن یعنی تکثرگرایی هموار می‌کند، امری که با توجه به

تفاوت‌ها به اندازه کافی آشکار است. کتاب‌های «کنش ارتباطاتی» و «میان واقعیات» نه تنها به برخی از انتقادات عمده وارد شده بر کتاب «دگرگونی ساختاری» پرداختند بلکه همچنین تجویزهای مبتنی برای جامعه دموکراتیک ارائه دادند و به بازنگری پیوند میان حوزه عمومی و دولت پرداختند. هابرماس در کتاب میان واقعیات ادعایی صریح در مورد ساختار یک جامعه دموکراتیک مطرح می‌کند. در حالی که در کتاب دگرگونی ساختاری، حوزه عمومی (به لحاظ تجربی) همگون بود و تقریباً به‌طور کامل به حوزه حکومت مرتبط بود، در کتاب میان واقعیات، تجویزات هابرماس اجباراً به واقعیت چندگانگی در جامعه مدرن می‌پردازند. افزون بر این، هابرماس در فاصله نگارش دو کتاب دگرگونی ساختاری و میان واقعیات، دوگانگی نظام‌زیست جهان را در کتاب کنش ارتباطی مطرح کرد که به شکل‌گیری اندیشه، سازوکار او منجر شد تا مانع از آن شود قدرت از نظام اداری و اقتصادی به بافت‌های زیست‌جهان تعامل و بازتولید اجتماعی نفوذ کند. هابرماس با فراتر رفتن از دوگانگی طبقاتی مارکس، این‌گونه استدلال می‌کند که زیست‌جهان که عبارت است از «اندوخته‌ای از بدیهیات و اعتقادات راسخ و تزلزل‌پذیر که شرکت‌کنندگان در ارتباطات، آنها را از فرآیند مبتنی بر همکاری تفسیر برمی‌گیرند»، و اجرایی در جهتی مخالف تعمیم بیش از حد الزامات نظام محور در خصوص پول و قدرت اداری حرکت می‌کنند. هم زیست‌جهان و هم نظام، تلاش در جهت هماهنگ‌سازی جامعه دارند، اما براساس تحلیل هابرماس، تنها زیست‌جهان می‌تواند ادعای «مشروعی» نسبت به هماهنگی اجتماعی داشته باشد. هابرماس به فرآیندی اشاره می‌کند که به موجب آن از طریق قانونگذاری و بر هم زدن عقلانیت ارتباطی، نظام در اشکال هم‌رفتاری زیست‌جهان به عنوان «استعمار زیست‌جهان» نفوذ می‌کند. برای درک بهتر تفاوت میان نظام و زیست‌جهان، درک انواع عقلانیتی که آنها بر آن متکی هستند ضروری است. به سخن ساده‌تر، زیست‌جهان مبتنی بر عقلانیت ارتباطی است که با شیوه «اصلی» زبان مقارن است، در حالی که نظام مبتنی بر عقلانیت ابزاری است که با شیوه‌ای از زبان مقارن است که حالت فرعی دارد. زیست‌جهان بر ارتباطات انسانی اتکا دارد و توسط آن تولید و پایدار نگه داشته می‌شود، در حالی که نظام چنین نیست. هابرماس به فرآیند استعمار نو‌هنگامی اشاره می‌کند

که عقلانیت ابزاری فراتر از مرزهای اقتصاد و دولت حرکت می‌کند و وارد دیگر حوزه‌های به لحاظ ارتباطی ساختاربندی شده زیست وارد می‌شود و در آن حوزه‌ها به بهای زیر پا نهادن عقلانیت اخلاقی و زیبایی‌شناختی سلطه پیدا می‌کند. استعمار نظام محور تا آنجا پیش نمی‌رود که جایگزین کنش معطوف به درک متقابل شود، بلکه قدرت آن را «سلب» می‌کند، سازوکارهای راهبری مبنای اعتبار کنش ارتباطی را تضعیف می‌کنند و در نتیجه امکان مشروع باز تعریف حوزه‌های کنش متقابل را به دلخواه به صورت موقعیت‌های کنشی فراهم می‌کنند که عاری از بافت‌های زیست‌جهان هستند و دیگر معطوف به دستیابی به اجماع نیستند. در حالی که در بعضی بافت‌ها، رها سازی زیست‌جهان از ظرفیت هماهنگ‌سازی مناسب است، در برخی بافت‌های دیگر، آن‌گونه که هابرماس استدلال می‌کند، دارای اثر مخرب است. در حالی که کنش ارتباطی «امکان اجماع دارای انگیزش عقلانی را فراهم می‌آورد» که مشابه نحوه نگرش هابرماس به ارتباطات در حوزه عمومی بورژوازی است، در واقع، انگیزه ما به لحاظ تجربی متوجه تعاملاتی می‌شود که انگیزش خود را از پول دریافت کرده‌اند. رسانه‌های قدرت و پول نگرش عقلانی و هدفمندی را رمزگذاری می‌کنند... و اعمال نفوذ استراتژیک و تعمیم یافته‌ای را بر تصمیمات سایر شرکت‌کنندگان صورت می‌دهند و در همان حال فرآیندهای ارتباطی اجماع محور را دور می‌زنند... به زیست‌جهان دیگر برای هماهنگ‌سازی کنش، نیاز وجود ندارد افزون بر این، قدرت اداری مطالبات هنجاری از شهروندان دارد، این بدان معناست که تنها در صورتی که این درخواست‌ها به الزامات ساده‌ای تقلیل یابند که متکی به ضمانت اجرا باشند، باید آنها را مشروع دانست. براساس این دیدگاه، نقش شهروندان در یک جامعه تحت استعمار «خنثی» می‌شود و «مشارکت سیاسی از هرگونه محتوای مشارکتی پاکسازی می‌شود». در کتاب میان واقعیات هابرماس نظامی را پدید می‌آورد که به موجب آن می‌توان از آسیب‌هایی که در اینجا ذکر آنها رفت مصون ماند. با انجام این کار، او دوگانگی مرکز، پیرامون را وارد حوزه عمومی می‌کند. مرکز از «مجموعه ادارات»، نظام قضایی، و عقیده دموکراتیک و شکل‌گیری اراده (در پارلمان) تشکیل می‌شود. این هسته پیرامون از این بابت متفاوت است که اولی دارای توانایی عمل است و تابع قواعد

شکلی است. براساس توصیف هنجاری هابرماس، حوزه عمومی یک «فضای اجتماعی است که در کنش ارتباطی تولید می‌شود» و باید از طریق جداسازی در برابر الزامات نظام - محور محافظت شود. حوزه عمومی پیرامونی باید مبتنی بر جامعه‌ای مدنی باشد که متشکل از آن اتصالات غیرحکومتی و غیراقتصادی و ارتباطات اختیاری است که تکیه‌گاه ساختارهای ارتباطات حوزه عمومی در بخش اجتماعی زیست‌جهان هستند، و این امکان را پدید می‌آورند تا مسائل مشهود در حوزه‌های زندگی خصوصی در حوزه عمومی گسترش پیدا کنند. از نظر هابرماس جامعه مدنی دارای ساختار مساوات‌گرا و بازی است که بازتاب ویژگی‌های اساسی آن نوع ارتباطاتی است که در حول آن تبلور پیدا کرده است. یعنی حول ارتباطاتی که معطوف به درک متقابل یعنی فرجام ذاتی گفتار انسانی است. براین اساس، حوزه عمومی پیرامونی، خود یک پدیده اجتماعی ابتدایی است... (که) آن را نمی‌توان به عنوان یک نهاد و مطمئناً یک سازمان تصور کرد... همچنین چارچوبی از هنجارها با صلاحیت‌ها و نقش‌های گوناگون، مقررات عضویت و غیره نیز نیست. همان‌گونه که حوزه عمومی چندان نمی‌تواند نمایانگر یک نظام باشد... به بهترین شکل می‌توان آن را شبکه‌ای برای انتقال اطلاعات و نقطه نظرات توصیف کرد. حوزه عمومی مانند زیست‌جهان از رهگذر کنش ارتباطی بازتولید می‌شود. حوزه عمومی در بستر زیست‌جهان شکل می‌گیرد و «رفتار خاص» با مسائل سیاسی را بر عهده نظام سیاسی می‌گذارد. آنگاه، نظام سیاسی باید در مورد موضوعاتی دست به اقدام بزند که در حوزه عمومی خود سازمان مورد بحث قرار گرفته‌اند. تنها پس از طی فرآیند اخیر است که «مقامات سیاسی مسئول می‌توانند مواضعی را براساس منافع مورد بحث اتخاذ کنند و آنها را در دستور کار پارلمان قرار دهند تا مورد بحث قرار گیرند و در صورت لزوم به شکل طرح‌های قانونی و تصمیمات الزام‌آور در آیند. حوزه عمومی غیررسمی باید قادر باشد بر نظام سیاسی تأثیر گذارد، اما نظام سیاسی نباید تأثیر سویی بر حوزه عمومی غیررسمی داشته باشد، مبادا تصمیماتی که در چارچوب نظام سیاسی گرفته می‌شوند فاقد مشروعیت گردند. در صورت وقوع چنین چیزی، به گفته هابرماس، «نظام سیاسی به گرداب کسری مشروعیت و کسری راهبری کشانده می‌شود که یکدیگر را

تشدید می‌کنند». در واقع، در حوزه عمومی در مفهوم غیررسمی آن در تقابل با مفهوم بورژوازی قرن هجدهمی، شاید اینترنت بتواند به عنوان یک سازوکار تسهیل‌کننده عمل کند. اگر شرطی که هابرماس برای حوزه عمومی غیررسمی قائل شده این باشد که حوزه مزبور دارای امتیاز یک رسانه ارتباطی غیرمحدود است که به موجب آن در درک موقعیت‌های مشکل‌آفرین، گسترش اجتماعی گفتمانی و امکان بیان هویت‌های جمعی و تفسیر نیازها، مهارت حاصل می‌کند، پس باید رسانه‌ای برای تسهیل این امر وجود داشته باشد. آنچه در این میان مهم است این است که نقش رسانه‌ها در حوزه عمومی توسط هابرماس توجیه شده است. ادعای او در کتاب دگرگونی ساختاری این بود که رسانه‌های گروهی غیردموکراتیک هستند و مردم را فریب می‌دهند تا عقیده‌ای را که ساخته و پرداخته شده، به عنوان عقیده خود بپذیرند. با این حال، هابرماس در کتاب «در میان واقعیات» قسمت اعظم رهیافت «فریب فرهنگی» را نسبت به مطالعات رسانه‌ای رد می‌کند و در عوض چنین استدلال می‌کند که شهروندان، استراتژی‌های تفسیر را علیه پیام‌های رسانه‌ها پیش می‌گیرند. گرچه وی به هیچ وجه موضعی عاری از انتقاد نسبت به رسانه‌های گروهی در دموکراسی‌های غربی امروزی ندارد، به نظر می‌رسد بیشتر تأکید وی بر رسانه‌هایی باشد که صرفاً فاقد ظرفیت ارتباطی برای تسهیل حوزه عمومی غیررسمی هستند و در نتیجه دچار کسری ارتباطی‌اند. برای مثال به پخش برنامه‌های رادیو تلویزیونی حتی در شکل آرمانی آن یعنی عاری از الزامات آگهی‌دهندگان و توأم با اخلاقیات محکم خدمات عمومی، همچنان قادر به تسهیل ارتباطات مؤثر در حوزه عمومی غیررسمی نیست. در حالی که پخش این برنامه‌ها برای حوزه عمومی مرکز مناسب‌تر است. آنها دچار مشکلات تسهیل ارتباطات فیلتر نشده خود سامان، ترجمه پیام‌های غیررسمی و انتخاب زبانی هستند که ترجمه این پیام‌ها باید با آن صورت گیرد.

اینترنت و حوزه غیررسمی جامعه

ارتباطات پیشرو نه تنها در زمینه توسعه زیرساخت اینترنت بلکه همچنین در کمک به فعالیت‌های عملی جنبش‌های اجتماعی، نسبتاً موفق بوده است. بنابراین، اگر کسی با این نظر مخالف باشد که می‌توان اینترنت را به خودی خود نوعی حوزه عمومی تصور کرد، می‌تواند آن را مبنا و تکیه‌گاهی تلقی کند که عرصه عمومی را می‌توان روی آن بنا کرد. با این حال، هنوز ملاحظاتی دربارهٔ ظرفیت آن وجود دارد، نه تنها به لحاظ استفاده انجمن ارتباطات پیشرو از اینترنت بلکه همچنین در مورد ساختار خود اینترنت. در مورد نخست، انجمن ارتباطات پیشرو دارای حداقل قابلیت تعامل در وب سایت خود می‌باشد، اما این امر احتمالاً آن چنان که در ابتدا به نظر می‌رسد اهمیت ندارد زیرا که هدف اصلی این انجمن توانمندسازی سایر گروه‌هاست. افزون بر این، میزان کمک این انجمن به تسهیل فعالیت گروه‌های دیگر قابل توجه است. یکی از کمک‌های قابل توجه انجمن ارتباطات پیشرو به ساختارهای ارتباطاتی جنبش‌های اجتماعی، توسعهٔ آکشن‌اِپس است. شاید مسأله ضروری‌تر به این دلیل که بر همهٔ کاربران اینترنت تأثیر می‌گذارد، موضوع ظرفیت ارتباطاتی خود اینترنت باشد. چنان‌که پدیده‌های زیست‌جهان یا جامعه مدنی باید دارای ظرفیت ارتباطی باشند. با این حال، این ظرفیت را نباید صرفاً به عنوان فراهم آوردن حق اظهارنظر قلمداد کرد. برای این که کنش ارتباطی موفق باشد، تعدادی شرایط وجود دارد. هابرماس بدون آن که وارد جزئیات این موضوع پیچیده شود، کنش ارتباطی را مبتنی بر وجود ادعاهایی می‌داند که در مورد صحت و سقم‌شان می‌توان تردید روا داشت. بدین معنا که هرگاه ما به صورت ارتباطی عمل می‌کنیم، ادعاهایی را مطرح می‌سازیم که طرف یا طرف‌های دیگر ارتباطات می‌توانند دربارهٔ آنها سؤال کنند. برای این که کنش گفتاری مورد پذیرش واقع شود، شنونده باید بتواند صحت آن، مبنای هنجاری مربوطه و صداقت گوینده را بپذیرد. البته، این معیارها ممکن است در اینترنت دست نیافتنی باشد. نخست این که بررسی صحت و سقم اطلاعات موجود در اینترنت، مانند هر رسانه دیگر، فرآیندی پیچیده است که نیازمند اراده و وقت کافی است که بسیاری از افراد آمادگی این نوع سرمایه‌گذاری را ندارند. دوم این که فقدان زیست

جهان مشترک یا حتی زمینه فرهنگی مشترک در میان کاربران اینترنت بین‌المللی مشکلاتی برای پذیرش قابل قبول بودن یا حقانیت چیزی به لحاظ هنجاری پدید آورد. سرانجام این‌که، ناشناختگی در اینترنت که درباره آن سخنان حمایت‌آمیز فراوانی گفته شده است، ارزیابی صداقت را در واقع بسیار دشوار می‌سازد. از آنجا که مشکل تعیین صحت و سقم چیزی، برای اکثر رسانه‌ها جنبه عام دارد، دو نکته اخیر قابل توجه است. در مورد اول یعنی حقانیت هنجاری، روشن است که مجموعه‌ای از هنجارها وجود ندارد که به شکلی آزادانه توسط یک جامعه مدنی بین‌المللی ایجاد شده باشند به گونه‌ای که شرکت‌کنندگان در ارتباطات اینترنتی بتوانند از آنها بهره‌گیرند. ویلهم در جریان مطالعه تجربی گروه‌های خبری یوزنت، دریافت که محتوای ارتباطات «با هنجارهای زبانی معاصر ناهمخوان و بی‌ارتباط است». با این حال، تنها لازم است به «نتیجت» فکر کرد تا دریافت که هنجارها با چه سرعتی از بیان هرج و مرج پدید آمده‌اند. علاوه بر این، اسلویین این نکته را مطرح می‌سازد که اینترنت قادر است بسیاری از فرهنگ‌ها و تجارب مختلف را به هم متصل کند، احتمال برخورد علائق را افزایش دهد زیرا با توجه به ظرفیت تعاملی تکنولوژی اینترنت، این نظرات به آسانی به چالش کشیده می‌شوند و ماهیت واقعی‌شان آشکار می‌شود می‌توان گفت که این موقعیت مشابه آن چیزی است که هابرماس به آن تحت‌عنوان رهاسازی مخاطره‌آمیز زبان از قراردادهای اشاره کرده است. صرف قرارداد از طریق فعالیت اینترنتی تضعیف می‌شود چون قرار گرفتن در معرض بدیل‌ها و نیاز به تبیین و توجیه مستقیم در برابر «دیگری» به معنای آن است که نیاز به رسیدن به تفاهم به واسطه وجود ذخایری از تفاسیر به‌طور سنتی تصدیق شده و مصون از انتقاد، به تدریج برطرف می‌شود.

زیست جهان را می‌توان تا آن درجه عقلانی کرد که تعاملاتی را امکان‌پذیر سازد که نه به واسطه موافقتی که به‌طور هنجاری نسبت داده شده بلکه توسط موافقتی هدایت شده‌اند به گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم از طریق تفاهم به لحاظ ارتباطی، دست یافتنی شده است. ناشناختگی در اینترنت برای کنش ارتباطی یک شمشیر دو لبه است. از یک سو، این بدان معناست که کسانی که احتمالاً کمرو هستند و یا به هر نحوی احساسات خود را مهار

می‌کنند، برای بیان عقاید خود اعتماد به نفس بیشتری پیدا می‌کنند، به ویژه در زمینه مخالفت با افکار سیاسی افرادی که ممکن است به لحاظ فیزیکی حالتی مرعوب‌کننده داشته باشند. افزون بر این، شغل، طبقه، اصل و نسب، زبان بدن، جنسیت، قومیت، مذهبی بودن، قدوقامت، موانع گفتاری و غیره همگی موانع بالقوه در راه مباحث رو در روی «جهان واقع» به‌شمار می‌آیند، اما هنگام اتصال به اینترنت آشکار نیستند. از اینرو، آقای X باید تنها بر قدرت استدلال خود علیه فروشنده مغازه Y تکیه کند. بنابراین، می‌توان گفت در این موارد، ایجاد اجماع در نهایت به قدرت استدلال بهتر متکی است. با این حال، گرچه اسلوین اظهار می‌دارد که پارادوکس انزوا و قابلیت رویت به این معناست که کسانی که از اینترنت استفاده می‌کنند همچنان ناچارند با دیگر افرادی که در فواصل دور قرار دارند به گونه‌ای برابر که ممکن است عجیب به نظر آید، رفتار کنند، در عمل مسئولیت انجام این کار بلافاصله آشکار نمی‌شود. از سوی دیگر، می‌توان بر این نظر اصرار ورزید که ناشناختگی به این معناست که شرط اساسی ارتباطات انسانی یعنی مسئولیت در ارتباطات اینترنتی وجود ندارد. در این مفهوم، یکی از طرف‌های بحث ممکن است از مباحثه خارج شود با توجه به این‌که ناشناختگی، امتیازی است که به او اجازه می‌دهد، از ادامه بحث خودداری کند. علاوه بر این، یکی از طرف‌های بحث ممکن است از مباحثه خارج شود، صرفاً به این منظور که با یک هویت متفاوت مجدداً وارد بحث شود. بنابراین، همراه با ناشناختگی مسأله مسئولیت مطرح می‌شود، در حالی که مسئولیت یکی از مهم‌ترین و با این حال شاید یکی از جنبه‌هایی از نظریه‌های کنش ارتباطی در برابر خلا گفتمانی و حوزه عمومی باشد که کمتر مورد تأکید قرار گرفته است. پیش‌شرط انجام کنش ارتباطی این است که بازیگران مسئولیت گفته‌های خود را بر عهده گیرند. در حقیقت، نظریه کنش گفتاری بر این مبنا استوار است و این نقطه آغاز بسیاری از انتقادات هابرماس است. موازنه ناشناختگی و مسئولیت، اغلب به نوع گفتمان مورد تقاضا بستگی دارد. از یک سو، اگر فرهنگ پس‌زمینه‌ای کاربر، اقتدارگرا باشد (به هر میزانی)، در این صورت ناشناختگی ابزاری مهم است که انتقاد بدون ترس از سرکوب را امکان‌پذیر می‌سازد. از سوی دیگر، اگر یک فرهنگ سیاسی لیبرال وجود داشته باشد، نمونه‌های مشابه آن تنها به صورت

تقریبی وجود دارند، در این صورت ناشناختگی نقش امنیتی خود را از دست خواهد داد و این پرسش به قوت خود باقی خواهد ماند که آیا ناشناختگی برای گفته‌ها این امکان را پدید می‌آورد که تنها وزن داخلی خود را به بهای مسئولیت حمل کنند.

اینترنت و جوامع

روابط پیچیده‌ای میان جامعه، اینترنت، حکومت، تجارت، نهادهای حاکم بر اینترنت و جنبش‌های سیاسی و اجتماعی وجود دارد. آنچه اینترنت می‌تواند برای این عوامل انجام دهد در خود تکنولوژی از پیش تعریف نشده است بلکه برای تعریف موردنظر کاربران جا باز نگه داشته شده است به گونه‌ای که هم شهروندان و هم رسانه‌های راهبر نظام محور برای کسب هژمونی مبارزه می‌کنند. در این مفهوم، انجمن ارتباطات پیشرو را می‌توان جنبشی قابل ملاحظه در تلاش برای تضمین نه تنها استفاده از اینترنت بلکه همچنین برای ایجاد ساختاری برای اینترنت در نظر گرفت که در برابر الزامات نظام-محور مقاوم باشد. با توجه به این نتیجه‌گیری، ضرورت دارد که کاربران اینترنت به نحوه شکل دادن به این رسانه و به ویژه ظرفیت ارتباطی آن علاقه نشان دهند. شاید سریع‌ترین چالش برای کاربران اینترنت، یعنی همان چالشی که هابرماس نیز سعی در روشن ساختن آن دارند، عبارت است از تجاری‌سازی و کنترل استعمار. تغییری قابل شناسایی در محتوا، کاربرد و ساختار اینترنت طی پنج سال گذشته به وجود آمده است. این امر همزمان با علاقه‌مندی بیشتر بخش‌های تجاری و دولت به آنچه می‌توانند از این رسانه به دست آورند، رخ داده است. بخش‌های تجاری فرصت‌های پولساز را در آن مشاهده کردند و دولت‌ها را تشویق کردند که برای استفاده آنها، دسترسی به اینترنت را تضمین کنند. دولت نیز ظرفیت‌های تبلیغاتی، نظارتی و اداری اینترنت را مورد توجه قرار داد. توسعه وب از طریق افزایش تعداد «مصرف‌کنندگان»، امکان‌پذیر ساختن معرفی چند رسانه‌ای کالاها و آسان‌تر ساختن ناوبری و کاربرد اینترنت به عاملی مهم تبدیل شده است. درحالی که از یک سو وب امکان دسترسی بیشتری را به تعداد بیشتری از تکنولوژی‌های ارتباطی در مقایسه با گذشته فراهم ساخته است، از سوی دیگر می‌توان گفت

که قابلیت تعامل اینترنت را کاهش داده است چون وب سایت‌های سیاسی و تجاری رسمی برای اجرای نقش، تریبون‌های تبلیغاتی یک طرفه ایجاد شده‌اند. در حالی که استفاده از «یوزنت» به عنوان یک سازوکار ارتباطی یک طرفه بی‌معنی جلوه می‌کند، استفاده از وب بدین ترتیب اینک قابل قبول‌تر می‌شود. از اینرو، به جای آن‌که کاربران خود قسمت اعظم محتوای اینترنت را فراهم سازند، شرکت‌ها و دولت‌ها به استعمار بیشتر و بیشتر آن می‌پردازند. در واقع، می‌توان چنین استدلال کرد که شکلی از حصارکشی در حال رخ دادن است که به موجب آن «خرده مالکان» وادار می‌شوند تا درون مناطق پرجمعیت، کنترل شده و تحت مقررات شدید فعالیت کنند، نظیر مناطقی که «آمریکا آنلاین» و «شبکه مایکرو سافت» در اختیار آنها قرار می‌دهند. اگر این فرآیند تداوم پیدا کند، کاربران اینترنت به گونه‌ای فزاینده به حصارها و یا مجراهای از پیش تعریف شده‌ای هدایت می‌شوند که خروج از آنها روز به روز دشوارتر می‌شود و اینترنت را تنها به یک رسانه جمعی تحت استعمار دیگری تبدیل می‌کند که تنها ارائه دهنده اطلاعات و مباحث استاندارد، قابلیت تعامل محدود و هر آن چیزی است که مصرف‌کنندگان برای برآورده ساختن امیال مادی کنترل شده‌شان به آن نیاز دارد. بار دیگر، این فرآیند، هر چند ممکن است بزرگ به نظر برسد، از پیش تعیین شده نیست. این به عهده شهروندان، نمایندگان و جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است تا ادعاهای خود را مطرح سازند و این تضمین را به دست آورند که به عنوان یک ضرورت تحت حفاظت قرار گیرند.^۱

اینترنت و جامعه مجازی

باوجود کندشدن روند شیوع استفاده از اینترنت در عین حال، تقریباً دو سوم تمام بزرگسالان آمریکایی همچنان از اینترنت استفاده می‌کنند. دانشمندان علوم سیاسی به صورت فزاینده‌ای به پژوهش درخصوص ابعاد اجتماعی و سیاسی استفاده از اینترنت می‌پردازند. یک سایت

^۱ جنبش‌های نوین اجتماعی و اینترنت نوشته‌ی لی سالتر ترجمه‌ی پیروز ایزدی

خاص به حسب کارکردش در ساختن جامعه، حفظ جامعه مدنی و به همراه داشتن پیامدهای سیاسی است که نظر جامعه‌شناس و اندیشمندان سیاسی را به خود جلب می‌کند. این کارها می‌تواند از یک سوء در راستای افزایش علائق اجتماعی یا شخصی صورت گیرد و از سوی دیگر به سمت علائق سیاسی‌تر سوق داده شود. نئوتاکوویلیان در کل از مشارکت در انجمن‌هایی خبر می‌دهند که در ایجاد یک فرهنگ مردم‌سالار و مبتنی بر مشارکت مؤثر است، در عین حال این نظریه خالی از انتقاد نیست. هانا آرنت می‌گوید چنین مشارکتی به یک جایگزین مصرف‌کننده محور برای مشارکت سیاسی تبدیل شده است تا آنکه حامی آن باشد حال آنکه فوکو نگرانی‌هایی را در خصوص نقش جامعه مدنی در حفظ رژیم‌هایی که او آن را قدرت انضباطی (نوعی کنترل اجتماعی) تعبیر می‌کند مطرح می‌کند.

مسئله اصلی این است که آیا اینترنت کنش‌های مردم‌سالارانه یا مصرف‌گرا را در جامعه سیاسی تقویت می‌کند یا خیر؟ علت اصلی تمایز بین این مقولات، دوگانگی بین کنش‌های سیاسی و عمومی است که به نوعی در پی بازسازی نظام سیاسی است و از سوی دیگر کنش‌های خصوصی است که در جهت تامین نیازهای فرد یا خانوارها است. داستان‌های اولیه در خصوص دموکراسی آمریکایی بر مفهومی آرمان‌گرایانه از دولت مبتنی بودند که بر اساس آن ملتی همگن پدید آید و این ملت قانون اساسی را پدید آورد. براساس چنین مفهومی فهم ماهیت دموکراسی آسان است، چرا که «این مردم» قانون و ساختار حکومتی را پدید آوردند. اما این دیدگاه در قرن بیستم دچار چالش‌های اساسی شد در این زمان مردم کم‌کم دقت تجربی این تعریف را به نصیح صور پراکنده‌تر، متکثرتر و انفرادی‌تر جامعه سیاسی زیرسؤال بردند. از زمان طرح اصلاحات به بعد، تصویر شهروند مصرف‌کننده به طور برجسته‌ای در گفتمان‌های کنش سیاسی و گفتمان‌های دست دوم علوم سیاسی و حاکمیت مردم رخ نمود. اخیراً در ادبیات «حکومت خلاق»، اعضای جامعه سیاسی به عنوان مصرف‌کنندگان منابع حکومت مشخص می‌شوند. در مکتب حکومت باز آفرین، مصرف‌کنندگان شهری مسئول که متمایل به تعدیل علائق شخصی خود به علائق دولتی هستند به مصرف‌کنندگان دولتی علاقمند به خود مبدل می‌گردند، یعنی مصرف‌کنندگانی که ذهنیتشان معطوف به برقراری

ارتباط با دولت بوده و به قضاوت درخصوص خدمات دولتی بیش از پرداختن صرف به خرید کالا است و به سود شخصی ناشی از آن اهمیت قائل می‌شوند. در عین حال ما همه به یک معنا مصرف‌کننده‌ایم یا دست کم از مزایای زندگی در جامعه‌ای قانونی استفاده می‌کنیم در عین حال این تحول حاکی از تغییر جهت در کیفیت مصرف است.

اینترنت و جامعه مدنی

پژوهشگران متعددی نظیر آنتونیو گرامسی، بنیامین باربر و فرانسیس فوکویاما از اهمیت زندگی جمعی (اجتماعی) برای دموکراسی در جامعه سیاسی سخن گفته‌اند. این انجمن‌ها برای دموکراسی سودمند بوده چرا که هم گردش علائق و سلیقه‌ها را در جامعه سیاسی تسهیل می‌کنند و هم نظام سیاسی پاسخگوتری را ایجاد می‌کنند. در کنار اینها، این انجمن‌ها، مکانیزمهایی برای اجتماعی کردن حق عضویت در یک سیاست مردم‌سالار بشمار می‌روند. این بخش از اثر رابرت پوتنام، یعنی نظریه نزول روابط اجتماعی، اثر هنریک بنگ در مورد حکومت فرهنگی و اثر مارک پاستر درباره رابطه کیفیت اطلاعات با ایجاد هویت‌های آنلاین گرفته شده است. مبانی فکری، روش و نتایج این سه نویسنده با یکدیگر متفاوت است. اما دو رشته مطلب وجود دارد که نوعی هم پوشانی میان این سه دیدگاه برقرار می‌کنند:

۱- التزام نظری به افقی نمودن ساختارهای حکومت.

۲- این ساختارها مفاهیمی را برای تحلیل کنش‌های هویت‌ساز، کنش‌های سیاسی و مصرف کالا در جامعه سیاسی، فراهم می‌کنند.

جامعه مدنی و مصرف‌گرایی

یکی از دلایل اصلی شهرت الکسیز دی توکوویله نظریه وی است که بیان می‌کند موفقیت دموکراسی آمریکایی عمدتاً دستاورد تمایل آمریکایی‌ها به تشکیل انجمن‌ها [ها] است. در نظریه نئوتوکویلین رابرت پوتنام، این فرض وجود دارد که تقریباً مشارکت (عضویت) در هر انجمنی به لحاظ پیامدهای مردم‌سالارانه‌اش بهتر از عدم عضویت و مشارکت در آن است.

پوتنام مفهوم دموکراسی را با اصطلاحات مصرف‌گرایانه عملیاتی می‌کند، اصطلاحاتی که ناظر به کارآمدی خدمات دولتی و تبادلات دولت و شهروندان هستند.

از نگاه او عضویت در انجمن برای دموکراسی مفید است چرا که اعضای سازمان‌ها مهارت‌های ویژه یک شهروند مردم‌سالار را ایجاد می‌کنند و این مسأله سبب می‌شود آنها همواره دولت خود را پاسخگوتر از گذشته کنند. اخیراً نگرانی‌هایی درخصوص رکود حیات اجتماعی و انجمنی و اثرات اجتناب‌ناپذیر آن بر شیوه‌های سنتی عضویت و مشارکت در سیاست نظیر عضویت در احزاب پدید آمده است. پوتنام افزایش تماشای تلویزیون را به عنوان اولین عامل در کاهش مشارکت افراد در انجمن‌ها در نظر می‌گیرد، از سوی دیگر او در مورد تسهیلات اینترنت برای کاهش ضعف زندگی جمعی نیز تردید دارد. او به مواجهه رو در رو به عنوان ابزار ایجاد سرمایه اجتماعی اولویت می‌دهد، اما در عین حال، اذعان می‌کند: "از آنجا که تلویزیون تباهی و شر محض است و باز از آنجا که عمده زمان آن‌لاین صرف تماشا کردن تلویزیون می‌شود اینترنت دست کم در قیاس با تلویزیون فضای اجتماعی بیشتری ایجاد می‌کند."

یکی از نکاتی که در اثر تجربی پوتنام به آن توجه چندانی نشده است، بررسی رابطه بین ارتباط با انجمن‌ها و ارتباط با مقامات و ادارات دولتی است. چگونه عملکردهای روزمره جامعه به لحاظ سیاسی بر حکومت و صاحبان قدرت در نظام سیاسی محلی تأثیر می‌گذارند؟ هنریک بنگ اصطلاح "حکومت فرهنگ" را مطرح می‌کند. دولت فرهنگ به شرایطی هدایت‌کننده اشاره دارد که در آن بسط خود و مشارکت دولتی، پیش شرط لازم برای دولت‌های رفاه است. در گزارش بنگ، تصمیمات سیاسی، دست کم در سطح محلی، صرفاً از طریق گفتمان نخبگان سیاسی تعیین نمی‌شود بلکه طیف وسیعی از گروه‌های سیاسی موجود در این جامعه بومی (محلی) در این امر سهیم‌اند. ممکن است برخی صرفاً مایل باشند به دلایل شخصی مصرف‌کننده محصولات سیاسی باشند، اما در عین حال ممکن است بخواهند وارد تعاملی گردند که هدف و محور آن بیان ایده‌ها، تصورات، هویت‌ها و چیزهای جدید دیگری باشد که اساساً با آمال‌های مورد تأیید حکومت همخوانی نداشته باشد.

مایکل دی پیش از مرگش در سال ۱۹۸۶ در متنی که نگاهت چنین پیشگویی کرده بود که آینده درخشانی را می‌بیند که وب و ایمیل به کاربران این امکان را می‌دهد تا گروه‌های تجربی کوچکی ایجاد کنند و نوعی قدرت محلی ناشی از افزایش آگاهی به آنها می‌دهد.

ارتباطات اینترنتی و جامعه مدنی

در حوزه علوم سیاسی، اینترنت را ابزاری بی‌طرف دانسته‌اند. اما در عین حال عمده پژوهش‌های علوم سیاسی حاکی از آن است که اینترنت ساختارهای سیاسی و اجتماعی یکسان را تقویت می‌کند و در غیر اینصورت، عوامل تعیین‌کننده کنش‌های سیاسی را پدید می‌آورد. به گفته مارگولیس و ریسینک حیات سیاسی در شبکه گسترده است، اما بیرون از آن، ما عمدتاً توسعه حیات سیاسی داریم.

هیل و هاگ معتقدند که اینترنت مکمل گفتمان سیاسی است و نه یک تحول یا تغییر گسترده در پارادایم. از نگاه این پژوهش‌ها، انسان (فرد) عامل ثابتی است که از فناوری به طرق خاصی استفاده می‌کند یا فناوری او را وادار می‌کند که به شیوه‌های خاصی رفتار کند، درست مانند توپ‌های بیلیارد که روی یک میز بیلیارد قرار گرفته‌اند. پپا نوریس درخصوص رابطه بین اینترنت و مشارکت سیاسی سه احتمال را در نظر می‌گیرد:

- ۱- سلسله‌علیت از مشارکت مدنی پیشین آغاز و تا استفاده از شبکه ادامه می‌یابد.
- ۲- علت اصلی از استفاده از اینترنت آغاز و متعاقباً و تا عملگرایی مدنی ادامه می‌یابد.
- ۳- در سیاست دیجیتال نوعی تعامل تقویت‌کننده دوجانبه وجود دارد که در درازمدت به واسطه آن و در نتیجه کسب تجربه‌های فراوان، انتظار می‌رود این فرآیند بتواند مشارکت مدنی را در جهت مثبت تقویت کند.

این آخرین مطلب دیدگاه موردنظر نوریس است که فناوری رسانه‌ای حلقه تقویت‌کننده دو سویه ایجاد می‌کند. نقشه مفهومی نوریس، نشانگر یک هستی‌شناسی ماشین‌وار است که در آن حیات سیاسی و اجتماعی تحت حاکمیت ماشین‌ها قرار گرفته است. در این طرح، مشارکت مدنی پیشین، افراد را وادار به استفاده از اینترنت می‌کند و استفاده از اینترنت سبب

مشارکت مدنی می‌شود. یا اینکه هر یک از این دو دیگری را درون یک حلقه تقویت‌کننده دوسویه ایجاد می‌کند.

اینترنت و کنش‌های سیاسی

به رغم هستی‌شناسی مکانیکی موجود در بخش اعظمی از ادبیات معاصر، دیدگاه دیگری درخصوص کنش‌های انسانی وجود دارد که از طرفی در نگاه به اینترنت از جزمیت کمتری برخوردار است. رسانه‌ها و فضاها و فضای عمومی محلی برای مشارکت و ارتباط مردم با یکدیگر است، در عین حال، چنین فضاهایی روابط بین مشارکت‌کنندگان را تشکیل می‌دهد. بسیاری از منتقدان گمنام، افراد و مشارکت‌کنندگان را که ناشی از ارتباط دیجیتال اینترنت است زیر سؤال می‌برند و آن را نقطه مقابل ارتباط رودرروی افراد در جامعه می‌دانند، ارتباطی که اعتماد ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، به عنوان مثال، مارک پاستر و شرمی ترکل از اینترنت به این دلیل که فضایی برای جستجوی هویت ایجاد می‌کند، حمایت می‌کنند. یعنی فناوری‌های رسانه‌ای مختلف امکانات متفاوتی را برای ارائه و عملکرد خود ارائه می‌کنند. در غیر این صورت افرادی که به دلیل نگرانی‌های اجتماعی یا عدم توانایی برقراری ارتباط با افراد دیگر جامعه برای پیوستن به گروه‌ها، مردد هستند می‌توانند در سایه گمنامی نسبی‌ای که شبکه ایجاد می‌کند نفسی تازه کنند. آنها در واقع در پس تاریخ اجتماعی پیشین و حتی در پس جسم خود پنهان می‌مانند. به قول پاستر، در جوامع آن‌لاین، فرد خود را ایجاد می‌کند و می‌داند که دیگران نیز خود را ایجاد می‌کند در عین حال، هر فرد از طریق ابداعات دیگران، آنها را استیضاح می‌کند. پس، اینترنت فضای جدیدی برای ایجاد و تشکیل هویت‌هاست. به گفته بروس گرنیک مشارکت مدنی عمدتاً عبارت از فهم ساخت و حفظ هویت سیاسی است. به لحاظ سیاسی هیچ‌جا جذاب‌تر از فهرست‌های پست الکترونیک و اتاق‌های چت نیست در این فضاها افراد سیاست‌های خود را اشاعه می‌دهند و هویت‌های فردی و جمعی خود را شکل می‌دهند.

مدل بر ساخت هویت سیاسی از طریق مشارکت سیاسی آن‌لاین و آف‌لاین افراد جامعه مبتنی است. این مدل به سه دلیل رضایت‌بخش‌تر از مدل اقتصادی واقعی است که شالوده‌نظریه پوتنام را تشکیل می‌دهد، اول آنکه همانگونه که پیش‌تر ملاحظه شد تصور سیاسی پوتنام به یک مدل مصرفی سیاسی دموکراتیک محدود می‌شود.

دوم اینکه مدل ما بر فرضیات مبهم متافیزیکی مبتنی نیست که یک موضوع اقتصادی، فرد محور و مصرفی را تا سطح جهانی فریه کند. بلکه برعکس، ما فرد را بیشتر یک مسأله (مقوله) تجربی می‌دانیم تا یک فرضیه فلسفی پیشین.

سوم آنکه پوتنام با یک مشکل مفهومی مواجه است و آن اینکه چگونه شبکه‌های دوجانبه موجود در جامعه می‌توانند در وهله اول با مجبور کردن افراد به ترس قربانیان خود را بگیرند و علاوه بر این با استفاده بیشتر از اینترنت مورد سوءاستفاده اعضا قرار گیرند. در مقابل، بعضی معتقدند که هویت از طریق کنش سیاسی در سطح جامعه شکل می‌گیرد و از آنجاکه سلائق از هویت جداست، اعضای جامعه همچنان صمیمانه به کنش ادامه می‌دهند. چرا که آنها انسان‌اند و دائماً در حال تغییرند. از این لحاظ، ترکیبی از نظریه هنریک بنگ مبنی بر عملکردهای روزمره به عنوان جایگاه مشارکت سیاسی و تعیین هویت سیاسی و پژوهش پاستر در خصوص اقدامات مربوط به خلق هویت، مبنای رضایت‌بخش‌تری را برای تحلیل تشکیل می‌دهند.^۱

اینترنت و فرهنگ

سازمان‌های فرهنگی و آموزشی زمانی می‌توانند ارتباط کارآمدی داشته باشند که محتوی مطالبشان "آموزنده" و به لحاظ دارابودن اطلاعات "پربار" باشد. مخاطبان چنین سازمان‌هایی نوعاً دو نیاز مجزا دارند، کسب اطلاعات ویژه در پاسخ به یک سؤال و یادگیری کلی در

¹ Civil Society and Cyber Society: Culture Governance and Democratic Politics Michael J. Alladi Venkatesh, James N. Danziger, Jensen

حالتی که سؤال مطرح نشده است و یا سوالی وجود ندارد. سازمان‌ها به عنوان قدم اولیه می‌توانند از طریق به کارگیری چند رسانه‌ای آموزش را بهبود بخشند و از طریق مدیریت محتوا، زمان و ارتباط اطلاعات به یکدیگر را بهبود بخشند. اما سازمان‌ها می‌توانند با محتوای بهتر، یعنی همزمان پراطلاع و آموزنده بوده و تأثیر بیشتری بر ارتباطات داشته باشند، و این مهم از طریق چندرسانه‌ای کردن انتقال اطلاعات و نیز داشتن مدیریت محتوا جهت حفظ این چند رسانگی امکان پذیر خواهد بود.

ماهیت دوگانه محتوا

منبعی آنلاین به منظور متمایز نمودن خود از سایر منابع اینترنتی، تشویق کاربران به پاسخگویی و در نتیجه تقویت پیام و محتوایش، باید هم پرمحتوا و هم آموزنده باشد. محتوای اطلاعاتی سایت به سئوالات بازدیدکنندگان در خصوص مسائل و موضوعات خاص پاسخ می‌دهد. در عین حال، محتوای آموزشی، اطلاعات مربوط به یک یا چند موضوع را منتقل می‌کند و به منظور رفع نیاز مخاطبان خاص (مثلاً دانشجویان) طراحی شده است. محتوای اطلاعاتی معمولاً از طریق متن فشرده و نمودار عرضه می‌شود، حال آنکه محتوای آموزشی برای تحقق اهدافش از طریق تعامل، تعدیل و احتمالاً امکانات چندرسانه‌ای به عرضه اطلاعات می‌پردازد.

در واقع، نقطه تمایز این دو نحوه انتقال اطلاعات است. محتوای اطلاعاتی در واقع پاسخ به سؤال کاربر است، حال آنکه هدف محتوای آموزشی، مخاطبان مورد نظر خاص است. در واقع، محتوا بطور همزمان می‌تواند آموزشی و اطلاعاتی باشد، اما در راستای افزایش کارآمدی پیام سازمان، این تمایز باید لحاظ شود.

محتوا برای اطلاعاتی شدن، باید ساختارمند، به روز و تا حد امکان فشرده شود. وب‌سایتی که از جانب مصرف‌کنندگان به خوبی حمایت می‌شود (نمونه یک ابزار و کاربرد کاملاً اطلاعاتی) محتوا را برای بازدیدکننده‌ای که با انتخاب یک موضوع در سایت جستجو می‌کند و در پی مطالب است و آن را به عنوان یک منبع اطلاعاتی برمی‌گزیند، در دسترس‌تر قرار می‌دهد. وب‌سایتی به روز با اطلاعات فشرده که دائماً اطلاعاتش به روز می‌شود، روز به

روز بیشتر خود را به عنوان منبعی موفق معرفی می‌کند. منبعی که می‌توان دائماً برای اطلاعات به روز و مرتبط به آن مراجعه کرد.

محتوای آموزشی باید توجه بازدیدکنندگان را جلب کند (یعنی سرگرم‌کننده باشد)، آموزش را از طریق تکرار، گسترش داده و تقویت کند و نیز از طریق آزمون، نمودارهای آموزشی و غیره، روند آموزش را بهبود بخشد. این امکانات بازدیدکنندگان را تشویق می‌کند که چنانچه در آموزش موفق باشند و همچنان به موضوعات و مطالب منتقل شده علاقمند باشند، مجدداً به این منبع مراجعه خواهند کرد. در کل، پذیرفته شده که «خواندن» تنها همراه با آموختن نحوه به خاطر سپردن، مؤثر خواهد بود. به همین دلیل، استفاده از تمام حواس و عرضه اطلاعات به صورت تصویری و شنیداری به منظور جلب مشارکت مخاطب، حائز اهمیت است.

ایجاد محتوای اطلاعاتی

همانگونه که ملاحظه شد محتوای اطلاعاتی باید ساختارمند، به روز و فشرده باشد. بدین منظور مدیران سایت باید چارچوبی نظام مند برای ساختار مطالب و فرآیندی برای تولید اطلاعات و محتوا ایجاد کنند که دربردارنده موارد ذیل باشد:

- ۱- نقشه‌های سایت.
- ۲- طرح‌های ارتباطی.
- ۳- استانداردهای معتبر.
- ۴- طبقه‌بندی مطالب.
- ۵- سازماندهی مطالب.
- ۶- عوامل طراحی سایت و وظایف آنها (مترجمان/ویراستاران).
- ۷- فهرست بندی مطالب.

بدون این ساختار، ایجاد محتوا با بحران مواجه می‌شود. قرار گرفتن این اسناد در فرآیندهای مربوط به تعیین نحوه استفاده مجدد از وب‌سایت، سبک‌سازی و محتوا و نیز تشخیص چالش‌های مربوط به منابع چندزبانه را تسهیل می‌کند. بعلاوه زمانی که بسیاری از تغذیه‌کنندگان وب با هم کار می‌کنند سازمان نسبت به پرهیز از اشتباهاتی نظیر تکرار اثر یا

فرصت‌های از دست رفته که منجر به مشکلاتی در هزینه، کیفیت و زمان تحویل می‌گردد، حساس است.

بدون شک ایجاد این سیستم و اسناد آن بسیار زمان بر است. اما چنانچه از آن استقبال شود، بسیار ارزشمند است. البته حتی بهترین سیستم‌ها نیز خالی از اشکال نیستند. مشکلاتی که می‌توانند سبب آشفتگی، بحران و عدم کارایی شوند به قرار ذیل می‌باشند:

- ۱- عدم اجرای استانداردها.
- ۲- عدم کارایی پرسنل، خاصه مدیران و نویسندگان اسنادی که ساختار سایت را تشکیل می‌دهند.
- ۳- ناکافی بودن آموزش پرسنل جدید.
- ۴- عدم بروز کردن اسناد.

بدون اجرای استانداردها، به مرور زمان، این منبع آن‌لاین روز به روز دچار بی‌نظمی در ساختار خواهد شد. عوامل تقویت‌کننده و تولیدکننده محتوا ممکن است در قرار دادن برخی مطالب دچار اشتباه شوند یا مطالبی تهیه کنند که با استانداردهای موجود ناسازگار باشد و کاربر را گیج کند. با در نظر گرفتن ارزش حافظه رسمی عوامل تولیدکننده محتوا، این عوامل ممکن است مورد استفاده قرار گیرند و یا ناکارآمد باشند.

رفع این مشکلات در گروهی استفاده از راهکار مدیریت محتوا است. راهکار مدیریت محتوا نه تنها ایجاد XML، HTML و سایر اسناد وب را آسان‌تر می‌کند، بلکه به یک مجموعه یا سازمان امکان می‌دهد تا به سرعت قواعد خود را کدگذاری کنند و چارچوب نظری، استانداردهای معتبر، کارگزاران، حتی افراد را برای تحولات آینده آماده می‌کنند. در این صورت عواملان تهیه‌کننده محتوا می‌توانند بدون اشتباه در مورد ساختار محتوا و ملزومات مربوط به روش، مطالب را بنویسند و زمان آموزش هنگامی که پرسنل جدید به خدمت گرفته می‌شوند یا در زمانی که تغییرات سازمانی، عملکرد و در نتیجه چارچوب نظری اولیه را تغییر می‌دهند، کاهش می‌یابد.

از آنجا که محتوا (مطالب) در یک پایگاه داده‌ها ذخیره شده است، راهکار مدیریت محتوای خوب امکان جستجوی مطالب را در سراسر سایت فراهم می‌کند. این مطالب را می‌توان در فرمت‌های دیگری نظیر فرمت‌های چندرسانه‌ای، HTML، PDF، XML با هر فرمت دیگری مجدداً ذخیره کرد. این بدان معنا است که محتوا از نمایش تصویری آن جداست.

راهکار مدیریت محتوای موفق، راهکار مدیریت محتوایی است که بتواند عوامل را طوری ساماندهی کند که یک سند تا تکمیل و انتشار، مراحل از پیش تعیین شده را به ترتیب طی کند. ویژگی‌های کارگزاری راهکار مدیریت محتوا به منظور هماهنگ کردن عوامل تعیین‌کننده محتوا بسیار ضروری است، آنچنانکه هیچ مطالبی از قلم نیفتد و مطالب همواره جدید و به روز باشند.

سرانجام و از همه مهمتر اینکه استفاده از راهکار مدیریت محتوا باید آسان باشد، چنانکه ایجاد مطالب جدید در ساختار از پیش تعریف شده به راحتی امکان‌پذیر باشد. این امر مستلزم آن است که کاربر به تغذیه‌کنندگان کمک تصویری کند و آنچه شما می‌بینید همان است که دریافت می‌کنید.

سازمان‌ها با بهره‌گیری از راهبرد مدیریت محتوای انعطاف‌پذیر InsightBuilder و نیز یک تیم طراحی مجرب در تلفیق چندرسانه‌ای با راهکار مدیریت محتوا می‌توانند با وبسایت‌های خود به نتایج مشابهی دست یابند و تجربیات آموزشی و اطلاعاتی مفیدی برای کاربران فراهم کنند.

البته، جمع‌آوری یک تیم طراحی و راهکار مدیریت محتوا - چه از بیرون و چه از همکاران داخلی - خود، بخشی از این چالش است. ایجاد استانداردهای مفید، مناسب، منطقی و منسجم برای تدوین محتوای و نیز افرادی که این محتوا را می‌نویسند نخستین گام ضروری است که پس از آن، چندرسانه و یک راهکار مدیریت محتوای خوب خواهند توانست کار خود را به خوبی به انجام برسانند.^۱

¹ Bringing Culture to the Internet - Combining Multimedia and Content Management Jean Sommier Robert Molnar, Mark J. Jaklorsky, Jr

اینترنت و گفتگوی فرهنگها

آلن کاوسان ماهیت شکاف دیجیتالی را تشریح می‌کند و درخصوص اینکه چگونه پتانسیل اینترنت می‌تواند در حوزه آموزش و ارتباطات بین فرهنگی میان نیمکره شمالی و جنوبی از قوه به فعل درآید به بحث و بررسی می‌پردازد.

در مدت ده سال گذشته اصطلاح شکاف دیجیتالی به روشی مشابه برای بیان تغییرات گسترده در دسترسی به فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در سراسر جهان تبدیل شده است. شاید در مورد معنای این اصطلاح، و شاخصه‌های ترسیم آن هنوز اختلاف نظر وجود داشته باشد، اما شکی وجود ندارد که کشورهای درحال توسعه، و خاصه آفریقا، بسیار از کشورهای صنعتی در استفاده از فناوری‌های دیجیتالی، خاصه اینترنت عقب مانده‌اند. نکته مهم در گزارشات اولیه مربوط به شکاف دیجیتالی، نابرابری در توزیع و دسترسی به ساختارهای فناوری بود. بسیاری از کشورهای آفریقایی به منظور توسعه اقتصادی و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و کم کردن این شکاف، اقدام به طرح استراتژی‌های مختلفی کرده‌اند. این استراتژی‌ها در کل بر تحولات بنیادین تأکید دارند: برای مثال، سیاست‌های آموزشی، بر امکانات سخت‌افزاری مبتنی است و چندان توجهی به مسائل مربوط به نحوه استفاده از فناوری ندارند.

عمده‌ترین تلاش جهت سنجش شکاف دیجیتالی توسط یونسکو و در قالب شبکه اوربیکام صورت گرفته است. این پژوهش از حد یک تعریف مختصر از شکاف دیجیتالی فراتر رفته تا دستاوردهای آموزشی و نیز استفاده از فناوری را مورد بررسی قرار دهد. این پژوهش مفهوم دولت اطلاعاتی را ساخته که مجموعه‌ای است از شبکه‌های اطلاعاتی، آموزش و مهارت‌ها، و به طور فشرده استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات را در خود دارد. این پژوهش، بر داده‌های سال ۲۰۰۱ مبتنی است، و نشان می‌دهد که کشور سوئد با امتیاز ۲۳۰/۵ و کشور چاد با امتیاز ۵/۲ به ترتیب از لحاظ توسعه و کیفیت دولت اطلاعاتی بیشتر و کمترین‌اند. هنگامی که شبکه‌های فیزیکی (یعنی طیف امکانات زیرساختی) را به تنهایی مورد ارزیابی قرار دهیم، در می‌یابیم که در این صورت تفاوت بین توسعه‌یافته‌ترین و عقب‌افتاده‌ترین کشور بهتر

مشخص می‌شود تا اینکه بخواهیم براساس نمایه کلی دولت اطلاعاتی این تفاوت را تشخیص دهیم. در مقایسه با کشور میانمار با امتیاز ۰,۸ که عقب مانده ترین کشور است، کشور هلند با امتیاز ۳۷۸,۹ توسعه یافته ترین شبکه‌ها را در اختیار دارد.

شکاف فرهنگی

این طبقه‌بندی‌ها به ما در فهم یک رابطه کلی بین توسعه اقتصادی و گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات کمک می‌کنند، آنها فاصله‌ای را پوشش می‌دهند که محتوای آن به مرحله ارتباطات رسیده و این فاصله در شکاف یکسانی میان رسانه‌ها و تولیدکننده‌های محتوا و مصرف‌کنندگان رسانه‌ها نمود می‌کند و این روند توسط سازمان‌های کشورهای شمالی تحت سیطره در آمده است. موضوعات مرجع ویژه مصرف‌کنندگان که در کشورهای جنوبی، به واسطه تلفیق لوگوها و تبلیغات به روز شده است، در جهان صنعتی تبیین شده، و مفهوم اولویت فرهنگی را دوجندان نموده و محصولات محلی را از ارزش ساقط کرده است. رسانه‌های جمعی سنتی - که اکنون توسط فرستنده‌های ماهواره‌ای تقویت شده‌اند - بر برنامه مادی متکی‌اند که تنها در کشورهای شمالی - مرکزی یافت می‌شود و توسط شمار اندکی از سازمان‌های رسانه‌ای تولید می‌شود. در دوره پیش از دیجیتالی این عدم تعادل در تماس‌های جنجالی در اواخر دهه ۱۹۷۰ برای کسب اطلاعات جدید مشهود بود، اما ثروت و دسترسی رسانه‌های غربی به جهان چنان بود که تازه‌واردین دیگر جرأت رقابت نداشتند.

لذا حتی قبل از ورود رسانه‌های دیجیتالی در دهه ۱۹۹۰ یک شکاف آنالوگی مشخص بر حسب تولید محتوا و دسترسی به فناوری‌های رسانه‌ای قدیمی نظیر رادیو، تلویزیون و تلفن وجود داشت. افزون بر نابرابری در دسترسی (یعنی دسترسی در مصرف) نابرابری‌های ساختاری در تولید وجود داشت، و بر سر جای خود باقی بود که بوسیله سازمان‌های رسانه‌ای غربی به تسلط بر مبادلات برنامه‌های خبری، تلویزیونی و فیلم‌ها در سطح جهان ادامه دهند. با این روند شکاف دیجیتالی چیز جدیدی نیست، با این وجود این اصطلاح معنایی نمادین نیز پیدا کرد و در بافت فناوری‌های جدید کار خود را آغاز کرد که بارقه مباحثات اخیر را در خصوص نظم اطلاعات جدید فرونشاند.

پتانسیل رسانه‌های دیجیتالی

توزیع نابرابرانه رسانه‌ها در دوره مشابه که خبرهای کلیشه‌ای و ارزش‌های خبری که به نژاد پرستی در این قاره بحران زده منجر شد، تأثیرات جنگ، قحطی و بیماری همگی عوامل و نشانه‌های توزیع ناعادلانه رسانه‌ها در آفریقا بودند. شاخص‌های رسانه‌های دیجیتالی و بویژه اینترنت به گونه‌ای می‌باشند که این نمایه‌ها می‌توانند در مسیری که این شاخص‌ها در حوزه آنالوگ غیرممکن بودند، به چالش کشیده شود. دو مشخصه مهم فناوری‌های دیجیتالی توان تحول آن را افزایش می‌دهند. سیستم‌های پخش آنالوگ توسط تحریم‌ها و مقررات عمدتاً ممنوع می‌شوند، حال آنکه ظرفیت فوق‌العاده اینترنت فضای کافی را برای شنیدن آراء مختلف فراهم می‌کند. برای مثال، موتور جستجوگر گوگل، اکنون نمایه‌ای بالغ بر هشت میلیارد صفحه وب دارد. پروژه تحقیقاتی در دانشگاه کالیفرنیا واقع در برکلی تخمین می‌زند که هر ساله اطلاعات جدید معادل با ۳۷۰۰۰ کتابخانه که برابر با اندازه کتابخانه کنگره ایالات متحده می‌باشد تولید می‌شود. بیش از ۱۹ درصد از این اطلاعات جدید به صورت دیجیتالی، و یک دهم از یک درصد از این اطلاعات جدید به صورت مکتوب ذخیره می‌شود.

دومین مشخصه کاستن شدید موانع مالی است. این عوامل روی هم رفته امکانی برای دموکراتیزه کردن رسانه‌ها فراهم می‌کنند، و متعاقب آن برای اولین بار موجب برابری نرخ مبادله [ارز] بین شمال و جنوب می‌شوند. معمولاً مفاهیم دموکراسی الکترونیکی به تجربیات مربوط به سیستم‌های رأی‌گیری الکترونیکی یا دسترسی وسیع‌تر به دولت از طریق رسانه‌های الکترونیکی محدود می‌شود. اما، در این بافت، برآیندهای دموکراتیک دستاورد دسترسی گسترده‌تر به ابزارهای ارتباطی است که نظارت انحصار طلبانه رسانه‌های رسمی را به چالش می‌کشند.

اینترنت در تکامل فناوری رسانه‌ای تحولی کیفی ایجاد می‌کند آنچنان که رسانه‌های جمعی موجود را در پروتکل‌های تکنولوژیک همسان جذب می‌کند- یعنی همه را از طریق یک وسیله قابل دسترسی می‌کند. لذا، نظر به پهنای باند، یک کامپیوتر معمولی که به اینترنت

وصل است می‌تواند یک کتاب یا روزنامه، گیرنده رادیو، دستگاه تلویزیون و تلفن (با قابلیت تصویری) باشد. اما فناوری اینترنت چیزی بیش از یک دسترسی صرف به نسخه‌های دیجیتالی فناوری‌های رسانه‌ای موجود است. اینترنت ابزاری کاملاً جدید ارتباطی - یعنی ایمیل الکترونیکی - را ایجاد کرده که، به همراه پیام‌هایی که با تلفن همراه می‌توان ارسال کرد، به شدت کنش ارتباطی افراد و سازمان‌ها را متحول کرده است. ظرفیت فناوری دیجیتالی در راستای انتقال رسانه‌های موجود - گواه بر تحت الشعاع قرار دادن تلویزیون آنالوگ توسط تلویزیون دیجیتالی است که در خلال جهان صنعتی بوقوع پیوست است، می‌باشد - عامل نیرومندی برای انتشار و اشاعه هرچه سریعتر فناوری می‌باشد. هنگامی که رسانه‌ها دیجیتالی شدند می‌توانند در قلمرو اینترنت قرار گیرند، و زمانیکه سیطره اینترنت به عنوان حامل رسانه‌ها گسترش یافت، امکانات ویژه تازه واردین و حتی افرادی که به تولید کنندگان اطلاعات بدل گشتند، دو چندان گشت.

در دنیای آنالوگ افزایش تعداد افرادی که به گیرنده‌های رادیو، تلویزیون دسترسی دارند، بیانگر رشد روزافزون مخاطب‌های رسانه‌های جمعی و مخاطب‌های مبلغان است. در دنیای دیجیتالی افزایش تعداد افرادی که به شبکه دسترسی دارند بیانگر چیزی بیش از این است، دنیای دیجیتالی ظرفیت روزافزونی برای ایجاد اشکال جدید ارتباطی و نیز ایجاد محتوا و مطالب جدید دارد.

لذا مهمترین ویژگی اینترنت برحسب دلالت بر عدم تعادل فرهنگی میان کشورهای شمال و جنوب، عامل بالقوه‌ای برای تولید رسانه‌ها و استفاده از آن است. تمام رسانه‌های پیشین یک به چند (مثل روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون) و یا یک به یک (مثل تلفن) بوده‌اند. رسانه‌های یک به چند به واسطه مقررات سخت دولتی، یا موانع حاد مالی، یا به واسطه هر دو موارد، مشخص می‌شوند. در مقابل اینترنت وسیله ارتباطی یک به چندی است که موانع بسیار کمی بر سر راه ورود به آن وجود دارد و نظارت و تنظیم آن اگر نگوئیم غیرممکن است، دست کم دشوار می‌باشد. کاربر با وجود یک کامپیوتر دست دوم و یک نرم‌افزار رایگان می‌تواند در اینترنت با ۶ میلیارد نفر ارتباط یابد آنهم با هزینه‌ای کمتر از ۵۰۰ دلار.

تجارت در اینترنت به یکی از موفق‌ترین تجارت‌ها تبدیل شده است. در اقتصاد سنتی افراد مجبور بودند برای کسب سود در پی بازارهای بزرگ باشند، اما در اقتصاد اینترنتی تاجران موفق آن‌لاین، نظیر آمازون همراه با برنامه جانبی اش و ای بی دریافت‌اند که سود در ایجاد بازارهای کوچک و کوچک‌تر است و در این بازارها میلیون‌ها فروشنده در پی یافتن راهی برای جدا نمودن بخشی از درآمد حاصل از هر معامله هستند. شاخصه‌های اینترنت این امکان را فراهم می‌کند که میلیون‌ها نفر در سراسر جهان به صورت ارتباطات یک به یک یا یک به چند بازارهای کوچکی را با هزینه کم ایجاد کنند.

دلیل شهرت آمازون و ای بی موفقیت آنها در بکارگیری کارایی اینترنت در الگوهای تجاری‌شان بوده است. در انجمن‌های اطلاعاتی که اینترنت ایجاد کرده است اگرچه این روند کمتر مشهود است، اما آنچه از نقطه نظر استدلالی حائز اهمیت است، این است که گسترش فوق‌العاده جوامع اطلاعاتی خاص مرهون اینترنت است. صدها و هزاران گروه ویژه از طریق بکارگیری ایمیل، بوردهای خبری، بلاگ‌ها (وبلاگ‌ها و مجلات شخصی) و اتاق‌های چت پدید آمده‌اند. توسعه ناهمگون اینترنت به این معنا است که تا کنون این جوامع اطلاعاتی جدید در جهان صنعتی بیشتر نمایانگر منافع می‌باشند، در حالی که توسعه دسترسی به اینترنت در کشورهای جنوبی سرآغازی برای تغییر این روند می‌باشد.

این ویژگی و شاخص‌های اینترنت افقی از آغاز ایجاد محتوا را برگروه بیشتری از کاربران نسبت به قبل گشوده است - یعنی ساکنان کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی با گذار از رسانه‌های جمعی و ارتباط مستقیم با دیگران، این امکان بوجود آمده است که کاربران خود را نمود دهند. اما بین ظرفیت فناوری و شرایط عینی که این ظرفیت و توانایی را مشخص می‌کند فرسنگ‌ها فاصله است. اما، پیش از هر چیز، لازم به ذکر است که آموزش به جای آنکه در اقتباس فناوری‌های جدید پیش قدم و رهبر باشد، از همه عقب‌تر است. با نگاه به گسترش فناوری‌های دیجیتالی جدید در قاره آفریقا مشهود است که قالب فناوری‌های موجود توسط بخش خصوصی راه‌اندازی شده، و بیشتر توسط ارتباطات نامنظم دولتی تسهیل شده‌اند تا سطوح عالی ابتکارات و استراتژیها.

بکارگیری اینترنت و فناوری‌های وب به مثابه ابزارهای خلاق در امر آموزش نشانگر گذر از رویکردهای کهنه به سوی رویکردهای کامپیوتری است که همانند ماشین آموزش عمل می‌کنند و معلمان در این وسیله ترس خود را در مورد از بین بردن خلاقیت ابراز می‌کنند یعنی معلمان معتقدند که کامپیوتر خلاقیت را از میان می‌برد. کامپیوترها به مثابه ابزارهای تولید محتوا و خلاقیت و ارتباطات با گروه‌ها امکان همکاری و تبادل اطلاعات را می‌دهند که در سایه آن مهارت‌های اجتماعی و یادگیری افراد بالا می‌رود.

اولین مشکل در بکارگیری این دیدگاه، نابرابری‌های ساختاری است که علت آن تعاریف محدود از شکاف دیجیتالی است. مدارس جنوب از دسترسی به اینترنت محروم‌اند و این در حالی است که دسترسی به اینترنت در مدارس کشورهای صنعتی یک امر معمولی است. اهمیت این قضیه از آن روست که قیمت دسترسی به اینترنت از ماهواره بسیار گران است، ماهانه برای ارتباط VSAT ۴۵۰ دلار و برای ارتباط mb/s نیز ماهانه ۱۲۸ دلار است که تقریباً ۴۰ برابر هزینه استفاده از فناوری باندپهن ADSL در کشورهای صنعتی است. با در نظر گرفتن اختلافات موجود در سرانه سود ناخالص ملی، در شرایط واقعی هزینه دسترسی به اینترنت ۶۰۰ برار پرهزینه‌تر از اتصال به پهنای باند در قاره آفریقا در مقایسه با کشورهای عضو توسعه اقتصادی می‌باشد.

حتی در مدارس آفریقایی که بچه‌ها در آزمایشگاه‌ها به کامپیوتر و شبکه دسترسی دارند- و در واقع جزو مدارس راهنمایی تیزهوشان به شمار می‌روند بسیاری از آنها در مورد نصب و به کارگیری آن تقریباً هیچ نمی‌دانند. کامپیوترها صرفاً به برنامه‌ها و واحدهای درسی فناوری اطلاعات محدود شده است، و یادگیری آن به یک حرفه تبدیل شده است. تنها تعداد اندکی از معلمانی که در حوزه فناوری اطلاعات تخصص دارند، از کامپیوتر و شبکه سردرمی‌آورند. بکارگیری ظرفیت و توان شبکه در تمام ارتباطات مستلزم تحول در فهم ایده ارتباطات فعال و بکارگیری فناوری است، در واقع این امر مستلزم حرکت از ادبیات کامپیوتری- توانایی در استفاده از کامپیوتر- به سوی ادبیات شبکه‌ای- با داشتن ظرفیت برای استفاده از شبکه‌های الکترونیکی به منظور دسترسی به منابع، ایجاد منابع دیجیتالی و ارتباط با دیگران است.

خلاقیت و ارتباطات برای فهم ظرفیت و توان اینترنت برای ارائه خود نمودی ضروری است، اما عمده تأکید در بحث استفاده از اینترنت در زمینه آموزش بر یادگیری الکترونیکی (کتاب درسی الکترونیکی) و تهیه اطلاعات (کتابخانه الکترونیکی) است. در مورد ظرفیت و توان فناوری‌های آموزنده خاص مانند پیام فرستادن، اتاق چت، وبلاگ‌ها چندان مطلبی گفته نشده است. دلیل این امر آن است که این فناوری‌ها بخشی از قبای زنده شبکه بشمار می‌روند، و از اینرو بلوکه نمودن دسترسی به چنین ابزارهایی برای مدارس انگلستان عمومی و رایج است. مزایای استفاده از اینترنت به مثابه یک ابزار تخصصی ارتباطی به مشکلاتش فائق می‌آید. به عنوان مثال، از منظر توسعه آموزشی در کشورهای شمالی، استفاده از شبکه و بهره‌مندی از آن در قیاس با قراردادن منابع در اینترنت بسیار منفعت‌آمیزتر است. دانش‌آموزان کشورهای شمالی برای اولین بار می‌توانند با همقطارانشان در کشورهای جنوبی وارد گفتگو شوند و بدون واسطه از نظرات آنان آگاه شوند. دانش‌آموزان جنوب هم می‌توانند در مورد زندگی روزمره در شمال از دانش‌آموزان آنجا سؤال کنند، و پیش‌فرض‌ها و هر آنچه که به طور کلیشه‌ای آموخته‌اند را در برابر تجربه همقطاران خود در بوت‌آزمایش نهند. معلمان نیز می‌توانند برای مواردی که درس می‌دهند شاهد و مدرک بیاورند و بچه‌ها را تشویق کنند که منابع دیجیتالی ایجاد کنند و آن‌ها را برای ارزیابی در اختیار همقطارانشان قرار دهند. اگر فناوری به همراه سایر فناوری‌های دیجیتالی در جای مناسب خود قرار گیرد هزینه‌های جانبی استفاده از آن چندان چشمگیر نخواهد بود.

اما، هیچیک از این موارد، به آسانی محقق نمی‌شود. محدودیت‌های شدید بر شبکه‌های مدارس انگلیسی گذاشته شده که مخالف گفتگوی بی‌واسطه است و بنابراین محدودیت‌ها، گفتگوهای اینترنتی باید بازبینی شوند و سیاست‌های جدید و سخت‌گیرانه‌ای در این مورد باید اتخاذ گردد. دسترسی به اینترنت در کشورهای در حال توسعه باید آسان‌تر، و هزینه‌ها باید تقلیل یابد. به معلمان باید مهارت‌های لازم داده شود. آنها نه تنها باید اینترنت را کامل فرا

بگیرند بلکه باید به آنها مهارت‌های وب و نحوه تسهیل ارتباط و مدیریت گفتگو نیز آموزش داده شود.^۱

اینترنت و افراط‌گرایی

پدیده اینترنت بیش از افراط‌گرایی سیاسی، به ترویج افراط‌گرایی اخلاقی که ذاتاً ویرانگر است، می‌پردازد. پیامد منطقی چنین وضعیتی فروپاشی اخلاقیات و نه یگانگی اخلاقی است. این فروپاشی به معنای بدکلمه افراط‌گرایی است، چرا که وسیله‌ای برای انتشار و ادغام ترجیحات خودساخته‌ای از هر نوع است.

کلمه افراط‌گرایی در قالب معنای مثبت و منفی آن تعریف می‌شود. افراط‌گرایی در معنای مثبت فقدان دولت و رهایی از قدرت قهری دولت می‌باشد که آنارشیست‌هایی نظیر پرودون و کروپتکین بر آن باور داشتند. معنای منفی و رایج تر افراط‌گرایی نیز بیانگر فقدان دولت است، اما در قالب شرایطی از بی‌قانونی و آشوب تعریف می‌شود. به طور خلاصه معنای افراط‌گرایی در قالب مفهوم -جامعه بدون دولت- را می‌توان به صورت یک آرمان یا یک خطر تلقی کرد. در واقع استدلال‌های افراط‌گرایانه در قالب یک آرمان هرگز جدی گرفته نشده‌اند، چرا که تصور می‌شود این آرمان‌غیرواقع‌گرایانه است. در این حالت می‌توان این گفته را درجانب‌داری از آن اظهار داشت که قدرتمندترین عامل مصیبت انسانی، در گذشته و حال، دولت‌ها بوده‌اند.

هیچ گروه تبهکاری تاکنون به ایجاد آن درجه از وحشت و رنج که به میانجی‌گری دولت‌های تحت تسلط استالین، هیتلر، مائو یا پل پوت محقق گردید، نایل نیامده‌اند. آیا این موضوع حقیقت دارد که جوامع بدون دولت به مراتب از این جوامع بدتر هستند؟ پاسخ آن دسته از مخالفان افراط‌گرایی، که این کلمه را در قالب معنای منفی آن تعریف می‌کنند این است که ما نباید به قضاوت درخصوص موهبت‌های دولت برمبنای بدترین نمونه‌های آن

^۱ Beyond the Digital Divide: Harnessing the Internet for Cross-Cultural Dialogue

بنشینیم. آنها همچنین بر این باورند که دولت در عین نامطلوب بودن، شری ضروری است، همانگونه که یک عمل جراحی با تمامی عواقب و ناراحتی‌های آن شری ضروری است. اینچنین دیدگاهی را به وضوح می‌توان در افکار «توماس هابز» یافت.

عقیده وی بر این است که دولت، که قدرت انحصاری اجبار مشروع می‌باشد، موظف است تا از جنگ افراد با یکدیگر جلوگیری به عمل آورد، عدالت را به اجرا درآورده و از بی‌گناهان و آسیب‌پذیران محافظت نماید.

افراط‌گرایان طرفدار معنای مثبت آن ممکن است اظهار نمایند که دستگاه دولت، با هر مقصود نظری برای دست زدن به ظلم و بهره‌کشی از بی‌گناهان و آسیب‌پذیران و انحصار کارآمد دولت بر قوه قهریه شرایط را وخیم‌تر می‌کند. حال پرسش افراط‌گرایان این است که آیا به وجود آوردن و حفظ کردن بنیادی اجتماعی با امکان انحرافات و ویرانگر عاقلانه است. مقصود حل و فصل کردن منازعات موجود میان افراط‌گرایان و مدافعان دولت نیست بلکه منظور این است که تصور افراط‌گرایی را می‌توان به دو طریق متفاوت مورد ملاحظه قرار داده و اینکه طرفداران برداشت مثبت از آن از بنیادهایی فکری برای دیدگاه خود برخوردارند. در این جا با سئوالی متفاوت مواجه شویم و آن اینکه آیا ظهور اینترنت گامی در جهت افراط‌گرایی نیست؟ اگر چنین باشد، ما پیش از این که از این نوع افراط‌گرایی استقبال کنیم یا از آن بهراسیم، باید جویای آن باشیم که در این مورد بخصوص کدام معنای افراط‌گرایی مد نظر است. اینترنت از دو خصلت بارز عامل بین‌الملل‌گرایی (انترناسیونالیسم) و عوام‌گرایی (پوپولیسم) برخوردار است.

خصلت بین‌الملل‌گرایی اینترنت صرفاً عامل ارتباط میان افراد ملل مختلف نیست، چراکه بسیاری از ابزارها و فعالیتهای انسانی نیز مجری همین کار می‌باشند. نکته اصلی در اینجا است که جستجو در اینترنت کاملاً نسبت به مرزهای ملی بی‌اعتنا بوده انسانهایی که تا قبل از ورود به اینترنت بایکدیگر غریبه‌اند، اما به واسطه علائق مشترک خود که هیچگونه ارتباطی به ملیت آنان ندارد، بایکدیگر پیوند می‌یابند.

در چنین حالتی فرد در تضادی شدید با اظهارات فیلسوفان «جامعه مدنی» مبنی بر جامعه‌ای با خصوصیت پیوند دادن افراد غریبه یا وحدت بخشیدن به آنان در قالب یک حکم یا حوزه سیاسی قرار می‌گیرد. از اینرو اینترنت جدا از سایر دلایل از این پتانسیل نیز برخوردار است که از لحاظ سیاسی ضدحکومت و برانداز آن باشد اما شکل این براندازی بسیار عمیق است و این وضعیت صرفاً به علت غیرقابل شناسایی بودن ارتباط جاسوسان با رهبران سیاسی آنان نیست بلکه بدان علت است که تروریستها می‌توانند در سایه امنیتی نسبی به مبادله اطلاعات و انجام تمامی تعاملات بر روی شبکه اینترنت بدون توجه بر مرزهای ملی مبادرت نمایند. با وجودی که روابط بین الملل در جهان تاکنون به صورت برقراری روابط میان دولتها بوده است، اکنون فضایی در حال رشد از تماس و همکاری به وجود آمده که دولت‌ها، حتی در هماهنگی با یکدیگر، کنترل ناچیزی بر آن دارند.

اگرچه سلطه دولت‌ها، با قدرت آنها یکسان نیست، به طور غیرمستقیم بر آن قدرت تکیه دارند، پتانسیل اینترنت در کاهش قدرت دولتها همزمان پتانسیلی برای کاهش سلطه آنها می‌باشد. از اینرو یک افراط‌گرا به احتمال زیاد با توسعه پدیده اینترنت استقبال خواهد کرد. دومین خصلت اینترنت، عوام‌گرایی یا پوپولیسم آن است. لیکن باید اذعان داشت که عوام‌گرایی اینترنت نه در مرتبه‌ای سطحی بلکه در مرتبه‌ای عمقی قرار دارد. در شرایط حاضر صلاحیتهای خاصی جهت جست و جوی اطلاعات بر روی شبکه و مشارکت در آن لازم نیست و هیچ سیستم واقعی سانسوری که مانع مشارکتها در غیاب چنین صلاحیتهایی شود وجود ندارد. با افزایش تعداد کامپیوترها در مدارس و کالجها و تأسیس کافی نت‌ها، هزینه استفاده و ورود به اینترنت، آن قدر ناچیز شده است که از آنها هم کار چندانی برای مقابله کردن با عوام‌گرایی سیستم به صورت یک کل بر نمی‌آید. این خصلت عوام‌گرایانه اینترنت موجبات بیشترین شادی افراط‌گرایان را فراهم آورده است، چرا که به نظر می‌رسد این پدیده امکان اجتماعی بین‌المللی نوینی را عرضه می‌دارد که در آن عامه‌ترین افراد نیز از امکان دسترسی نامحدود به جهان اطلاعات برخوردار شده و مستقیماً در شکل‌دهی به نظام جهان مشارکت می‌کنند. کاربران اینترنت بر مبنای علائق و گزینش‌های فردی خود عمل

کرده و بایکدیگر هم پیمان می‌شوند. اقدام به چنین کارهایی توسط مرزهای ملی یا قدرتهای مسلط بارزسی نمی‌گردد. تحقق افراط‌گرایی مثبت زمانی به وقوع می‌پیوندد که دولت‌های ناکام علی‌رغم برخورداری از قدرتهای قهار، عاجزانه به این وضعیت می‌نگرند. گرچه این تحلیل کاملاً تخیلی و بی‌اساس نیست، اما هنگامی به حقیقت مبدل می‌گردد که دسترسی نامحدود به این دانش مصادف با قدرت یافتن عامه مردم و ناتوانی در محدود کردن آن به عنوان تقلیل یافتن قدرت دولت باشد. دومین فرض این است که توانایی در مشارکت افراد در دنیای اینترنت نیز، عامل به وجود آورنده قدرت یا به عبارتی عاملی تاثیرگذار بر پیامدهای جهان واقعی باشد. نتیجه‌گیری مقدماتی که می‌توان کرد این باور است که اینترنت ویژگی‌های مثبتی برای افراط‌گرایان آرمان‌خواه دارد، اما تنها هنگامی قابل اثبات است که بررسی برخی از مفروضات تعیین‌کننده را تأیید کند. برای ذهنی که افراط‌گرایی را به عنوان شرایطی که باید از آن ترسید تلقی می‌کند، همان ویژگیهای اینترنت که افراط‌گرایان تحسین می‌کنند ممکن است نقضهای آن دانسته شود.

فرضیه دیگر آن است که اینترنت زمینه کاملاً اغواکننده‌ای برای توطئه‌های جنایتکارانه در اختیار پست‌ترین انگیزشهای انسانی قرار می‌دهد که در یک کانون متمرکز می‌گردند. تنها چیزی که در مورد این فرضیه می‌توان گفت این است که موضع بدبینانه نه ضعیف‌تر و نه قوی‌تر از موضع خوش‌بینانه است. این نظریه بر این ایده استوار است که اینترنت بیش از افراط‌گرایی سیاسی، افراط‌گرایی اخلاقی را ترویج می‌کند و اینکه افراط‌گرایی اخلاقی ذاتاً ویرانگر است. برای بررسی این موضوع لازم است تا نگاهی دقیق‌تر به ایده تربیت اخلاقی بیندازیم. در اینجا تنها طرح مختصری از مسیری فکری را ارائه می‌شود که برخی از تأکیدات نسبتاً جزئی آن بر روان‌شناسی اخلاقی تکیه دارد.

کلمه «ترجیحات» به عنوان اصطلاحی عام برای انگیزشهای انسانی استفاده می‌شود که از نوعی عنصرسنجشی مثبت نظیر اشتیاق، علاقه، کنجکاوی و غیره در مقابل عنصرسنجش منفی نظیر ترس، خشم، آشفتگی و غیره برخوردار است. «ترجیحات» به این معنا تا حدودی طبیعی می‌باشد، بدین معنی که پیش از آغاز اجتماعی شدن برخی از چنین ترجیحاتی در

انسان‌ها وجود داشته و به توضیح رفتار آنان کمک می‌کند. فرآیند اجتماعی شدن به مثابه تزکیه این ترجیحات از طریق فرآیند پذیرش تأثیرات خارجی بوجود می‌آید. از اینرو به یک معنا، ترجیح دادن، بیان نمودن خود طبیعی می‌باشد، بدون چنین ترجیحی انسان‌ها زبان نمی‌آموزند اما این ترجیح، فی‌نفسه، به معنای واقعی کلمه متنافرست، تنها با بدست آوردن زبانی توارثی و ابداع نشده است که این ترجیح را می‌توان به درستی درک کرد. از سوی دیگر کسب چنین زبانی پذیرفته شدن این ترجیح طبیعی توسط قواعد جامعه‌سنگویان زبان است. که به نظر می‌رسد مشابه مثال بالا را باید در خصوص اخلاقیات نیز بازگو نمود. تکانه‌های طبیعی که در کانون اخلاقیات قرار دارند و به عبارتی پایه فعال و اصلی خودآگاهی اخلاقی را تشکیل می‌دهند، تعریف خود را هنگامی بدست می‌آورند که در معرض پالایش مجموعه‌ای موروثی و غیرابداعی شده از ارزش‌ها و آداب قرار گیرند. شاید این تفکر اشتباه است که امور به علت وجود تمایل به آنها دارای ارزش می‌شوند، برعکس امیال ما هنگامی شکل می‌گیرند که آنها را با آنچه می‌آموزیم از طریق تجربه جمعی موروثی با آنچه ارزش تمایل داشتن دارد، یا به عبارتی ارزشمنداست، متناسب کنیم.

به عنوان مثال، علاقه به موسیقی، یک ترجیح طبیعی است، اما درعین حال علاقه که تکامل خود را به واسطه تناسب با یادگیری اشکال و ترکیب بندی‌های موسیقایی بدست می‌آورد که تجربه جمعی نشان می‌دهد که اهدافی کافی برای تحقق یافتن آن ترجیح هستند. بر این سؤال تربیت اخلاقی درسال‌های اول زندگی آشکارتر است، اما به طوری بی‌پایان ادامه می‌یابد و درهمه مرحله شکل آن مشابه است در معرض قرار داده و تعویل کردن ترجیحات طبیعی با تأثیرات اجتماعی کردن این روند پیامد بجای هماهنگ شدن ترجیحات انسان‌های در غیر این صورت جدا از هم را به وجود می‌آورد، و بنابراین به وجود آوردن جامعه‌متمدن را ممکن می‌کند. به طور خلاصه تربیت اخلاقی روندی اجتماعی شدن است. از اینرو معمولاً افراد منحرف اجتماع، نظیر قاتلان زنجیره‌ای، به واسطه سابقه روان‌شناختی خود از خود بیگانه شده‌اند. امر بارز در خصوص اینترنت شکل‌گیری آن چیزی است که از آن با عنوان «هم‌آمیزی مطلق علائق» یاد می‌شود. منظور از این اصطلاح این است که توانایی پرسه زدن

صرف در شبکه ساختار نیافته‌ای از ترجیحات است که به فرصت همسانی صرف و نه هماهنگی را فراهم می‌آورد. کاربران اینترنت این فرصت را می‌یابند که در جست‌وجوی روحیه‌های مشابه خود باشند و تأثیرات اصلاح و تزکیه‌کننده فرآیندهای طبیعی را نادیده بگیرند. این وضعیت در مسائلی نظیر شبکه‌های هرزه‌نگاری کودکان بیشتر مشهود است چرا که در آن ترجیحات شریانه گرفته منع نشده و عواملی که مانع این نوع ترجیحات می‌شوند، توسط جستجوکنندگان اینترنت نادیده انگاشته شده و تمایل آنان با دریافت پاسخ‌های تأییدکننده از جانب دیگر کاربران، تقویت می‌گردد. پیامد منطقی چنین وضعیتی فروپاشی اخلاقی و نه یگانگی اخلاقی است. این فروپاشی به معنای بد کلمه افراط‌گرایی است، چرا که ابزاری جهت انتشار و پیوند ترجیحات خودساخته‌ای از هر نوع است. یقیناً چنین وضعیتی هرگز نمی‌تواند کامل شود، چرا که میزان پایه‌ای از ارتباط مورد نیاز است و برقراری ارتباط نیز به کاربرد نوعی زبان نیاز دارد و این نیز به نوبه خود نیازمند تسلیم ترجیحات شخصی به تأثیرات اجتماعی است. علاوه بر این پیوند ترجیحات خودساخته با فعالیتی همگام نیازمند میزانی از نظم و انضباط اجتماعی است اما آنچه که این چنین روش نوین برقرار تماس میان انسانها را امکان‌پذیر می‌سازد، انتشار گسترده تر تمایلات آزاد شده، بدون تأثیرات فریخته‌کننده‌ای است که به طور طبیعی بر آنها لگام زده و آنها را محدود می‌سازد.^۱

اینترنت و شکاف دیجیتالی

چنانچه شبکه اینترنت در آینده به کانون جهانی داد و ستد مبدل گردد، در آن صورت چه سرنوشتی در انتظار میلیون‌ها نفری خواهد بود که اتصال به اینترنت برای آنان امکان‌پذیر نیست. شاید هرگز نتوان پاسخ این سوال را بدست آورد.

دگرگونی یک شبکه اسرار آمیز دولتی و نفوذ آن در سیستم ارتباطات جهانی، تبادل اطلاعات و بازارهای تجاری، اینترنت را به عنوان منشاء شکافی عظیم میان کشورهای صنعتی و در

^۱ Anarchy and the Internet, Gordon Graham

حال توسعه مطرح ساخته است. اصطلاح شکاف دیجیتالی صورت مختصری برای بیان نابرابری‌های بین‌المللی در زمینه دسترسی به تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات می‌باشد. به عبارت دیگر می‌توان اذعان داشت تا اندازه‌ای شکاف مذکور نشانه‌ای از تهدید قدرتهای نیرومندی است که جهان را در قرن بیست و یکم به پاره‌ای نابرابر از نظر دسترسی به اطلاعات تقسیم می‌کنند.

برخی استدلال می‌کنند نیروهای مذکور موجب شده‌اند اغلب ملل جهان در دام عقب ماندگی دائمی گرفتار آیند. همچنین درگیریهای منطقه‌ای می‌تواند روحیه هر ملتی را تضعیف کرده و گرفتاریهای فراوانی را به بار آورد. هرچند شواهدی دال بر نقض عملکرد جهانی درخصوص دسترسی به تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات وجود دارد، با این وجود برخی ناظران از اینترنت به عنوان عامل بالقوه‌ای برای نجات مردم عقب مانده جهان نام می‌برند.

این قبیل ناظران خوشبین استدلال می‌کنند شیوه اقتصادی جهانی به گونه‌ای دگرگون شده که به ایجاد فرصتهای جدیدی برای تولید ثروت منجر گردیده و برای بهره‌برداری از یک چنین فرصتهایی، چاره‌ای جز استفاده از شبکه جهانی اینترنت وجود ندارد.

ارتباط با شبکه جهانی اینترنت در اغلب مناطق جهان کاری بس دشوار است. درحالیکه ساکنان نیویورک در اندیشه ارتقای سیستم ارتباط با اینترنت از طریق تلفنهای متعارف با سیستم باند پهن هستند، اغلب ساکنان کشورهای در حال توسعه از شنیدن صدای بوق آزاد تلفن محروم بوده‌اند چه برسد به اینکه از ماوس یا موتور جستجوگر اینترنتی استفاده کنند. دسترسی میلیونها نفر از ساکنان کشورهای یاد شده به اینترنت، می‌تواند به طرق مختلف موجب بهبود زندگی آنان گردد. اما به نظر می‌رسد تحقق این امر کاری بس دشوار و طاقت فرسا می‌باشد. با این همه تعداد افرادی که پذیرای این چالش بوده‌اند، روز به روز در حال افزایش است.

کارآفرینان فعال برای پیشبرد اهداف خود که بر عدالت و انصاف در زمینه برنامه‌های جهانی گسترش قدرت استفاده از اینترنت برای تمامی ملل دنیاست مبتنی است، ازهیچگونه کمک

مالی و حمایت معنوی مضایقه ندارند. اما با این حال هیچ یک از افراد یاد شده توقع ایجاد یک مدینه فاضله را نیز درس نمی‌پروراندند. در اکثر موارد، اقدامات انجام شده هیچ گونه سود مادی برای آنان در بر ندارد و آنها صرفاً به تحقق اهداف خود می‌اندیشند.

کارلسون پس از چهار سال فعالیت برای بانک جهانی، پیرامون برنامه های آموزشی پایه در بامکو پایتخت کشورمالی، به تاسیس موسسه (ورلدلینکس) مبادرت نمود. در زمان بازگشت وی به واشنگتن در تابستان ۱۹۹۶، اینترنت واقعاً با رشد چشمگیری همراه بود.

وی می‌گوید: گذشت زمان طولانی در یک کشور در حال توسعه موجب گردید تا به مشکلات عادت کنم، اما رشد خارق العاده اینترنت در همین مدت مرا به فکر واداشت. کارلسون در تابستان ۱۹۹۶ چندین بار از مدارس منطقه واشنگتن دی سی بازدید به عمل آورده و مشاهده کرد که چگونه تکنولوژی به دگرگونی روشهای یادگیری کودکان منجر شده است.

وی بر اساس مشاهدات خود می‌افزاید: برای من محرز شده است که اگر بانک جهانی تمام فعالیت خود را بر آموزشهای پایه ای ساکنین کشورهای فقیر و آفریقایی متمرکز سازد، مدت ۲۵ سال به طول خواهد انجامید تا تمامی این افراد از دوره آموزش ابتدایی همگانی برخوردار شوند که در صورت تحقق نیز تمامی مشکلات آنان حل نخواهد شد.

مسئله اصلی که در قالب ماموریت جدید کارلسون تجلی یافت، دسترسی کودکان کشورهای در حال توسعه به اقتصاد مبتنی بر دانش بود. از اینرو، هدف اساسی موسسه ورلد لینکس آموزش معلمان و دانش آموزان کشورهای در حال توسعه برای استفاده از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات به منظور بهبود روشهای آموزش و یادگیری است.

مبارزه برای دستیابی به هدف یاد شده منوط به حل یکسری مسائل به هم پیوسته به شرح ذیل است:

تجهیز مدارس به شبکه اینترنت.

تهیه و تدارک کامپیوتر و نگهداری از آن.

آموزش مربیان و تهیه ابزار آموزشی مناسب.

پیچیدگی وظیفه مذکور، موسسه ورلد لینکس را برآن داشت تا به منظور از میان بردن شکاف دیجیتالی، راهبردی منسجم اتخاذ نماید. مشاوره و تدارک کمکهای مادی، حداقل اجزای تشکیل دهنده راهبر یاد شده هستند. کارلسون که در زمینه آموزش و پرورش نیز از تجربیاتی برخوردار است، به ویژه درخصوص امر آموزش احساس نگرانی می کند و می گوید:

وقتی تمامی تجهیزات لازم برای نصب کامپیوتر در کلاسهای درس فراهم آمد، در این صورت مشکل ترین بخش کار یعنی آموزش مربیان، مدیران مدارس و دانش آموزان فرا می رسد. ما باید به این افراد آموزش دهیم چگونه می توانند از تکنولوژی یاد شده به طرز مفید و ثمر بخشی استفاده نمایند.

در حال حاضر، موسسه ورلد لینکس در ۲۶ کشور در حال توسعه شامل ۱۲ کشور آفریقایی و خاورمیانه، ۷ کشور در آسیا و ۷ کشور در اروپا و ۷ کشور نیز در آمریکای لاتین - فعالیت دارد. موسسه فوق معمولاً به آغاز فعالیتهای خود در کشوری جدید با اجرای یک پروژه آزمایشی در تعدادی از مدارس آن کشور شروع مبادرت می نماید. به نحویکه مدارس یادشده از تمامی امکانات پروژه آزمایشی از قبیل کامپیوتر، برقراری امکان ارتباط با اینترنت و آموزشهای لازم برخوردار می گردند.

هدف نهایی از اجرای برنامه های فوق این است که مقامات محلی یا از محل اعتبارات دولتی و یا بواسطه جلب حمایت مالی وام دهندگان بین المللی در جهت گسترش اینگونه پروژه ها در سطح کشور ترغیب شوند. در تضاد با راهبرد جامع و کاملی که از سوی موسسه ورلد لینکس اتخاذ شده، موسسه (Schools Online) مستقر در سنخوزه کالیفرنیا حداکثر تلاش خود را به مسئله اتصال به اینترنت متمرکز نموده است. موسسه اسکولز آن لاین در سال ۱۹۹۶ توسط گروهی از دست اندرکاران تکنولوژی پیشرفته تاسیس گردید. موسسه اسکولز آن لاین اساساً به منظور نصب اینترنت در مدارس مناطق محروم آمریکا تاسیس و آغاز به کار نموده است. موسسه مذکور در اواسط سال ۱۹۹۹ از طریق مشارکت با شرکت ورلد لینکس و دیگر سازمانهای غیرانتفاعی که در این زمینه فعالیت می کردند، کوششهای خود را متوجه کشورهای در حال توسعه نیز نمود.

شرکت اسکولز آن لاین در حال حاضر از طریق نامه‌های الکترونیکی که از آفریقای جنوبی دریافت می‌دارد، به راه‌اندازی پروژه آزمایشی چهار مدرسه در منطقه کمک می‌کند.

شرکت اسکولز آن لاین برای تداوم فعالیت مراکز اینترنتی فوق، معلمان محلی را آموزش داده و از مقامات منطقه‌ای دعوت می‌کند تا برای اطمینان یافتن از اتصال به اینترنت از اینگونه اماکن بازدید به‌عمل آورند. موسسه یادشده تا اواخر سال ۲۰۰۱، حدود ۱۹ پروژه آموزش اینترنت را در کشورهای در حال توسعه، آمریکا، اسپانیا، فلسطین و ژاپن راه‌اندازی کرده است. برنامه مذکور به‌شدت بر مسئله تامین سخت‌افزارهای کامپیوتری تاکید دارد.

کامپیوترهایی که توسط موسسه ورلد کامپیوتر اکسچنج به کشورهای در حال توسعه ارسال می‌گردد از سوی شرکتهای بازرگانی اهدا شده‌اند. کامپیوترهای ارسالی دست دوم و در عین حال مفید و کارا هستند. دستگاههای مذکور توسط اندرسون و کارکنان داوطلب وی مجدداً تعمیر و بازسازی می‌شوند. شرکت ورلد کامپیوتر اکسچنج تا اواسط نوامبر ۲۰۰۱ با ۸۶۹ مدرسه در ۲۴ کشور جهان در این خصوص همکاری داشته است.

همچنین موسسه مذکور کانتینرهای چهل فوتی حاوی حدود ۳۸۰ دستگاه کامپیوتر، مانیتور، ماوس و تجهیزات گوناگون شبکه‌های کامپیوتری را، برای استفاده گروهی از مددکاران اجتماعی به مناطق روستایی نپال و همچنین به برنامه‌های توسعه پایدار سازمان ملل در کامرون و بنین و برای یک‌گروه بین‌المللی کمک‌رسانی در نیجریه و آنگولا و نیز پروژه انجمن کامپیوتر برای مدارس در شهرگواي هندوستان ارسال نموده است.

علاوه بر این، در اوائل سال ۲۰۰۰ نیز محموله دیگری به بنگلادش، اوگاندا و ایالت گجرات (هندوستان) ارسال گردید.

اندرسون به گزارش اخیر موسسه برجیس یک سازمان بین‌المللی غیردولتی است که به ارزیابی ابتکارات و سیاستهای رفع شکاف دیجیتالی پرداخته و می‌گوید: در گزارش مذکور مسئله دسترسی واقعی به اینترنت مطرح گردید که این امر خود فراتر از دسترسی فیزیکی به اینترنت است. دسترسی واقعی به اینترنت این امکان را برای مردم فراهم می‌آورد که با استفاده از تکنولوژی به‌نحو موثری سطح زندگی خویش را ارتقاء دهند.

در هر صورت، شرکت ورلد کامپیوتر اکسچنج در عوض صرف اهم تلاش خود در جهت مونتاژ تمامی قطعات لازم برای دسترسی به اینترنت، سعی دارد با اتکاء برشرکای اصلی و دریافت‌کنندگان کامپیوترهای خود، تعداد زیادی از معضلات اجرای پروژه را حل کرده و بر مشکلات کار فائق آید. موسسه یادشده و شرکای اصلی آن همواره برای کاربران کامپیوترهای خود، توصیه‌هایی پیرامون چگونگی تداوم فعالیت پروژه ارائه می‌کنند که از آن جمله می‌توان به سالم نگه‌داشتن کامپیوترها، شبکه و نحوه استفاده درست از آن اشاره نمود

همچنین این شرکت برای تعمیم روحیه پاسخگویی درمیان کاربران، متعاقباً برنامه‌های دریافتی را از طریق شبکه اینترنت برای بررسی و درک آن توسط مردم دردسترس آنان قرار می‌دهد. در واقع با استفاده از درآمدی که از طریق روند تجاری فوق به‌دست می‌آید، می‌توان هزینه‌های جاری اتصال به اینترنت را پرداخت کرد. این چنین روندی به نفوذ اینترنت در اقشار مختلف مردم و توسعه محلی آن منجر می‌گردد.

پدیده شکاف دیجیتالی

آیا تمامی شور و اشتیاقی که نسبت به کامپیوتر و اینترنت ابراز می‌گردد بیجا و بی‌مورد است. آیا برطرف نمودن شکاف دیجیتالی سزاوار چنین توجه ویژه‌ای است. اعداد و ارقام، آشکارا نشان‌دهنده این واقعیت می‌باشند که میزان دسترسی به اینترنت و همچنین تعداد خبرگان علوم کامپیوتری به‌نحوی نابرابر در میان ملل کشورهای جهان متفاوت می‌باشد.

این امر مسئله غیرمترقبه‌ای نیست، زیرا درجهان امروز دسترسی به دانش اغلب محدود است. براین اساس، علت اهمیت فوق‌العاده تکنولوژی اطلاعات مشخص می‌گردد. این در حالی است که برخی ناظران معتقدند درجهان امروز، تکنولوژی اطلاعات مسئله‌ای چندان مهم و ضروری محسوب نمی‌شود.

هرگاه اینترنت بتواند از عهده حل مشکلات فوق برآید، آنگاه ضروری خواهد بود که هر فرد یک کامپیوتر در اختیار داشته باشد. ضمناً باید در نظر داشت تکنولوژی با سرعت مناسبی در حال پیشرفت است. تعداد کمی از افراد درگیربحث شکاف دیجیتالی هستند و این امرگویای

آن است که گرسنگی، جنگ و بیماری ایدز موضوعاتی به مراتب مهمتر از دسترسی به اینترنت تلقی می‌شوند.

در هر صورت، اغلب اوقات استدلال می‌شود که تکنولوژی اطلاعات می‌تواند موجب تقویت فعالیت‌هایی گردد که در جهت حل مشکلات فوق و مسائل اساسی دیگر صورت می‌گیرد. در گزارشی که طی می‌سال ۲۰۰۱ پس از اجلاس سران ۸ کشور صنعتی جهان در اوکیناوا ژاپن انتشار یافت، به بهترین وجهی، دیدگاه مقامات رسمی کشورهای یادشده در خصوص اهمیت تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات برای توسعه اقتصادی تشریح شده است. زمانیکه از این تکنولوژی به نحو معقولی بهره‌برداری شود، می‌توان به نتایج امیدوارکننده‌ای دست یافت. در این گزارش همچنین آمده است که تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات فرصتهای فراوانی را برای محدودساختن نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی و نیز حمایت از ایجاد ثروتهای منطقه‌ای فراهم می‌آورد. بنابراین، تکنولوژی یادشده، سازمانهای بین‌المللی را جهت نیل به اهداف توسعه‌ای که برای کشورهای مختلف برنامه‌ریزی کرده‌اند، به‌طور همه‌جانبه‌ای یاری می‌دهد. البته باید به این مسئله اذعان داشت که تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات نمی‌تواند به‌عنوان یگانه داروی شفابخش تمامی مسائل و مشکلات مربوط به توسعه مطرح شود. اما به‌هرحال به‌میزان قابل توجهی موجب بهبود ارتباطات و تبادل اطلاعات را فراهم می‌آورد. مقامات محلی قادر خواهند بود تا بدین طریق، شبکه‌های قدرتمند اقتصادی و اجتماعی تشکیل داده و از آنها با عنوان پایگاه‌های عمده‌ی نیل به پیشرفتهای اساسی در زمینه توسعه یاد نمایند.

فعالان و اندیشمندان دانشگاهی که درگیر مسئله از میان بردن شکاف دیجیتالی هستند، ادعاهای مشابهی دارند، علی‌رغم اینکه با زبانی غیر رسمی آن را بیان می‌کنند. کارلسون-بنیانگذار شرکت ورلدلینکس-براین باور است که کمک به کودکی که به واسطه ابتلا به بیماری ایدز در حال احتضار است به‌وضوح از توانمند ساختن کودکان در استفاده از کامپیوتر مهمتر است.

وی همچنین می‌افزاید: تدارک برای دسترسی به آموزش و پرورش و ارتباطات به‌منظور دست‌یافتن به منابع اطلاعاتی می‌تواند در برطرف‌ساختن موانع ناشی از جنگ، گرسنگی و مبارزه با بیماری‌های ایدز کارگشا باشد. این شیوه می‌تواند به‌عنوان بخشی از راه حل مبارزه با مشکلات توسعه‌ای به‌شمار آید. رئیس شرکت اسکولز آن لاین اظهار می‌دارد: استفاده از شبکه جهانی اینترنت سبب می‌شود اطلاعات و ارتباطات لازم با دیگر جوامع بشری و مردم دنیا برقرار گردد. این شبکه به‌نوبه خود ابزار قدرتمندی است که با استفاده از آن، می‌توان در برابر بسیاری از بحرانها مقاومت کرد. در حال حاضر شبکه مذکور از موقعیت بی‌نظیری برخوردار است.

هیسر هادسون رئیس برنامه سیاستگذاری و مدیریت ارتباطات از راه دور دانشکده مدیریت دانشگاه سان فرانسیسکو جریان فعالیت کارلسون را تشریح نموده و می‌گوید: بهترین مثالی که می‌توان در زمینه فعالیتهای تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات مطرح کرد، فعالیت مدیر اکوادوری تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات است. کشاورزان مزرعه‌ای به وی اطلاع دادند که بروز آفت خاصی به نابدی محصول سیب‌زمینی آنها منجر شده است. آنها از وی درخواست کمک کردند و حتی جهت دریافت کمک از وزارت کشاورزی به سمت شهر کیتو (پایتخت اکوادور) رهسپار شدند. اما هیچگونه جواب مساعدی دریافت نکردند. مدیر این پروژه یک پیغام اینترنتی در خصوص مشکل پیش آمده به‌همراه چندین پیشنهاد راهبردی که کشاورزان بتوانند با استفاده از آن آفت مذکور را در عرض یک روز نابود سازند، از طریق شبکه اینترنت برای مقامات ارسال نمود. کشاورزان توانایی آن را داشتند که یکی از پیشنهادات فوق را عملی سازند. بدین ترتیب، راهبرد یادشده معیشت و محصول آنان را از خطر نابودی رهانید. هیچ‌یک از اشخاصی که مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند از مشکلاتی که در زمینه استقرار تکنولوژی اطلاعات وجود دارد، بی‌اطلاع نبودند. این مشکلات می‌تواند تفاوت‌های معناداری در جوامع ایجاد کند. کارلسون می‌گوید:

صرفاً وجود تعداد زیادی کامپیوتر و اتصال به اینترنت به برطرف شدن کلیه معضلات منجر نمی‌گردد چراکه مشکلاتی همچون گرسنگی، جنگ، تخریب محیط زیست و ایدز بالقوه وجود دارند.

وی می‌افزاید: بسیار ساده‌لوحانه و غیرمنطقی است که استدلال کنیم استفاده از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات می‌تواند موجب حل تمامی مشکلات جوامع شود.

برخی از منتقدان ادعا می‌کنند اجرای چنین پروژه‌هایی پیامدهای ناگواری به دنبال خواهد داشت. آنها معتقدند استفاده از کامپیوتر نمی‌تواند فاصله زیاد میان کشورهای فقیر و غنی را برطرف سازد مگر آنکه دسترسی کشورهای در حال توسعه به اینترنت و افزایش توان مالی آنان به میزان زیادی موجبات بهبود زیرساختهای ارتباطی را فراهم آورد.

طبق گزارش هادسون از دانشگاه سان‌فرانسیسکو، اغلب نگرانیها در خصوص هزینه‌های دسترسی به اینترنت بی‌مورد است.

این گزارش می‌افزاید: برای دسترسی مردم کشورهای در حال توسعه و مناطق روستایی به اینترنت راه کارهای بسیاری وجود دارد. در این زمینه، کارآفرینان زیادی در کشورهای صنعتی در جستجوی راه کارهایی هستند که امکان دسترسی آسان به اینترنت را برای مردم بی‌بضاعت جهان به صورت فراگیری فراهم آورند.

هادسون ضمن اشاره به تنگناهای موجود در این خصوص می‌گوید:

مشکل اصلی این است که چه سیاستهایی باید اتخاذ گردد تا به واسطه آنها بتوان تنگناهای موجود بر سر راه گسترش خدمات اینترنتی را مرتفع ساخته و مردم فقیر جهان را از خدمات یادشده بهره‌مند نمود.

هادسون همچنین اظهار می‌دارد که اغلب کشورهای آفریقایی به شبکه‌های کامپیوتری اجازه رقابت نمی‌دهند. همچنین اجازه استفاده از تکنولوژی‌هایی از قبیل ماهواره به کاربران

نهایی داده نمی‌شود. فراهم آمدن امکانات یادشده در بلندمدت موجب برطرف شدن معضلات دسترسی به اینترنت خواهد شد.^۱

اینترنت و سلطه

بسیاری از دولتها هنگامی که ناچار شده اند میان حرکت در راستای ابر بزرگراه اطلاعات یا توقف در کنار گذرگاه های فرعی تکنولوژی، یکی را برگزینند، همراه شدن با موج اینترنت را انتخاب کرده اند. اینترنت و سایر فن آوری های اطلاعاتی و ارتباطی علاوه بر مدرسانی به زمامداران جهت رقابت در اقتصاد جهانی، دولتها را تقویت نموده و آنها را در زمینه نیل به حکومت کارسازتر- که مدنظر بسیاری از رهبران است، همراهی می نمایند. در برخی از کشورها، از اینترنت حتی برای افزایش شفافیت، کاهش فساد و پاسخگوتر ساختن هر چه بیشتر دولت در قبال شهروندان بهره برداری می گردد.

در مقابل حکومتگران همواره به دنبال کسب رهنمود اینترنتی از مخالفان خود نیستند چراکه کنترل اطلاعات همواره سنگ بنای حکومتها بوده و آنها طبیعتاً نسبت به شبکه اینترنت مشکوک می باشند. دسترسی عمومی به اینترنت بخش های عظیمی از جامعه را از دسترسی به اطلاعات و تصاویر ممنوعه برخوردار ساخته و مخالفت مردم عادی را تشدید می نماید و این همان چیزی است که در بسیاری از کشورهای برخوردار از کاربران اینترنتی رو به گسترش، رخ داده است.

در نتیجه، چنین دولتهایی به اجرای طرح های پیشرفته ای در زمینه سانسور در جهت پیشگامی از ناراضیان خود مبادرت می نمایند. در چنین وضعیتی به رقابت تکنولوژیک، به واسطه مواجهه انقلابیون بالقوه و توده های دموکراسی طلب با حکومت های مصمم به اعمال نظارت بر عملکرد شهروندان، به مثابه مسابقه تسلیحاتی اینترنتی عمل خواهند کرد.

¹ Great Challenge of 21 CenturyWorld Link Digital Divide

در حقیقت در عصر تکنولوژی، ایمان به ماهیت دموکراتیک تکنولوژی و تقویت آن به بسط این اندیشه منتهی گردیده است که اینترنت اقدامات رژیم‌های خودکامه را بی اثر می‌سازد. از اینرو، موضع‌گیری طرفداران حقوق بشر و سازمان‌های طرفدار آزادی مطبوعات درقبال مسئله حمله به اینترنت به عنوان نقض سرنوشت آشکار دموکراتیزه شدن فن آوری، چندان تعجب آور نیست. سانسور فناوری و طفره رفتن از آن در عین ارتباط با بحث آزادی سیاسی بخشی از یک پازل رو به رشد نیز می‌باشد. حتی اینترنت اگر به سقوط خودکامگی یاری رساند، تجلی نوین آن را دگرگون خواهد ساخت.

اگرچه در برنامه اغلب دولتهای خودکامه، تبلیغات را سانسور و اشاعه می‌دهند با این وجود ابتکار دولت الکترونیک در آن است که بوروکراسی را تغییر شکل داده، اطلاعات آموزشی و بهداشتی را منتشر ساخته، ارتباط مستقیم میان مقام‌های مسئول و توده مردم را افزایش داده، و در عمل به ارتقای کیفیت زندگی شهروندان منتهی می‌گردد.

تلاشهای فعالان و دولت‌های خارجی برای حمایت از هکرها اینترنتی در کشورهای خودکامه در راستای پشتیبانی از برنامه‌های دولت الکترونیک و همانا تقویت اصلاحات پایدار است.^۱

منابع و ماخذ

منابع فارسی

- ۱- اسنل، مد، اصول و راهنمای ساخت صفحات وب. ترجمه نسترن بیشه‌بان. تهران: نشر علوم روز ۱۳۷۹.
- ۲- افتخاری، اصغر، هویت ملی و خطر نظم موزائیکی، ایران، سال هشتم، شماره ۲۲۸۹.
- ۳- اجلاس جهانی سران، آزادی مطبوعات تنوع مطالب، از انتشارات دفتر سازمان ملل متحد در تهران: ۱۳۸۲.
- ۴- براتی، بهداد، سه هزار و یک آدرس در وب. تهران: ارس رایانه ۱۳۸۱.
- ۵- تیموری، هما، نقش تارگه در سازمانها، ماهنامه آموزشی، پژوهشی و اطلاع‌رسانی وب مهر ۱۳۸۱.
- ۶- تومی، ایلکا، جامعه‌دانی و پرسش‌های پژوهشی آینده، ترجمه اسماعیل یزدان‌پور، مرکز پژوهش‌های ارتباطات، تهران: ۱۳۸۳.
- ۷- پاک‌نظر، ثریا، خدمات وب، ماهیت پردازش را دگرگون می‌کند، ماهنامه آموزشی، پژوهشی و اطلاع‌رسانی وب، آبان ۱۳۸۱
- ۸- شایگانی، شاپور، آشنایی با وب و آموزش HTML. تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی نص ۱۳۷۷.
- ۹- حسینی تهرانی، مهدی، آموزش گام به گام HTML، ماهنامه آموزشی، پژوهشی و اطلاع‌رسانی وب شهریور ۱۳۸۱.
- ۱۰- فالک، بنت، Internet به زبان ساده. ترجمه مجید سماوی. تهران: چرتکه ۱۳۷۸.
- ۱۱- فرزاد، هادی، تبلیغات در حوزه وب، انتشارات سروینه، تهران ۱۳۸۵.
- ۱۲- فرسای، داریوش، راهنمای آسان ساخت صفحات و سایت وب [Macromedia Dream Weaver4] ماکرومدیا دریم ویور ۴. تهران: آینده دیگر ۱۳۸۱.

- ۱۳- زرگر، محمود، مدل‌های راهبردی و راهکارهای تجارت در اینترنت. تهران: بهینه ۱۳۸۰
- ۱۴- کورپر، استفانو، تجارت الکترونیکی. مترجم خسرو مهدی‌پور عطایی. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری دیباگران ۱۳۸۰.
- ۱۵- کوشا، کیوان، موزه‌های مجازی و شبکه جهانی وب با رهیافتی نوین برای دسترسی به مجموعه‌های رقمی. فصلنامه کتاب پاییز و زمستان ۱۳۷۷.
- ۱۶- گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشرنی، چاپ ششم، سال ۱۳۷۹،
- ۱۷- گرینبرگ، جف، طراحی و ساخت حرفه‌ای سایت‌های وب. ترجمه مسعود پاک‌نظر. تهران: ارس رایانه ۱۳۸۰.
- ۱۸- معتمدنژاد، دکتر کاظم، جامعه‌اطلاعاتی، اندیشه‌های بنیادی، دیدگاه‌های انتقادی و چشم‌اندازهای جهانی، مرکز پژوهش‌های ارتباطات، تهران: ۱۳۸۳.
- ۱۹- محسنی، منوچهر، جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی، تهران، نشر دیدار، سال ۱۳۸۰،
- ۲۰- ملکیان مصطفی، معنویت در عصر جهانی شدن، روزنامه همشهری، ش ۲۸۲۲، سال دهم
- ۲۱- هاشمی ملایری بیژن و باستانی فریده، مقدمه‌ای بر اینترنت و شبکه وسیع جهانی، بخش اول، مجله علوم پزشکی تربیت مدرس، تابستان ۷۷ شماره ۱.
- ۲۲- هان، هارلی. راهنمای جامع اینترنت (Internet) ترجمه محمدرضا آیت‌الله‌شیرازی. تهران: ناقوس ۱۳۷۸

منابع الکترونیکی

نمایه

سایت‌های اینترنتی مرتبط

کتابخانه‌های اینترنتی

- Arendt, Hannah (1958). *The Human Condition*. Chicago: University of Chicago Press.
- Alloway, N. & Gilbert, P. 1998. Video game culture: playing with masculinity, violence and pleasure. In S. Howard (Ed.), *Wired up: young people and the electronic media*.
- Anderson, C.A. & Dill, K.E. 2000. Video games and aggressive thoughts, feelings and behaviour in the laboratory and in life. *Journal of Personality and Social Psychology*.
- Bang, Henrik (2003). *Governance as Social and Political Communication*. Manchester and New York: Manchester University Press.
- Bang, Henrik (2004). "Culture Governance: Governing Self-Reflexive Modernity." *Public Administration*. Vol. 82, No. 1, p.
- Barber, Benjamin R. (1998). *A Passion for Democracy: American Essays*. Princeton: Princeton University Press.
- Bimber, Bruce (1998). "The Internet and Political Transformation: Populism, Community, and Accelerated Pluralism." *Polity*. Vol. 31, No. 1 (Fall).
- Bimber, Bruce (2003). *Information and American Democracy: Technology in the Evolution of Political Power*. New York: Cambridge University Press.
- Brazill, Timothy J. and Groffman, Bernard (2002). "Factor Analysis Versus Multidimensional Scaling: Binary Choice Roll-Call Voting and the US Supreme Court." *Social Networks*. Vol. 24, p. 201-229.
- Budge, Ian (1996). *The New Challenge of Direct Democracy*. Cambridge: Polity Press.
- Certeau, Michel de (1997). *The Capture of Speech and Other Political Writings*.
- Conley—trans. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Cohen, Lizbeth (2001). "Citizens and Consumers in the United States in the Century of Mass Consumption." in *The Politics of Consumption: Material Culture and Citizenship in Europe and America*. Dauntun and Hilton—eds. New York: Berg.

- Chilton, R. 1999. Are violent games a lost cause [Online]. Available: <http://www.replaymag.com/chil0699.htm>.
- Cybersafe Kids: A parent's guide. [No Date]. Available: <http://ncpc.org/10adu12.htm>
- Dalton, Russell J. and Wattenberg, Martin P. (2002). *Parties Without Partisans: Political Change in Advanced Industrial Democracies*. New York: Oxford University Press.
- Davis, Richard (1999). *The Web of Politics: The Internet's Impact on the American Political System*. New York: Oxford University Press.
- Dean, Mitchell (2003). "Culture Governance and Individualization." in *Governance as Social and Political Communication*. Bang—ed. Manchester and New York: Manchester University Press.
- Defining media violence. No Date Available: <http://www.media-awareness.ca/eng/issues/violence/issues/define2.htm>.
- Dreyfus, Hubert L. (2001). *On the Internet*. New York: Routledge.
- Easton, David (1953). *The Political System*. New York: A. Knopf Inc.
- DFEE (1997) *Connecting the Learning Society, Consultation paper on the National Grid for Learning*, London.
- Easton, David (1979). *A Systems Analysis of Political Life*. 2nd Ed. Chicago: University of Chicago Press.
- Foucault, Michel (1977). *Discipline and Punish: The Birth of the Prison*. Sheridan trans. New York: Vintage.
- Foucault, Michel (1991). *The Foucault Effect: Studies in Governmentality*. Burchell, Gordon, and Miller—eds. Chicago: University of Chicago Press.
- Foucault, Michel (2000). *Power: Essential Works of Foucault 1954-1984*. Vol. 3. Fabion—ed. New York: The New Press.
- Gore, Albert (1993). *From Red Tape to Results: Creating a Government that Works Better and Costs Less*. Report of the National Performance Review. New York: Times Books a division of Random House.

- Gray, Mark (2003). "In the Midst of Fellows: The Social Context of the American Turnout Decision." Presented to the 2003 American Political Science Convention. Philadelphia, PA. August 28, 2003.
- Green, B., Reid, J. & Bigum, C. 1998. Teaching the Nintendo generation? Children, computer culture and popular technologies. In S. Howard (Ed.), *Wired up: young people and the electronic media*. UCL London.
- Gronbeck, Bruce E. (2004). "Citizen Voices in Cyberpolitical Culture." in *Rhetorical Democracy: Discursive Practices of Civic Engagement*. Hauer and Grom—eds.
- Mahwah: Lawrence Erlbaum Associates, Publishers.
- Gunnell, John G. (2004). *Imaging the American Polity*. University Park: Pennsylvania State University Press.
- Hill, Kevin A. and Hughes, John E. (1998). *Cyberpolitics: Citizen Activism in the Age of the Internet*. Lanham: Rowman & Littlefield.
- Horrigan, John B. (2004). "How Americans Get in Touch with Government." Pew Internet and American Life Project. May 24.
- Jameson, Frederic (1992). *Postmodernism, or the Logic of Late Capitalism*. Durham: Duke University Press.
- Margolis, Michael and Resnick, David (2000). *Politics as Usual: The Cyberspace "Revolution"*. Thousand Oaks: Sage.
- Mehta, Michael D. and Darier, Eric (1998). "Virtual Control and Disciplining on the Internet: Electronic Governmentality in the New Wired World." *The Information Society*. Vol. 14, p. 107-16.
- Nie, Norman and Erbring, Lutz (2000). "Internet and Society: A Preliminary Report."
- Stanford Institute for the Quantitative Study of Society.
- Norris, Donald F., Fletcher, Patricia D., and Holden, Stephen H. (2001) "Is Your Local Government Plugged in? Highlights of the 2000 Electronic Government Survey."
- Prepared for the International City/County Management Association and Public Technology, Inc.

- Norris, Pippa (2001). *The Digital Divide: Civic Engagement, Information Poverty, and the Internet Worldwide*. New York: Cambridge University Press.
- Norris, Pippa (2002). *The Democratic Phoenix*. New York: Cambridge University Press.
- Nunnally, Jun and Bernstein, Ira (1994). *Psychometric Theory*. 3rd Edition. New York: McGraw Hill, Inc.
- Melville-Thomas, G. 1985. Television violence and children. In G. Barlow & A. Hill (Eds.), *Video violence and children* (p.9). London: Hodder and Stoughton
- Osborne, David and Gaebler, David (1992). *Reinventing Government: How the Entrepreneurial Spirit is Transforming the Public Sector*. Reading: Addison-Wesley Publishing Company, Inc.
- Pharr, Susan J. and Putnam, Robert D. (2000). *Disaffected Democracies: What's Troubling the Trilateral Countries?* Princeton: Princeton University Press.
- Poster, Mark (1990). *The Mode of Information: Poststructuralism and Social Context*. Chicago, University of Chicago Press.
- Poster, Mark (2001a). *What's the Matter with the Internet*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Poster, Mark (2001b). *The Information Subject*. Amsterdam: G & B Arts International.
- Putnam, Robert D. (1993). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. Princeton: Princeton University Press.
- Putnam, Robert D. (1995a). "Bowling Alone." *Journal of Democracy*. Vol. 6, No. 1 (January), p. 65-78.
- Putnam, Robert D. (1995b). "Tuning in, Tuning Out." *PS, Political Science*. Vol. 28, No. 4 (December), p. 664-83.
- Putnam, Robert D. (1995c). "'Bowling Alone': An Interview with Robert Putnam About America's Collapsing Civic Life." Available at: http://muse.jhu.edu/journals/journal_of_democracy/v006/putnam.interview.html.
- Putnam, Robert D. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon and Schuster.

- Rheingold, Howard (1993). *The Virtual Community: Homesteading on the Electronic Frontier*. Reading: Addison-Wesley.
- Saco, Dianna (2002). *Cybering Democracy: Public Space and the Internet*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Sciadas, George ed. (2003) *Monitoring the Digital Divide ... and beyond*, Quebec: NRC Press. Available at www.orbicom.uqam.ca
- Schwartz, L.L. & Matzkin, R.G. 1999. Violence, viewing and development: does violence in the media cause violence in youth. In H.V. Hall (Ed.), *Lethal violence* (p. 117). London: CRC Press
- Sclove, Richard E. (1995). "Making Technology Democratic." in *Resisting the Virtual Life: The Culture and Politics of Information*. Brook and Boal—eds. San Francisco: City Lights.
- Sijtsma, Klaas and Molenaar, Ivo (2002). *Introduction to Nonparametric Item Response Theory*. Thousand Oaks: Sage Publications.
- Some things you should know about media violence and media literacy 2000. Available: <http://www.aap.org/advocacy/childhealthmonth/media.htm>
- Starr, Paul (1996) 'Computing our way to educational reform', *The American Prospect*, 8, 31 (March-April).
- Sunstein, Cass (2001). *Republic.com*. Princeton: Princeton University Press.
- Tocqueville, Alexis de (2000 [1840]). *Democracy in America*. New York: Bantam Books.
- Turkle, Sherry (1995). *Life on the Screen: Identity in the Age of the Internet*. New York: Simon and Schuster.
- Walters, William (2002). "Social Capital and Political Sociology: Re-imagining Politics?" *Sociology*. Vol. 36, No. 2, p. 377-97.
- Wolin, Sheldon S. (1960). *Politics and Vision: Continuity and Innovation in Political Thought*. Boston: Little, Brown, and Company.
- Young, K. No Date. *The impact of violent computer games on children*. [Online]. Available: <http://commitment.com/young1.html>.

Zachary, G. Pascal (2004) 'Black Star: Ghana, information technology and development in Africa', First Monday, 9, 3 (March). Available at www.firstmonday.org